فیلم و هنر

ند ۱۳۵۱ — ۱۵ ریال



نورمن ویزدم دریک فیلم
ایرانی شرکت میکند

تازه ترین عکس سادنا ستاره
معروف هند دراین شماره

سعید راد دریک حادث
تیراندازی پس از قتل چند نف
کشته شد

آیا ازدواج
بیك ایمانوردی ومرجان
حقیقت دارد

نتیجه واقع بینی های سانسور باشد حاصل ضرورت های زمان است . در هر حال جای آن دارد که از مجریان آن کمال تشکر را داشته باشیم و خیلی هم ممنون ! و ضمنا تا یادم نرفته باید بعرض برسانم که همیشه ــ یا لااقل تا این لحظه ــ انگیزه‌ام برای نوشتن یادداشت قبل از اینکه نتیجه ضرورت هـای حرفه‌ای باشد ــ حاصل اعتقادات و ضرورت های قلبی و احساسیم می باشد .

... و مورد سوم اینکه آقای « فریدون . م . صالح » از آلمان گفته‌هایم را درباره نمایش فیلم‌های تبلیغاتی در سینما تائید نمودند و کلی موجبات خوشحالی ما را فراهم ساختند ولـی کو گوش شنوا و همچنان سینماچی ها پر و بال فیلم اصلی را بنفع فیلمهای تبلیغاتـی جمع و جور می‌کنند و فریادرسی هم نیست تا از حقوق تماشاچی دفاع کند و آخ و اوخ تماشاچی هم بجائی نمیرسد و فقط تنها راهی که بنظر میرسد اینستکه دست به آسمان برده و دعا کنیم !

ایرج صابری

اقدامی بزرگ وشایسته



هفته گذشته از طرف وزارت اطلاعات بمناسبت برگزاری جشن فرهنگ وهنر نمایشگاه سیر تحولات مطبوعات ایران گشایش یافت. بدون تردید باآنکه مطبوعات بزرگتـرین وسیله انعکاس فعالیت‌ها و نشـان دهنده تحولات عمیق اجتماعی بوده وناشر همه‌گونه اقدامات بزرگـی هستند که در راه سازندگی انجام میپذیرد ، ولی معلوم نیست کـه چرا این جامعه خدمتگزار و فعال اجتماع امروز ، هیچوقت کارشان مورد توجه و تایید قرار نگرفتـه است و اکثر نویسندگان مطبوعات از جهت مالی دارای وضع ثـابتی نیستند و مطبوعات نیز از جهـت مالی رو بقهقرا میروند و درشرف تعطیل شدن هستند و چه بسیار بجا است که مسئولان امر بدین امـر توجهی عاجل مبذول دارند زیرا واقعا هـزینه کـمرشکن انـتشار مطبوعات کار هـر کسی نیست و تراست‌های بزرگ مطبوعاتی نیـز بزانو درآمده و بهای نشریات خود را افزوده‌اند .

در هرحال ایجاد نمایشگاه سیر تحولات مطبوعات نشان داد که تاچه حـد نشریـات این سرزمین توانسته‌اند بجلو گام برداشته وخود را ازبسیاری جهات همپایه مطبوعات بزرگ جهان کنند و چه بجا است که این سیر تحول بصورت کتابی تدوین و در دسترس همگـان گذارده شود زیرا باآنکه مطبوعات خـودناشر همه تاریـخچه‌های مسائـل اجتماعی ایـران هستند ، دارای تاریخچه مدونی نیست .

اقدام بزرگ وزارت اطلاعات را تجلیل می‌کنیم و توفیق بیشتر مسئولین آنرا در رهبری مطبوعات کشور آرزو داریم .

علی مرتضوی

نشریه هفتگی : **فیلم و هنر**
صاحب امتیاز و مدیر : عبدالمجید رمضانی
آدرس اداره : ابتدای روزولت ــ شماره ۲ ــ آپارتمان شماره ۱۰ ــ شماره صندوق پستی : ۱۹۴۷
تلفن امور اداری : ۸۳۹۹۷۱ تلفن هیئت تحریریه : ۸۳۳۶۳۵
چاپ از : سکه (تلفن ۳۱۳۹۳۴)
گراور از : جواهری (تلفن ۳۱۴۳۱۱ ــ ۳۹۲۴۱۱)

روی جلد : «سعید راد» هنرپیشه فیلم «صادق کرده»
تابلو وسط : «سادنا» ستاره فیلم «یك گل و دو باغبان»

تبلیغ درخدمت اقتصاد واجتماع



هفته گذشته ، با پیام آقـای هـویـدا نخست‌وزیـر ، هـفته «تبلیغات» در ایران اعلام شد . شعار جامعه‌تبلیغات این بود :

ــ تبلیغات در خدمت اقتصاد واجتماع .

حال که تبلیغات در ایران تولدی دیگر را آغاز میکنـد و سرمایه‌داران باین نتیجه رسیده‌اند که «تبلیغ» میتواند در فـروش تولیدات آنها ، نقش بسزائی رابازی کند ، و همچنین «تبلیغ» در ایران ثمرات نیکو و پرثمری‌را ببار آورده است ، میخواستم چند کلمه‌ای درباره سازندگان فیلم‌های تبلیغاتی قلمی کنم ، باشد که استودیـوهای سازنـده فیلمهـای‌تبلیغاتی بیش از پیش درراه‌تبلیغ «سالم» اجتماع را رهبر باشند .

چند سالی میشود که بازار فیلمهای تبلیغاتی داغ شده ، و قبل ازشروع‌هرفیلم در سینماهای‌تهران‌وشهرستانها ، چند دقیقه‌ای اوقات گرانبهای تماشاچیان بدیدن این نوع فیلمها صرف میشود . فیلمهای ساخته شده گاهی اوقات بقدری ازلحاظ تکنیك و سوژه ضعیف وبی‌ـ پایه است که بقول تماشاگـران«حالشان» گرفته میشود ، و در بعضی لحظات آنقدر «سکسی» و«تهوع‌آور» است که عده‌ای از خانواده‌ها از دیدن این نوع فیلمها در تلویزیون و «خصوصا» سینما امتناع میورزند . جا دارد حـالاکه توجه همگان به تبلیغات‌واثرات آن معطوف شده است ، باین مهـم‌هم توجه بیشتری شود ، ومسئولین صاحب صلاحیت سناریو فیلم‌های تبلیغاتی را قبل از ساختن بررسی‌کنند و حتی کمیسیونی بوجود آید تا از پخش هرنوع فیلم تبلیغاتی پیش‌پا افتاده‌ای جلوگیری بعمل آورند . زیرا اگر بخواهیم شعار هفته‌تبلیغات را در نظر بگیریم می‌بینیم که برای داشتن یك اجتماع سالم باید تبلیغ سالم داشته باشیم .

چندی پیش شنیدم که یـك‌فیلم تبلیغاتی که توسط «منصـور یزدی» ساخته شده بود در یکـی‌از فستیوالهای اروپا در بین سـه هزار فیلم تبلیغاتی مقام اول رابدست آورده و حتی مدرك آنرا هم همراه با یك پلاك طلا بـرای‌سازنده آن بایران فرستادند . چه کسی ازاین پیروزی خـوشحـال‌نمیشود ؟ آیا موقع آن نرسیده که درکنار فیلمهای کودکان ، و فیلم‌های طویل سینمائی که در خارج از ایران صاحـب عنوان میشوندفیلمهای تبلیغاتی هم برقابت برـ خیزند و همگام باتحولات اخیر ،بیشگام بشوند ؟

م . صفار

گزارشی از فرستاده «فیلم وهنر» به «اصفهان»

بازگشت از سرزمین

یك اکیپ یکصد نفری ، گروه هنرمندان و

عکسها از : علی بانکی

● بعدازظهر را بدیدار اکیپ می‌پردازم . دردهکده هونجان سه‌منزل بزرك برای اکیپ‌اجاره شده است . بیش ازهفتاد نفرسیاهی لشگر وهنرپیشگان درجه‌دوم درگروه هنرمندان فیلم شرکت دارند . خاکدان که‌سمت مدیر تدارکات راعهده‌دار است ، درکنار من‌است. ابتدا ببازدید آشپزخانه وسالن غذاخوری می‌پردازیم . یك سرآشپز وچهارنفر کارگر عهده‌دار پذیرائی ازافراد هستند . سرآشپز اکیپ می‌گوید که‌هرروز ۳۰ کیلو برنج و۲۰ کیلو گوشت ، یکصد عدد تخم‌مرغ وسی‌لیتر شیر، ۴ کیلوکره و۵کیلو پنیر ودویست نان‌وسایر مواد موردلزوم غذای اکیپ‌را تامین میکند. صبحانه شیر ، تخم‌مرغ، کره وپنیر ومربا باکیپ داده می‌شود، نهارها بطور کامل غذابرنج‌است وشب‌ها خوراك .

هریك از افراد اکیپ برای خود تختخواب ، رختخواب‌ووسائل آسایش خودرا همراه آورده‌اند وقتی که سیاهی‌لشگرها کاری‌ندارند ببازی یا کوه‌نوردی و قدم‌زدن می‌پردازند . چهره‌ها همه انبوه از ریش وسبیل است .

وقتی که ازدیدار خانه‌های اکیپ بازمیگردیم ، ساعت ۵ بعداز ظهراست . برای دیدن «راش» های فیلم عازم شهرضا می‌شویم . اهالی شهرهمه با ماشین هنرمندان فیلم آشناشده‌اند و اطراف آنها را احاطه می‌کنند .

در سینمای شهرضا بدیدار فیلم موفق می‌شویم . هنوز سآنس‌سینما شروع‌نشده است . قسمتی ازفیلمهای گرفته‌شده مربوط بسکانس قلعه است که عبدالله (ناصر ملك‌مطیعی) یاور (منوچهر وثوق) و یارانش گرفتار یك‌توطئه میگردند ونبرد سخت وعجیبی درمیگیرد . درهمین مکان بودکه ملك‌مطیعی ازاسب بزیرافتاد ویکی از سیاهی لشگرها از پشت‌بام سقوط‌کرد . برای تهیه صحنه‌های انفجار یك متخصص‌استخدام شده‌است که بتواند بطورکامل صحنه‌ها را ایجادکند . اکثر پلان‌ها بین سه‌تاهشت بارگرفته شده‌که بتواند بطرزی دلخواه فیلمبرداری‌شود.

از میان چهل‌دقیقه فیلمی‌که مشاهده شد ، بیش‌از ۸ دقیقه‌مورد لزوم نیست واین میرساند که تاچه حد برای بهتر شدن فیلم کوشش ودقت بعمل می‌آید .

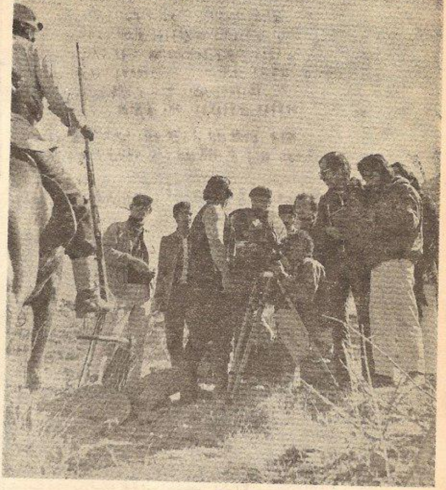
وقتی از سینما بیرون می‌آئیم بیش‌از پانصد نفر اجتماع کرده‌اند تا هنرپیشگان محبوب خودرا مشاهده‌کنند . منوچهر وثوق وملك‌مطیعی خیلی زود روی‌دست مردم بلند می‌شوندکه بالاخره با وساطت کارکنان سینما آنهارا درون اتومبیل‌ها قرار میدهند و بهونجان بازمیگردیم.

برای شام ، پوری‌بنائی نیز بجمع ما می‌پیوندد ، شام را در محیط صمیمانه‌ای میخوریم ، بعدازشام جوك‌های دست‌اول ملك مطیعی وسپس مقداری بحث وگفتگو درباره‌سینما سرانجام روز پرکاری‌است که گذشته است .

وقتی موقع خواب فرا میرسد ، من‌که چیزی همراه نبرده‌ام، ماتم رختخواب دارم ومقابله با سرمای سختی‌که هرشب در هونجان آغاز میگردد .

●

ساعت ۱۰ صبح با اکیپ عازم محل فیلمبرداری می‌شویم . قرار است صحنه‌ای که برای اولین‌بار عبدالله (ناصر ملك‌مطیعی) با اصلان (رفیع) برخورد میکند گرفته‌شود . در دامنه‌کوهی کلبه‌ای ساخته‌شده است . امروزکه جمعه است عده‌ای ازشهرضا و اسفرجان و همچنین اهالی هونجان برای دیدن فیلمبرداری آمده‌اند . قریب سیصد نفر



● ناصر ملك‌مطیعی سوار براسب در سمت چپ تصویر ــ عالمیان پشت دوربین و در کنارش سعید مطلبی ناظر برصحنه .....

● نهار ؛ بعد از یك کار طولانی در آفتاب مطبوع پائیزی ..... رضا شیبانی ، ناصر ملك‌مطیعی ، سعید مطلبی ، پوری بنائی ، جلال مهربان ، عالمیان و خاکدان در تصویر دیده میشوند .



«عاصی»ها...

کارکنان فنی فیلم را تشکیل مید...





هنرمندان را احاطه کرده‌اند . قب... بامنوچهر وثوق و ملک‌مطیعی فیل... کلبه میشویم . ساعت ۵ر۱۱ است ... رادکوپاژ میکند، دیالوگها رامی‌نو... سوار براسب آماده‌است . رفیع ... مشغول شکستن آن‌است .

عالمیان با رفلکتر روی صو... کار آغاز میگردد . ناصر سوار... میخواهد که برای گرفتن انتقام... حدود ۱۵ پلان‌است . تا ساعت ۵ر... وموقع نهار فرامیرسد . روی زمین پتوها پهن ... وهنرمندان و اکیپ‌فنی و کارگردان صحنه نهار می‌خورند . خاکدان عجیب برتق و فتق امور وپذیرائی مشغول‌است . درهر حال ساعت ۳ بعداز ظهر کار پایان می‌پذیرد وما بخانه بازمیگردیم . بعداز اندکی استراحت مطلبی برای تهیه یکی دوپلان‌خارج میگردد ، باد شدیدی آغازبوزیدن کرده است و من‌چون صحنه‌ی عمده‌ای نیست، در خانه میمانم .

« علی بانکی» عکاس فیلم ذوق بخصوصی در کارش دارد و عجیب وسواس داردکه هرچه عکس میگیرد فوری چاپ ونمونه آنرا درآلبوم بچسباند بهمین جهت باهر اکیپی که بسفر میرود اسباب و وسائل خودرا همراه می‌برد وعکسها راآماده میکند . وقتی‌که نشسته‌ام بانکی باآلبوم فیلم می‌آید . عکسهای فیلم عجیب‌گیرا و جذاب شده است ونشان میدهد که عاصی چگونه فیلمی ازکار درخواهدآمد .

راستی از «اقبال» یادم‌رفت صحبت کنم . اقبال نام‌اسبی است‌که درغلام ژاندارم اسب مخصوص ملک‌مطیعی بود و شیبانی‌آنراخریداری کرده و نگاهداری میکند، گویامیخواهد که با آن فیلمهای بسیاری بسازد وبهمین علت هم در این‌فیلم اسب مخصوص ناصر ملک‌مطیعی‌است وکارهای جالبی درجریان فیلمبرداری میکند .

درهرحال بعداز ظهر جمعه بیازی ، بحث وگفتگو پیرامون‌فیلم دوستان می‌پردازند که پایانش نیز بسینما ومسئله تهیه‌کننده وهنرپیشه وسینمای ایران کشیده‌میشود . شام راکه میخوریم ساعت ۸ شب‌است وتا زمان خواب وقت‌مارا چیزی پرنمی‌کند بجز بازی بیست وبك و جوکهای جالبی‌که ملک‌مطیعی تعریف میکند و هیچوقت‌هم‌تمامی ندارد.

●

امروز که شنبه است گویا هوا روی‌خوش نشان نمیدهد وابری است . معهذا بایدکارکرد . مطلبی باآنکه دیشب را تب‌کرده است معهذا زودتر ازهمه آماده‌است . ساعت ۹ صبح اکیپ‌حرکت میکند . امروز ناصر ملک‌مطیعی ، پوری‌بنائی ، منوچهر وثوق بازی دارند و صحنه‌هائی مربوط بفرار وگریز آنان ازدست داروغه و نگهبانان ، فیلمبرداری می‌شود وهونجان بخاطر دارا بودن وضع طبیعی‌خود ، عجیب بکار فیلم کمك‌میکند کوچه‌هائی پله‌ای شکل‌که از بالای کوه تاکنار رودخانه کشیده شده واین سه‌نفر تفنك بدست مشغول فـرار هستند .

برای گرفتن سه‌پلان در حدود ۳ ساعت وقت‌صرف می‌شود . کارها باآنکه اندك‌اندك پیش‌میرود ، معهذا دقیق وحساب‌شده‌است. بعداز نهار یکی‌دیگر از صحنه‌های سخت قراراست فیلمبرداری‌گردد. صحنه میخانه‌ای که‌در آن اتفاقی افتاده وعبدالله (ناصرملک‌مطیعی) یکی‌را میکشد .

برای رقص دراین میخانه رقاصه‌ای ازتهران آمده است وبایستی کارش پایان یافته‌وبازگردد . کارتاساعت ۱۰ بعدازظهر بطول‌می‌انجامد. وقتی بازمیگردیم ، همه‌خسته و کوفته‌ازکار مشکلی‌که در پیش‌داشته‌اند، شام خورده و برختخواب میروند ومن‌که ماموریتم را پایان یافته‌می‌بینم باهمه آنها خداحافظی میکنم ، زیرا قراراست ساعت ۵ صبح همـراه خاکدان که برای تهیه وسائل باصفهان میرود، باصفهان بازگردم .

●

وقتی هواپیما فرودگاه اصفهان را ترك‌میکند و درفضا اوج میگیرد خاطره سه‌روز زندگی درمیان «عاصی» ها درذهنم تکـرار میشود ، بحث‌ها ، صداقت‌ها ، تلاش‌های مقدسی که برای ارائه‌ك کارخوب بانجام میرسد . راستی اگر ازمیان یکصد فیلمی که درسال درایران ساخته می‌شود، حداقل برای ۱۰ فیلم چنین تلاشی بعمل‌آید، حاصلی خواهدداشت عظیم وبزرك این تلاشها میتواند امیدوارکننده برای سینمای این‌ملك شود، زیرا وقتی همه‌افرادی که در ساختن یك فیلم بکارشان مومن وصادق باشند، اثری بدون عیب وبرتر بوجود خواهدآمد . ومن درحالیکه دردل آرزوی توفیق برای رضاشیبانی وهنرمندان فیلم عاصی دارم ، بصدای مهماندار هواپیما گوش میدهم که‌خبر ورودمان را بتهران نوید میدهد .

پایان



● مریم الوندی



گزارشی از فرستاده «

بازگشد

یك اکیپ

عکسها از : علی بانکی

● بعدازظهر را بدیدار اکی
سه‌منزل بزرگ برای اکیپ‌اجاره ش
لشگر وهنرپیشگان درجه‌دوم درگر
خاکدان که‌سمت مدیر تدارکات ر
ابتدا بازدید آشپزخانه وسالن غذا
وچهارنفر کارگر عهده‌دار پذیرائی
می‌گوید که‌هرروز ۳۰ کیلو برنج
تخم‌مرغ وسی‌لیتر شیر، ۲ کیلوگر
مواد موردلزوم غذای اکیپ‌را تامی



● سارا



● سیمین علیزاده

از : شاهپور منصف

بمناسبت برگزاری هفته تبلیغات

از تبلیغات تا سینما

و اینها هستند تبلیغاتی‌هائیکه بخدمت سینما درآمده‌اند...

● «تبلیغات» پدیده‌ایست که امروزه عملا ثابت شده میتواند تاثیری بسزا و غیر قابل‌انکار در عرضه کالاها و استقبال مردم از آنها داشته‌باشد و «سینمای‌تبلیغات» که نمره کار آن فیلمهای تبلیغاتی است تا بآن درجه اهمیت رسیده که بعد از هنرهای هفتگانه ، لقب «هنر هشتم» را بآن داده‌اند و خوشبختانه این بقولی «هنر هشتم» در ایران خوش درخشیده وفیلم‌های تبلیغاتی که در این مرزوبوم و وسیله فیلمسازان ایرانی ساخته می‌گردد اگر بخواهیم در مقام مقایسه با آثار تبلیغاتی سایر کشورهای جهان قرار دهیم ، بدون اغراق میتوان گفت‌که دراین میان تبلیغات و فیلمهای آن در ایران، مقامی درخور توجه خواهد داشت.

بهرصورت در اینجا بدنیست یادآور شویم که مسئله ساختن‌فیلم‌های تبلیغاتی در ایران ، بین سالهای ۱۳۲۵ و۱۳۳۵ درحد ارائه فیلمهای تبلیغاتی صامت کشورهای خارجی و نشان دادن اسلاید‌های گوناگون درمورد کالاهابود وگاه نیز گفتاری بصورت نوار تهیه گردیده و روی فیلمهای تبلیغاتی خارجی گذاشته می‌شد ، تا اینکه درسال ۱۳۳۵ فی‌الواقع تبلیغات و ساختن فیلمهای تبلیغاتی درایران متولد گشت و اینگونه فیلمسازی بصورت حرفه‌ای و باصطلاح جدی درآمد و با کمك فرهاد هرمزی فیلمهای تبلیغاتی شکل قابل ملاحظه‌ای گرفت و از دیگر پیش‌کسوتان تبلیغات هم میتوان : زندی نژاد ، یزدی و پرویز اصانلو را نامبرد و بمرور فیلمسازان بسیاری در کار تبلیغات به‌فعالیت فیلمسازی پرداخته ، و اکنون موسساتی منجمله: فاین‌فیلم، پخشیران ، کارتن فیلم ، چاپلین فیلم ، تولید فیلم ، اینترکات و غیره و ذالك در ساختن فیلمهای تبلیغاتی دست دارند و با توجه به توفیقی که‌درمورد فیلمهای‌تبلیغاتی ایران و سابقه نسبتا کوتاهش نسبت به خیلی از کشورهای دیگر ذکر شد ، یك نکته‌دیگر را باید مطرح نمود و آن اینکه بودجه‌ای که برای ساختن فیلمهای تبلیغاتی در ایران در نظر گرفته می‌شود ، به مراتب بسیار کمتر از بودجه‌ایست که برای‌ساختن فیلمهای همین نوع فیلمهای تبلیغاتی در کشورهای خارج در نظر گرفته می‌شود ودر حقیقت بودجه‌ای بین دو هزار تومان تا چهل هزار تومان برای ساختن یك فیلم تبلیغاتی در کشور ما مصرف می‌شود ، و تازه ازنظر کمیت نیز همین بس که مثلا تنها در سال ۱۳۵۰ حدود ۲۸۰ موضوع مختلف در فیلمهای تبلیغاتی ایران پیاده گردیده و بالغ بر ۱۰۰۰۰ کپی ازفیلمهای تبلیغاتی ساخته‌شده است ، و جالب اینکه در ایران هنرپیشه‌های فیلمهای تبلیغاتی‌فقط بهنگام بازی درفیلم مربوطدستمزد می‌گیرند و صاحب کالا حق‌دارد تاهرزمان که خواست نمایش فیلم تبلیغاتی مزبور را ادامه دهد و از اینراه استفاده ببرد ، در حالیکه در اکثر کشورهای خارجی اجازه پخش یك فیلم تبلیغاتی مدتی است محدود ودر صورت پخش فیلم تبلیغاتی بعد از تاریخ مورد نظر، صاحب کالا بایستی هنرپیشه وسایر عوامل سازنده فیلم تبلیغاتی را راضی نموده وبا پرداخت مبلغی دیگر بعنوان دستمزد که درواقع دستمزد ثانویه آنها بحساب می‌آید، اجازه پخش مجدد فیلم تبلیغاتی که درمورد کالایش ساخته شده‌است بدست آورد و البته بازهم برای مدتی محدود !

و اما چون تبلیغات بودجه عظیمی را به‌سوی تلویزیون‌سرازیر می‌کند و نیز بخصوص در ایران که برخلاف آمریکا و بسیاری از کشورهای آسیائی ، پخش فیلمهای تبلیغاتی در سینما رواج دارد واینگونه فیلمها قبل ازشروع فیلم در سینماها ، جائی مشخص برای خود دارند ، میتوان گفت که تبلیغات در اقتصاد کشور



● فریبا خاتمی



● مهناز



● سیمین غفاری

نقشی بسیار موثر را بازی می‌کند. دیگر اینکه مردمی که برای‌دیدن فیلم به سینما میروند ، در حقیقت برای دیدن فیلم مزبور پول‌میدهند وبلیط میخرند و نه بخاطر چیزی دیگر ، و بعد علاوه برفیلم‌مربوطه، فیلمهای تبلیغاتی متعددی هم بطور مجانی تماشا می‌کنند و بقولی‌باین ترتیب اینهم یك فرق مادی است فیمابین فیلمهای سینمائی وفیلم‌های تبلیغاتی !

و حال می‌رسیم به دست‌اندر کاران تبلیغات و فیلمهای آن در ایران که عبارتند از یکعده‌هنرپیشه های ریز ودرشت تبلیغاتی وتعدادی هم فیلمسازان تبلیغاتی ... و باید یادآور گردید که گاه از سینما وموزیك و خلاصه سایر رشته‌های هنری نیز هنرمندانی به تبلیغات روآورده‌اند و چند صباحی دراین رشته فعالیت داشته و سپس به کار اصلی خویش در زمینه سینما و موزیك و غیره بازگشته‌اند و از اینجمله میتوان گوگوش ، پوری بنائی و عارف را نامبرد !

بهرحال سینما هم که‌درکمین صید شکارهای مورد توجه‌تر می‌باشد ، توانسته شکارچی بسیاری‌از هنرپیشه‌ها و فیلمسازان تبلیغاتی شود ، منتهی نباید از نظر دور داشت که درمیان چهره‌های مذکر که بازیگر فیلمهای تبلیغاتی بوده‌اند ، کمتر دیده شده که درخششی در سینما از آنها دیده شود ونمونه‌اش هم فریدون‌خسروی و چندتن دیگر میباشند که بدنبال بازی در یکسری فیلمهای تبلیغاتی، به‌سینما رو نموده توفیقی در این زمینه کسب نکرده‌اند ، درحالیکه اکثریت چهره‌های مونث تبلیغات که نتیجه کار آنها .در فیلمهای تبلیغاتی بوده است ، توانسته‌اند بجمع چهره‌های واقعا قابل اعتناء بپیوندند ، و خلاصه اینکه مادر رپورتاژ حاضر که کم وبیش‌مقارن با نخستین هفته تبلیغات در ایران است ، این چهره‌های مونث‌تبلیغات را که به سینما رو کرده وبازیگر فیلمهای سینمائی شده‌اند . بطور مختصر و بنوعی معرفی خواهیم نمود و ضمنا آندسته از فیلمسازان تبلیغات که فعالیت سینمائی آنها بچشم خورده است و بدنبال ساختن فیلمهای تبلیغاتی ، به سینما پیوسته‌اند ودر ساختن فیلمهای سینمائی سهیم شده‌اند نیز طی یك شماره مورد بحث قرارخواهند گرفت .

● فریبا خاتمی یکی از هنرپیشه های تبلیغاتی بوده که بدنبال بازی درفیلمهای تبلیغاتی ، بازیگر فیلمهای سینمائی گردید و درواقع سال ۱۳۴۱ فریبا کارهنری خویش را با بازی در یك فیلم تبلیغاتی که درمورد پتو ساخته می‌شد آغاز نمود و پس از بازی در چند فیلم تبلیغاتی دیگر، مدتی هنرپیشه مخصوص فیلمهای‌تبلیغاتی یك نوع کلاه مخصوص زنانه که آنزمان مد شده بود گشت ، منتهی هنوز بآن صورت که باید و شاید فریبا در تبلیغات بحدی دلخواه نرسیده بود تا آنکه علی‌اصغر گرمسیری برای فیلم تبلیغاتی جدیدی که درمورد یك روغن تصمیم داشت بسازد ، از فریبا دعوت بعمل آورد و بازی در این فیلم سبب درخشش قابل توجه‌فریبا شد و«عمو روغن فروش» جمله‌ایکه فریبا دراین فیلم تبلیغاتی تکرار میکرد ، ورد زبانها گردید . در این هنگام که تقریبا بالغ بریکسال ازشروع کار تبلیغاتی فریبا می‌گذشت ، استودیو پارسفیلم‌پیشنهاد بازی درفیلمی تحت عنوان«دوستت دارم» را به‌فریبا نمود و فریبا هم به‌محض دریافت این پیشنهاد ، تمام قول و قرارهای خود را درزمینه تبلیغات از یاد برد و حتی طبق قراری که با پرویز اصانلو برای بازی در یك فیلم تبلیغاتی درمورد بلیط گذاشته بود نیز عمل نکرد و جالب اینجاست که اکیپ‌سازنده این‌فیلم تبلیغاتی را که در خیابانی

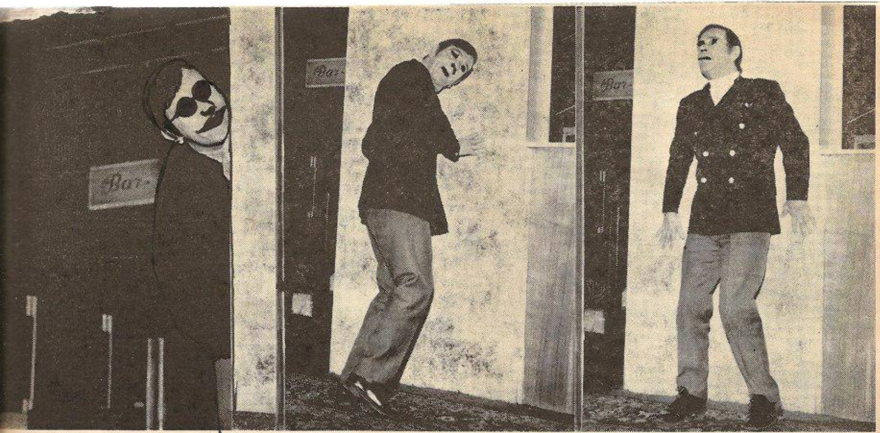
بقیه در صفحه ۳۷



● مژگان



● کتایون



● «نورمن ویزدام» با چند ژست ، خاطره شیرین فیلمهای موفقش را یادآوری میکند ....

«نورمن ویزدم»

دریك فیلم ایرانی شرکت می کند...

فیلم ایرانی نورمن در اصفهان تهیه می‌شود و احتمالا «ارحام صدر» همبازی اوخواهد بود.



● «نورمن ویزدام» با «شکرائی» و «امیرشروان» تهیه‌کننده و کارگردان فیلم ایرانی خود ....

● چند روز قبل اطلاع پیدا کردیم که «نورمن ویزدم» کمدین مشهور انگلیسی بالاخره موافقت کرد که در یك فیلم ایرانی شرکت کند . تهیه کنندگان ایرانی، هم دفعه‌ی قبل که «نورمن» به دعوت «کاباره شکوفه‌نو» به تهران آمده بود وهم این بار که باز به دعوت همان کاباره چند روزی در ایران می‌ماند پیشنهادهای متعددی مبنی برشرکت او در یك فیلم ایرانی کردند اما نورمن به‌این پیشنهادها جواب مثبت نمی‌داد تا اینکه هفته‌ی گذشته به پیشنهاد سازمان سینما تئاتر رکس دراین مورد پاسخ‌مثبت داد ... ما در هفته‌یی که گذشت با «شکرایی» تهیه کننده‌ی این فیلم‌و امیرشروان که قرار است فیلم مزبور را کارگردانی کند تماس گرفتیم تا صحت و سقم خبر مزبور تشخیص داده شود . و بهمین‌دلیل باتهیه کننده ، کارگردان و خود نورمن ملاقاتی‌داشتیم ودرهتل‌محل اقامت نورمن چند سئوال مطرح شد که می‌خوانید .

از نورمن می‌پرسم که چرا باآنکه قبلاًفیلمسازان ایرانی چندین پیشنهاد به او کرده بودند یکباره بازی دراین فیلم را قبول می‌کند؟

نورمن پاسخ میدهد: «دفعه‌ی قبل که من در تهران بودم عده‌یی از من سئوالاتی در این موردکردند مثلا اینکه وقت داری ؟ چقدر می گیری؟ اصلا راضی به این کار هستی ؟ ولی هیچکس آمادگی کامل برای این کار نداشت. هیچکس با سناریو نزد من نیامد که پیشنهاد کند.»

شکرایی دراین مورد می‌گوید: «نورمن بخاطر فیلمهایش با ما مدتهاست آشنائی دارد چون بجز یك فیلم، کلیه فیلم‌های او را شرکت سینماتئاتر رکس در ایران پخش کرده است . از این گذشته او از داستان ما خیلی خوشش آمده است.»

سئوال بعدی از نورمن اینست که چطور او بعد از مدتها که در فیلم‌های خارجی بازی نداشته‌قبول می‌کند که در یك فیلم ایرانی شرکت کند ؟ نورمن پاسخ میدهد:

«اولا سینما در انگلستان در حال حاضر آن اهمیتی را که تلویزیون دارد. دارا نیست . و من فعلا در تلویزیون فعالیت دارم. ثانیا وضع من از نظر مادی به‌حدی رسیده که دیگر احتیاجی، برای پول بیازی کردن ندارم، در نتیجه درپی فعالیت‌هایی هستم که برایم

بقیه در صفحه ٤٠



سینمای تجارتی در گفت‌وگویی با : امان منطقی

فیلم من مثل یك مجله است !

*** اول باید مردم با سینما آشنا بشوند و بعدا با آنها از طریق سینما حرف زد.**

*** طنز ، راه هنرفیلمسازی کشور ما را منحرف کرده است .**

*** بین‌پیام‌سازنده و‌پیام سازشگرانه‌اختلاف فاحشی وجود دارد .**

تا به‌حال سه فیلم از امان‌منطقی نمایش داده‌اند: پهلوان‌مفرد غلام ژاندارم، بابانان داد و هرسه- بخصوص دوفیلم آخر- باتوفیق تجارتی روبرو شدند و منطقی را به‌عنوان فیلمسازی که قادر است برای دل‌مردم‌فیلم بسازد شناساندند. علی‌الخصوص توفیق کم‌نظیر فیلم «بابانان داد» از نظر استقبال عامه‌نشان داد که شم تجاری منطقی ، روز به روز قوی‌تر می‌شود ... درگفت‌وگویی که می‌خوانید، سینمای تجارتی منطقی مورد بحث قرارگرفته است. سئوالهایی که به کار منطقی مربوط بشود بسیار زیاد بودوجواب‌های منطقی ، زیادتر ولی‌در مصاحبه‌ی حاضر، به چند سئوال کوتاه اکتفا شده ولی بهرحال ، گفت‌وگوی حاضر، برای‌علاقمندان‌کار منطقی چندان بی‌لطف نخواهد بود.

● مدتی قبل، گفته بودید‌که هر فیلمتان نسبت به فیلم قبل از نظر کیفیت پیشرفت خواهد کرد، چرا اینطور نشد؟

امان منطقی: پیشرفت، درچند زمینه است . من‌همانطور که بارها گفته‌ام می‌خواهم هرفیلمم را دریك زمینه‌ی متفاوت بسازم و ببینم که در چه‌زمینه‌یی تسلطم زیادتر وتمایل بیننده به کدام شیوه بیشتر است که بتوانم بعدا حرفهایم را درهمان زمینه وباهمان شیوه بزنم . البته من باتجربه‌یی که به‌دست آورده‌ام به‌این‌نتیجه رسیده‌ام که بایدمردم اول با سینما آشنا بشوند و بعدا با آنها از طریق سینما حرف زد. مردم باید این علم را بشناسند تا بعدا قدرت درکشان زیادتر شود. من در فیلم «بابانان داد» مساله‌یی را که بامردم در میان گذاشتم، بیشتر از نظر تصویری و ظاهری بود و بعد ریتمی که در فیلم وجود داشت.

● منظورتان ریتم آهنگهایی است که در فیلم اجرا می‌شد؟

منطقی: نه، ریتم فیلم از نظر مجموع فیلم، از نظر «سکانس»ها که به چه ترکیب کنار هم قرار می‌گیرند و از نظر پلانهایی که در فیلم هست واز نظر احساسی که در آنها وجود دارد.

● شما در یك مصاحبه، در زمان پهلوان مفرد گفته بودید که فیلمهایتان منبعد بهتر خواهد شد ولی این پیشرفت فقط در زمینه‌ی تجارتی انجام شده است.

منطقی: من لازم است‌اول بگویم که اصلا قصدم از فیلمسازی‌چیست- آن وقت به‌این مسایل خود به‌خود جواب داده می‌شود ... در حال حاضر درسینمای کشور ما، یك‌حالت خوب وحشتناك بوجود آمده است. خوبیش از این‌نظر است که یك‌نوع حالت جستجو وجود دارند و همه دارند دنبال یك فیلم خوب می‌گردند و وحشتناکش از این نظر است که دارند راه را غلط می‌روند یعنی راه انتخابی ، در هرلحظه مقادیری از هدف دور می‌شود ...

بحث سراین است که می‌گویند فیلم باید دارای پیام باشد، **این حرفی است که کسی منکرش نیست ، در هر اثر هنری باید پیام وجود داشته باشد ، اگر در اثری پیام نباشد اصلا اثر نیست . فقط یك سرگرمی ساده است . اما نکته اینجاست که یکی** از حقیرترین انواع پیام‌ها، پیام طنزآلود است. یعنی همین طنزاست که راه هنر فیلمسازی کشور **ما را** منحرف کرده است، برداشت ما از کلمه‌ی طنز یعنی فقط نشان دادن معایبی که در اجتماع، یا افراد ویا در روابط انسانها وجود دارد، که در نتیجه این معایب برطرف می‌شود وبجای این معایب ، محاسنی بوجود بیاید. اما حرف من این است که دراجتماع ، محاسنی هم وجود دارد نکات مثبتی‌هم هست که باتقویت این نکات به همان می‌رسیم. یعنی من به‌پیام سازنده بیشتر اهمیت می دهم تا پیام مخرب و پیام‌های‌طنز آلود حتما مخربند. ویرانگری ایجاد می‌کنند ولی پیام‌های سازنده، می سازند . باید توجه کنیم که منظور من از پیام سازنده ، پیام سازشگرانه نیست. بین پیام سازنده و پیام سازشگرانه اختلاف فاحشی وجود دارد. مثلا هیچکس نمی‌تواندبگوید که پیام سازنده‌ی دینی پیام‌هایی سازشگرانه هستند.یا تقویت‌احساسات انساندوستی، مردم دوستی، بشر دوستی ، پیام سازشگرانه است . اختلاف از همین‌جا شروع می‌شود که تلاش من در فیلم‌هایم این است که بنحوی مردم را باهم آشتی بدهم. و محسناتی را که در اخلاق، روحیات وافکارشان هست ، بیابم وتقویت کنم، نه معایبی که در اخلاقشان وجود دارد .

من برایتان مثال می‌زنم. در همین فیلم «بابا نان‌داد» بسیاری از مسایل را تشریح وتجزیه و تحلیل کرده‌ام ، **خیلی‌ها را باهم** آشتی داده‌ام، گیرم در برخورد اول **کسی توجه نمی‌کند ولی اگر** کسی مردم را متوجه این پیام‌ها بکند، طرز تفکر مردم بهتر خواهد شد.

● بسیاری از فیلم‌های هندی هم پیام سازنده ـ از نوعی که شما می‌گوئید ـ دارند . آیا این‌دلیل ارزش آن فیلم‌هاست ؟

منطقی: من راجع به «بسیاری از فیلم‌ها» نمی‌خواهم بحث کنم. راجع به فیلم خودم حرف می‌زنم ولی اصولا در شرق، نیاز به ایجاد روابط خوب بین آدم‌ها زیادتر است، شاید دلیل اینکه در فیلم‌های هندی هم، اینطور پیام‌ها زیاداست همین نیاز است.

فیلم من ، دو تصور ممکن است پیش آورد، یکی اینکه من آنچه را که مردم خواسته‌اند بهشان داده‌ام و دیگر اینکه، بآنها آنچه که احتیاج داشته‌اند، داده‌ام. من به‌مردم درفیلم‌هایم چیزهایی می‌دهم که به‌آن احتیاج دارند ومی‌خواهند تسکین پیدا کنند. **ادامه دارد**

پستچی و بازگشتی

از : فرید



● عزت‌الله انتظامی ـ احمدرضا احمدی و ژاله‌سام در صحنه‌ای از فیلم «پستچی»

گفتیم «پست‌چی» اثر دگرگون کننده‌ای در سینمای ایران است که با وجودیکه یك اثر سنگین بشمار می‌آید ، توفیق تجاری بیش از حدی شاملش گردیده است و با اقبال بسیار زیاد منتقدین و طبقه روشنفکر کشور واقع شده است .

فیلم وهنر بخاطر ارجی که بآثار خوب سینمای ایران میگذارد مصمم گردیده است انتقاداتی را که در مورد پست‌چی نوشته می‌شود بتفصیل چاپ کند و این کار را از شماره قبل آغاز نموده . از این هفته نقد کاملی را که فریدون گله سناریست و کارگردان فیلمهای ایرانی در مورد پستچی نوشته است درج نموده‌ایم .

●●●

به قسمت باز میگردیم به ابتداء ، به صحنه‌های صخره‌ئی سواحل اسکاندیناوی و فانوس های روشن ساحلیان ، به هجوم امواج هرزه‌پا و تاریکی الزامی شب به کلمات ناگفته فکرهای ریشه در چشم ، به‌ترس، اضطراب و پیدایش درام و نخستین تأثر امدادگر ، نوحه‌سرا وغریزی آب رفته انسانی .

شعر تلخ انتظار برفراز صخره‌های سرد وخیس پایه در آب در ابهام «آیا امیدی هست . ؟» در تسکین اضطراب ، سروده وخوانده شد و انسان خطوط ترش‌کشته تن خویش را ترسیمی دیگر بخشید و در ابهام امید فرآورد ذهن خویش ، خویش ناچیز را امیدوار برخ برزخ امواج کشید .

و این نخستین واکنش دراماتیك انسان بود در مقابله با ترس و اضطراب و غم اساطیری تنها ماندن خویش . هسته اصلی تراژدی رابطه‌ها در پست‌چی .

امروز در ابهام «آیا دیگر امیدی نیست ؟» پست‌چی ، این شعر زیبای مصور از همان ترس تلخ وهمان اضطراب مادر سخن می‌گوید و از عطوفت‌های پایمال شده انسانی و هجوم ماشین آسای نوعی تفکر مسموم و تن ترس‌کشته مردی کوچك از جهان سوم که همه‌چیز به هجو تلخ او برخاسته است و این توصیف زیبای دراماتیك «صرفنظر از فقدان یك اصالت محلی» آنچنان ترسیمی دقیق ، شاعرانه و غریزی یافته است که از نقطه آغاز تا زمان پایان بارها بیننده را به‌تفکر ، تعمق و پاسخ گفتن مجبور می‌کند و باگذشت لحظات بین آدمهای فیلم و بیننده بافتی آنچنان درونی و تکان دهنده پدید میآید که تائیدی است برهمان نگارش شفاف و روشن .

پست‌چی ، این انسان مهجور ، فتح شده و مضطرب ، متعلق به‌زمان فتح ماه ، مرگ‌های دسته‌جمعی کودکان از گرسنگی ، جنك‌های حقارت آمیز آیدیالیستیك ، تبعیض‌های وقیحانه نژادی و اختلافات روز‌افزون طبقاتی ، بدنی خسته ورنج‌کشیده دارد که در انجام وظایف غریزی و واکنش‌های اولیه طبیعی عاجز است . او گرفتار در یك دور تسلسل روابط اضطراری ، ناخوش‌آیند و فرساینده می‌باشد و مذبوحانه با تلاشی تحقیرآمیز سعی دارد موقعیتی امیدوارکننده از خویش ترسیم کند و این تلاش ، توام با تحمل همه‌چیز ، همه‌کس و همه‌کار آنچنان رنجش میدهد که احساس درد می‌کند دردی آنچنان آزار دهنده که بقول دکتر هیچ انسانی نمی‌تواند عـال آن باشد «که البته این اظهار نظر را مورد بررسی دقیق‌تری قرار خواهم داد» .

ابهام «آیا دیگر امیدی نیست ..؟» .. امید ؟ .. امید در ابهام او ، بازگشت به قوای فعاله جنسی ، پرداخت قرض‌ها و ترسیم یك خویش آبرومند و ....

نگاهش آنچنان نا امید ، خسته وجستجوگر است که برادری گرسنه در بیافرا بیاد انسان میآورد و یا برادر سیاه پوستش را که در خلوتی دور گرفتار مشتی سفید مست گشته است توسل‌جوئی‌ها ... گام‌ها ... لمس کردن‌ها ، وحاصل ، یك «اسکار مانتادوی» عامی ، بدهکار و اسیر در مکانیزم قراردادها ، آدمها ، رابطه‌ها ....

مثل بالتازارها که هنگام خلق یکی بخدمت بهئو فرستاده می‌شود و یکی بخانه پرشیا ، پست‌چی تسلیم محض روآورد روزها است و قسمت خویش را هرچیز همان مقدار می‌داند که باو داده شده است !.. و این تناقض شخصیت در بسیاری از حرکات ، کلمات وافعال او مشهود است .

رابطه‌ئی پنهانی میان ویژگی‌های تقی پست‌چی و مشهدی حسن در «گاو» مشهود است که از جمله ، شناختی ابتدائی ولی کافی از محیط زیست و قطع کامل امید از آن ، از خویش پرسیدن ، درخویش کاویدن و سیرنوعی تکامل ، غیرعادی ، شتاب آلود ، اضطراری و بازگشتی مستاصلانه به اصل ، به نوعی خوی حیوانی است .

مستاصلانه به اصل

ون گله



● «علی‌نصیریان» به‌نقش «پستچی» در چهارمین ساخته‌ی «داریوش مهرجوئی»

پستچی مستعمره بایر یك زن ، حیوان ناطق آزمایشگاه یك دامپزشك ، کارمند اداره پست و زرخرید ارباب است با این وصف مکانیزم محیط در شگفتی ابعاد او از او هم یك استعمارگر ساخته است و در این دور تسلسل بی‌ترحم ، مردی با دوچرخه‌اش باستعمار او درآمده است تا او فراغتی بیابد و بکارهای خانه ارباب برسد ، خانه‌ئی که راجع به‌آن به تفصیل صحبت خواهم کرد .

زن در حیات پستچی تذکار تلخی است ازناتوانیها، خواستنی‌ها، وظایف و رجعتی به اصل اساطیری لذت‌جوئی بشر و آغاز تدوین رابطه‌ئی میان داستان فیلم و قصه‌های اساطیری یونان ، رابطه‌ئی که تا به پایان در نهایت ظرافت حفظ میشود . زن در نگاه خویش ، در کلمات خویش و در سرمای بستر شرمنده خویش جستجوگری است که، عامیانه و پرخاشجویانه بهانه می‌گیرد وپاداش ناتوانی مرد را در رد برقراری هرگونه ارتباط انسانی «در حالت عدم وجود آمیزش‌جنسی» با او می‌پردازد شاید عدم توفیق ژاله سام در اجرای این مهم ضعف این پرسناژ بخصوص ، و وجود بازیگری بسیار توانا چون علی نصیریان در کنارش باشد .

زن ، تصویری از گذشته خود «حتی گذشته نزدیك» به بیننده نمی‌دهد و نوعی احساس بلاتکلیفی دربیننده نسبت بخود ایجاد میکند که اتفاقا این بلاتکلیفی در وضع خود پرسناژ کاملا مشهود است حتی زمانیکه زن بخود می‌آید وزیرلب گریه‌کنان نام شوهرش را با نوعی شرمندگی و احساس وظیفه سنگین تکرار می‌کند نمی‌تواند بعد دیگری یافته و باصطلاح پرورده شود ، پرسناژ زن ترسیم ناقصی است که گه‌گاه در جلوه میزانسن های آگاهانه مهرجوئی تکامل میبابد اما هرگز به ابعاد سایر آدم‌های فیلم وبه وضوح آنان دیده نمیشود .

چشم‌گیرترین ، تکان‌دهنده‌ترین و در عین حال رها شده‌ترین پرسناژ فیلم «ارباب» که با مهارت توسط انتظامی ایفا گشته است نماینده قشری است از قشرهای گذشته اجتماعی ما که با عدم تاکید مهرجوئی در نشان دادن یك «اصالت محلی ، احتمالا اسلامی» و شاید بخاطر پاره‌ئی ملاحظات اقلیمی بجز در چند مورد قادر به برقرار کردن ارتباط عمقی با سایر پرسناژها نیست و در نتیجه به بافت زیبای فیلم از یك جهت دید کاملا ایرانی لطمه میزند .

ضعف عمومی این پرسناژ در توضیح ندادن قدرت های قبلی او و نظام صنفی وابسته‌اش خلاصه میشود اما با تمام آنچه گفته شد تکیه های گاه‌گاه و شگفت‌انگیز مهرجوئی روی این پرسناژ بخصوص و ایفای نقش درخشان انتظامی چشم‌گیرترین آدم فیلم را عرضه میکند .

ارباب می‌تواند یك نظامی بازنشسته باشد در عین حال وابسته به‌نسل حاکم قبل که حالا پرونده‌اش بسته شده است ، در ارباب‌همه‌گونه خصائل انسانی مرده ، یافت میشود اما وجود زنده او ظاهری خشن ، پرگو ، مضطرب و محتاج دارد ، اشاره میکنم به استمدادهای عامرانه!.. او از دامپزشك ، تسلیم بدون قید و شرط در مقابل برادرزاده ، ور رفتن با زن فرنگی او و بالاخره نظاره کردن عشق‌بازی آندو که‌عریان بدنبال هم می‌دوند ...

لحظاتی که در خلال* آنها ارباب با حسرت از درخت‌ها ، سبزی‌ها و گوسفندان صحبت می‌کند ، این ظاهرا شاید بخاطر ازدست دادن مواهب آشنای اطراف او باشد اما در نگرشی عمیق‌تر پیداست که او بخوبی میداند در دنیای ماشینی خوك‌ها جائی نخواهد داشت و فقط عامل انجام دستوراتی خواهد بود و این روشنگر جاه‌جوئی نسلی او است رك‌گوئی‌های گاه‌گاه او و اعتقاد به‌نوعی اصول «الباس‌پوشیدنها» صحبت از همان نظام صنفی قبلی او می‌کند که شاید انتظامی باترسیمی دقیق بدون هیچ‌گونه اشاره و تاکید سینمائی تنها با فهم کامل‌پرسناژ موفق بانجام آن گشته است .

مرگ مشکوك گوسفندها آغاز هوشیاری تلخی است برای ارباب و تمثیلی زیبا برآنچه در جهان سوم میگذرد و ارتباطی شاید اتفاقی با ناتوانی تقی‌پستچی ارباب به طعنه ازناتوانیهای جنسی پستچی و مداوای او نزد پزشك ، سرمیز غذا صحبت می‌کند این آگاهی ووجود زن زیبا و نیازمند تقی سئوالی را در ذهن مطرح می‌کند ، آیا ارباب معتقد به آنچنان اصولی است که او را از بهره گرفتن از زن باز میدارد ؟ پس چرا این لقمه را در آن روز بارانی برای برادرزاده خویش گذاشته و میرود ..؟ یا زن پستچی را وسیله قرار میدهد تا شاید ذهن ، خوك پرست پسرك را از تفکر به خوك‌ها و تغییرات باز دارد ..؟ پس چرا این مطلب را برای تقی‌پستچی بازگو میکند ..؟ آیا خود ارباب هم از همان ناتوانی جنسی رنج نمی‌برد و آیا بازگو کردن حادثه روز بارانی نوعی همدردی باز ، عامرانه ..! با پستچی نیست ..؟ اینها همان نکات مبهم ولی چشم‌گیر وجود ارباب است که ناگفته های لازم را درباره او و به‌نوعی تعهد اقلیمی توجیه می‌کند نه سهو و بی‌خبری ...

دنباله دارد



کارگاه شادمانی

باشرکت تضامنی برادران آپاراتچی

بخش ادبی

میگریزم از تو تا دور از تو بگشایم
راه شهر آرزوها را
و درون شهر
قفل سنگین طلائی قصر رویا را
من از آنجا سرخوش و آزاد
دیده میدوزم بدنیائی که چشم‌پر- فسون تو
راههایش را به چشمم تار میسازد
دیده میدوزم به دنیائی که چشم پرفسون تو
همچنان در ظلمت رازش
گرد آن دیوار میسازد
(دیوار ــ فروغ فرخزاد)

... آه از کدامین زمان باید آغاز کرد ، از جدائی «شهرزاد» بهنگام عصیان روشنفکریش که دیگر نخواهم رقصید مگر جز با سمفونی ها (نظیر موزیك فیلم سر گروهبان) ... و یا از سوگند با عظمت «جمیله» که دیگرهیچکس به هیچوقت نباید ببیند تن عریانم را در حال رقص ... و در این برهوت خشکسالی طاقت فرسا تنها ستاره‌ای کم‌فروغ فراسوی ناامیدی ها سوسو می‌زد و کی او از دام خود خواهد گریخت ؟ و در شهر آرزو ها را خواهد گشود ؟.. و بیکباره او جوشید و همه شنیدند

و همه شنیدند که میگفت : از تو می‌گریزم و دیده میدوزم به راه های دنیائی که چشمان مکارت تیره و تارِ کردند آنرا پیش دیدگانم ... دام سیاه دل پیچیدو باز هم پیچید به ساق های لطیف او و آنها را پژمرده و ریش نمود «تا جائیکه هفت بخیه خورد» ولی او چون‌ژاندارك از پای نشست ...

و پستچی باد سحر زمزمه‌کنان خبرآورد که او خواهد آمد باهمه «خوبی» هایش !

کارگاه : بطوریکه جراید گزارش کرده‌اند : **نادیا رقاصه** زیبا و خوش اندام هفته قبل با کیوان برسر همکاری با کاباره های تهران اختلاف شدید پیدا کرد و پس از یك بگومگوی چند ساعته پای چپ نادیا بشدت مجروح شد تا جائیکه هفت بخیه خورد ، گفته میشود اگر این اختلاف ادامه پیدا کند نادیا از کیوان جدا خواهد شد و چیز هائی که درمورد روابط حسنه نادیا و کیوان منتشر شده تکذیب خواهد گردید .

کمیته «حمایت از هنرمندان» کارگاه ضمن ستایش از اینهمه از خودگذشتگی انسانی توصیه می‌کند که خانم نادیا برای اداره این نوع مبارزات بجای استفاده از ساق‌های موزون خود بهتر است از ناخن‌های خود بهره بگیرند چون از طرفی حربه موثرتری است و ممکن است خصم را به بیماری کزاز یا هاری مبتلا نماید و از طرفی هم باید توجه داشته باشند که جماعت‌هوا- خواهان مظلومش به ساق های ایشان خیلی‌احتیاج دارند مخصوصا به بدون بخیه‌اش ... با امید پیروزی

بخش انتقاد فیلم

ــ بخاری توی ایرون ،
فراوونه فراوون
ولی هرکسی ، دید گفت فقط
اون فقط اون فقط اون
منتقد ــ جون !؟
بخاری + اون

فیلم با چندنمای کارت‌پستالی از فصل پائیز و موسم برگریزان شروع میشود- در حالیکه موزیکی قر آخرین آنرا همراهی می‌کند و بعد بیکباره پرسوناژ فیلم (خانم هاله) با مینی‌ژوپ و صدائی معصومانه و همراه با قری عابد فریب بمیدان مرکزی تصویر می- آید و بحثی طرب انگیز از «فراوونی‌بخاری در ایران» پیش می‌کشد . فیلم جابجا مزایای‌بخاری را با بیانی تصویری بازگو می‌کند ومی‌بینیم که در پی تابلوهائی از زمستان که در متن قرار دارند- جای خود را به مناظری از بهار میدهند ولی در هرحال خانم‌هاله (پرسوناژ فیلم) همچنان با مینی ژوپ بسر می‌برند ــ چه بهار و چه زمستان و مرتب تکرار می‌کند که «آدم سردش نمیشه» خونه‌گرمه همیشه ، فی‌الواقع چه رسا و بلیغ آتمسفر منزل‌موجودی چون خانم هاله توصیف میشود . وقتی‌تماشاگر در مقابل این مسئله که «بخاری توی ایرون فراوونه ــ ولی هر کسی دید گفت» : قرار میگیرد بدون اراده و با دهانی کلید شده در حالیکه نگاه ملتهبش متوجه پرسوناژ فیلم است جواب میدهد : فقط اون‌فقط اون ــ و این «اون». غیرمستقیم اشاره‌ای است به «خانم هاله» چرا که «اون» با قدرت و انعطاف شگرفش (خصوصا درناحیه کمر) این رل را اجرا نموده است .

با توجه باینکه فصل سرما در پیش است «پیام» فیلم خطابی است به جوانان عزب که در فکر تهیه «بخاری»باضافه «اون»باشند- چون با تنها فقط «بخاری» نمیتوان به بستر سرد رفت بعبارتی دیگر «بخاری» وظیفه‌ای ندارد حتی بستر را هم گرم نماید :

بخش مشاجرات

تهیه کننده ــ آقاجون ، چرا اینقدر لفتش میدی ، منکه گفتم فقط فیلم هنری میخوام

کارگردان ــ بابا من فکر جیبتم ، مگه میخواهی به سرنوشت بیچاره باربد طاهری (تهیه‌کننده رگبار) دچار بشوی ؟

تهیه کننده ــ تو باین‌حرفها کاری نداشته باش طاهری ، قریحه و استعدادتهیه فیلم هنری رانداشت ولی من دارم ، اصولا میخوام بدونم میتوانی فیلم هنری‌بسازی یا نه ؟

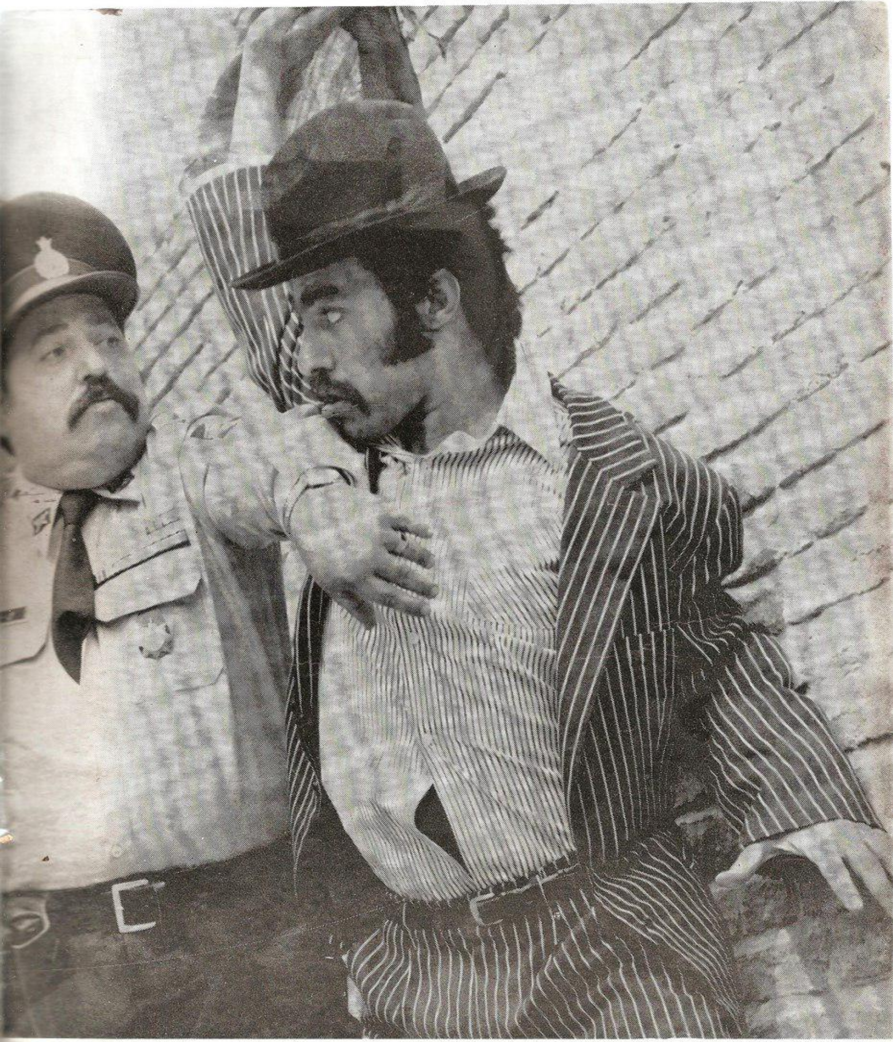
کارگردان ــ بابا دستخوش،

بقیه در صفحه ۴۰

رامش گفت وقتی میخوانم خجالت میکشم ــ جراید .



ــ منهم اگر جای تو وصدای تورا داشتم خجالت میکشیدم !



شاهکار کوچك بیضائی به فستیوال امسال اعتبار بخشید

«۲»

نگاهی به فیلمهای ایرانی هفتمین جشنوارهٔ جهانی فیلمهای کودکان ونوجوانان

جمشید اکرمی

سفر (بهرام بیضائی)

اسکلت ساخت روائی «سفر» ، پیمودن راه‌درازی است‌درجستجوی یك بهشت گمشده ازسوی دوپسر خردسال‌که دنبال سایه‌هائی بالای‌سر می‌گردند ویك کسی آن‌بالاها که دوستشان داشته باشد . این‌البته برداشتی است‌که از برخورد عاطفی با لایهٔ داستانی «سفر» ناشی می‌شود ، چه‌آنکه ازچشم بیضائی ـ به‌عنوان یك فیلمساز متعهد ـ این‌تنها بهانه‌ایست برای طرح مسئله‌ای اساسی‌تر .

به‌گفته یکی از سینماگران رزمنده آمریکای لاتین ، دستگاه نمایش فیلم به‌مثابه مسلسلی است‌که در هرثانیه ۲۴ بار شلیك می‌کند .

«سفر» به‌بهترین مفهوم ، فیلمی‌است در خدمت اثبات صداقت این‌گفته . فیلم، جدا ازهربرداشت «ناراتیو» درواقع سفر عریان کننده‌ایست ازجنوب شهر به‌شمال شهر ، از «سرزمین‌های پست» به «سرزمین‌های بلند» . و به‌راستی درطی این‌سفر درصحنه‌هائی کوبنده نظیرآن صحنه سقاخانه یا صحنه‌ایکه رضی (عباس دسترنج) رو به ساختمانهای بلند می‌ایستد و می‌گوید : **« لامصبا شما روزگار مارو سیاه کردین»** ، از سینه سپید پرده‌گوئی که‌یك مسلسل به سوی قلب تماشاگر آتش می‌گشاید .

اگر بیضائی حرفهایش را دراین فیلم ، همه به‌لحنی اینچنین، سنگین وکنائی وتلخ وپرتاکید بازمی‌گوید ، این‌جبر کار اوست . بیانی شعارمانند نظیرآنکه در «سفر» هست، درواقع خشت‌اول بنای سینمای متعهدی است‌که آهنك «اعتراض» می‌نوازد . با چهرهٔ خندان ویاحتی بی‌تفاوت نمی‌توان «اعتراض» کرد . تو وقتی زبان به «اعتراض» می‌گشایی ، ناچاری‌که خشمگین‌ترین چهره‌ات را داشته باشی. دوربین بیضائی چشم درچشم فقر می‌دوزد و باز نمائی‌صادقانه بیعدالتی‌های اجتماعی رانشانه می‌گیرد . وی‌این‌بار در «فضاسازی» نیز به‌کمك فیلمبرداری سیاه وسفید پرجلوهٔ فیلم ، نمونه‌ئی‌همانسان حیره‌کننده ارائه می‌دهدکه در «رگبار» ارائه داده‌بود .

صرفنظر از محدودیتهای خارجی ، دلبستگیهای بیضائی به‌زمینه وسابقه تئاتری خود لطمه‌ئی نه‌چندان قابل اعتنا به‌وحدت بیانی فیلم می‌زند . نظیر پاره‌ای گرایشهای تئاتری در ادای دیالوگهای برخی صحنه‌ها که به‌گونه‌ای ناخواسته به‌فیلم یك پرداخت سوررئالیستیك می‌دهد که‌این درفضائی بسیار زنده و واقعی غریب‌و دوراز انتظار به‌چشم می‌رسد .

اما ضعفهائی اینچنین ، درفیلمی چون «سفر» که کلیت خودرا درآن جهتی که‌لازم است به‌بهترین کیفیت ممکن دارد، چشم پوشیدنی وبی‌اهمیت می‌نمایند .

یکی از یادماندنی‌ترین صحنه‌های فیلم، سکانس اختتامیه است که‌طی آن بیضائی ازیك نظرگاه «برشت» ی به بهترین نحو ممکن یك دیالکتیك تلخ «یاس وامید» رامنعکس می‌سازد . رضی به‌دوستش می‌گوید : **« توکه می‌دونی هیچکسی‌رو نداری ، چرا هرروز میای سراغ‌من»** و دوستش ، مغموم وافسرده ، پاسخ می‌دهد: **« برای فردا** یك‌آدرس دیگه پیدا می‌کنم» .

بازی «بچه آکتور» هـای فیلم ، عباس دسترنج و سیروس حسن‌پور ، درخشان و تحسین‌انگیز است .

یك نقطهٔ سبز (مرتضی ممیز)

مرتضی ممیز که خاطرهٔ فیلم زیبای او «آنکه خیال بافت‌وآنکه عمل‌کرد» را از جشنواره پارسال در ذهن‌داشتیم ، امسال تجربه‌ای‌تازه به‌فستیوال عرضه داشت. فیلم اوازیك تیتراژ فروتنانه که موزیك‌مناسب اسفندیار منفردزاده آنرا همراهی‌می‌کند (این نخستین تجربه‌منفردزاده درامر تصنیف موزیك متن‌یك نقاشی متحرك است) به مبارزه‌جوئی یك نقطه سبز درمیان انبوه نقطه‌های سیاه می‌پردازد . نقطه سبز تمامی نقطه‌های سیاه را ازمیان برده وبه‌جای آنها نقطه‌های رنگی می‌آفریند (محیط را آنسان می‌سازدکه خود می‌خواهد نه‌آنسان که هست) .

ممیز ، ضمن حفظ یك‌ریتم سریع، از قابلیتهای «نقطه» به‌عنوان یك عنصر بیانی نیز بهره‌هائی هوشمندانه می‌گیرد .

●●●

شهر خاکستری (فرشید مثقالی)

برمبنای داستانی از «پل‌تریپ» فرشید مثقالی یك نقاشی متحرك جذاب بناکرده است با طرحهائی ظریف و انعطاف‌پذیر کـه در قالب فرمی بدیع جای‌گرفته‌اند . یك‌آدم سبز وارد شهری خاکستری (مرده وصنعتی شده) می‌شود ودرمقابل محل مسکونی خود یك گل در زمین می‌نشاند . این به‌چشم آدمهای شهر خاکستری سخت شگفت‌انگیز می‌رسد . آدم‌سبز را ازشهر بیرون می‌کنند. گل پژمرده می‌شود . بازگشت آدم‌سبز (طراوت وسبزی یك زندگی طبیعت گرایانه) به‌گل زندگی دوباره‌ای می‌بخشد .

شهر خاکستری بهترین نقاشی‌متحرکی است‌که از مثقالی می‌بینیم. او با این‌فیلم ثابت می‌کندکه در زمینه ساختن نقاشی‌های متحـرك فیلمساز قابل اعتمادی است .

●●●

گلباران (علی‌اکبر صادقی)

دیدن فیلمی با کیفیتی اینچنین ازکسی‌که پارسال فیلم‌به‌راستی غیرقابل تحمل «هفت شهرعشق» را در فستیوال داشت ، غیرمنتظره بود. « گلباران» که‌از طریق اخذ چندجایزه ، سپاس ارزشهای خود رانیزگرفت فیلم باهوشی است‌که به‌لحنی کنائی به‌طرح این مسئله می‌پردازد که چگونه اصطکاك منافع اربابان قدرت، دردسرهائـی ناخواسته رابرای طبقات زیردست فراهم می‌آورد . فیلم ازچندسورپریز جالب بصری برخوردار است (مناقشهٔ دوتیری‌که از دوکمان رها می‌شوند ، خمپاره‌هائی که به‌هنگام شلیك تبدیل به‌گل می‌شوند) و صحنه تجهیز وتسلیح مردم دوکشور نیز پرداختی ظریف وزیبا دارد.

اما علیرغم همه اینها ، این انیمیشن دوازده دقیقه‌ای که ازنظر پرداخت برونه‌ئی بازسازی هوشمندانه طرحهای سنتی ایرانی است ، نسبت به‌استعداد بسط ناراتیو خودکمی طولانی می‌نماید .

سعید راد: سینمای ما قربانی میخواهد!...

*** در تنگنا در تیپی بازی کرده‌ام که خیلی از هنرپیشه‌های ما شاید جرات بازی کردن در آن را نداشته باشند.**

* من هنوز خیلی جا دارم که بتوانم به‌مقام یك بازیگر ایده‌آل برسم.

*** در این سینما گناهکار زیاد هست و همین گناهکاران چشم ندارند نسل ساده‌ای را که‌دارد بوجود می‌آید، ببیند!**

* سینمای گذشته ما یك سینمای شیك و مامانی بوده است!

گفتگو از: جمشید ارمیان

● **سعید راد همیشه حرف دارد. پاره‌ای اوقات این حرفها اصولی است و زمانی، با خشم و تندی همراه است. بهرصورت هروقت که پای صحبت او بنشینی، باحرارت وایمان فوق‌العاده‌ای از نظریات منطقی خودش دفاع می‌کند.**

سعید راد قبل از آنکه دومین فیلمش «مهدی کافر» روی‌اکران بیاید، در سه چهار فیلم شرکت کرده بود و ازقبل، اعتباری برای خود دست وپا کرده و بقولی هنوز هیچی نشده بود، ۶ فیلم آماده نمایش یا در دست تهیه داشت که ایضا هنوز هم این ۶ فیلم را زیارت نکرده‌ایم!

بهرصورت، یکبار دیگر با «سعید راد» روبرو میشویم وپای حرفهای او می‌نشینیم. ته‌ریشی صورت او را آرایش داده وخیلی‌ساده و خودمانی روبروی ما قرار می‌گیرد. اول سئوالات‌مان را برایش مطرح می‌کنیم و بعد، وقتی آماده جواب میشود با صراحت وحرارت حرف میزند، مثل این که خیلی حرف‌ها دارد که بما بزند ... و این است آنچه در آن روز بین ما ردوبدل شد.

● **در آغاز کار مبارزه‌ای را شروع کردی که قصد از آن‌بنظر ما یك‌جور تثبیت موقعیت بود، حالا در این مورد چه تفاوت‌هائی احساس میکنی؟**

ـ اگر بنظر شما آن فعالیت ها برای تثبیت موقعیتم بوده باید بگویم که هنوز سرجای اولم هستم، بچند دلیل: دو فیلم من (خداحافظ رفیق و مهدی کافر) با وجود آن‌که خوب بود، موقعیت تجارتی نداشت. شش‌تا فیلم بعدیم حاضر است که هنوز روی اکران نیامده. با وجود اینکه در تمام این فیلم‌ها کارم تا حد بی‌نهایت یك کار دسته جمعی خوبی بوده، ولی بامقایسه با آن روحیه‌ای که اکنون پیدا کرده‌ام وتجربه بدست آورده‌ام، هنوز آن کارهای ایده‌آل‌برایم پیش نیامده که در سینما انجام بدهم.

البته این حرف یك شعار نیست، بلکه یك واقعیت است، چون من کارم توام با عجله نبوده درعرض یکسال و ۷ ماه ده فیلم تمام کرده‌ام و فرصتی برای شناسائی خودم نداشتم ولی حالا در استودیوها موقع فیلمبرداری و مونتاژ فیلم‌ها می‌بینم که هنوز خیلی خیلی جا دارم تا به مقام یك بازیگر ایده‌آل دست‌یابم.

مثلا در تنگنا من تیپی بازی کرده‌ام که شاید خیلی‌ها این جرات را بخودشان ندهند که در آن قالب بروند، چون برای آکتورهای ما نقش هائی که محبوب واقع بشوند و بقول بروبچه ها گیشه داشته باشد، به‌این جور نقش‌ها ـ یعنی اگر سناریوئی ایجاب کند که یك بازیگر واقعا از بازی خود تماشاچی را به‌چندش وادارد ـ می‌چربد. آکتور های ما با آن فرمول های همیشگی یا قهرمان‌های ما وضد قهرمان های ما در سینما به نفع شخصی خود دنبال سناریو وکارگردانی رفته‌اند که محبوب واقع بشوند، ولی من در تنگنا وصادق‌کرده با تشکر از «عباسی» و «تقوائی» و «میثاقیه» ثابت کرده‌ام که یك بازیگر اول سینما دلیل ندارد که محبوب واقع بشود. نقش هرچه ایجاب می‌کند اگر در خمیره‌اش باشد، می‌تواند در بیاورد اگرچه منفور باشد.

● **هنوز هم احساس میکنی که همان وضع سابق برقرار است یا این وضع ترا راضی کرده؟**

ـ ناراضی نیستم ولی اکنون حس می‌کنم که تجربه‌ام زیادتر شده. با کارگردانان بیشتری کار کرده‌ام وتمرین های بیشتر انجام داده‌ام و باین وسیله تجربه‌ام زیادتر شده است. در خودم اطمینان بیشتری می‌یابم و فکر میکنم هرچه جلوتر بروم، تکامل پیدا کنم. امیدوارم کارهایم همه با پختگی توام باشد، چون متاسفانه سینمای ما مثل «سردارم سر می‌شکنم» شده!

من فکر میکنم اگر ضابطه‌ای در کار بازیگری باشد، اسم‌ها زیادتر بشود. حتی امکان دارد که صدتا جوان اول داشته باشیم. اگر در این صد نفر، چند نفری توانستند گیشه داشته باشند وازهمه بیشتر جایزه بگیرند و تشویق بشوند و محبوبیت داشته باشند، آنوقت این نکته تائید میشود که این چند نفر روی کارشان زحمت کشیده و خود را بعنوان یك بازیگر نشان داده‌اند، ولی وقتی این چهار پنج نفر ـ که اگر پیشکسوت‌های عزیز سینما ما را هم داخل خودشان بدانند و قابل ـ برای بعدی‌ها راهگشا باشند، آنوقت معیاری بدست خواهد آمد و زمانی که کار به‌این مرحله کشید دیگر مطبوعات ما هم به درج سوژه و خبرهائی مثل المپیك رفتن فلان هنرپیشه وعشق و ازدواج الکی نوستاره‌ها نمی‌پردازند!

من متاسفانه از نظر خودم کسی نیستم که از ایده و هدف ومنطق خود بگذرم، هرچند که دیگران بگویند غلط است.

● با نوری‌کسرائی در فیلم «تنگنا» از «امیرنادری»

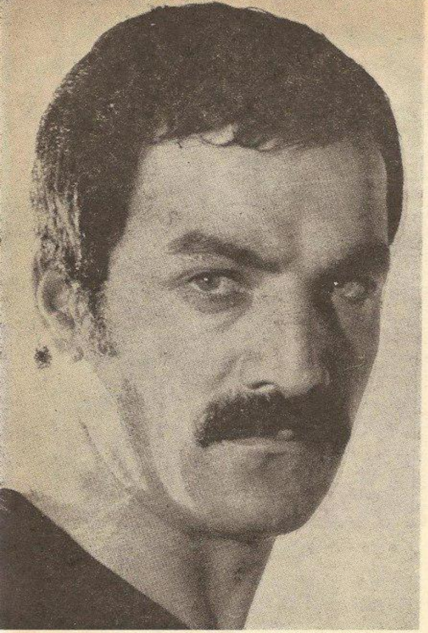


● با سیمین غفاری در «مرد درطوفان» از پرویزی



● با «دلارام» در فیـ





● در مدتی کوتاه در فیلم‌های متعددی شرکت کردی ، دلیل این همه استقبال از تو چه بود ، آیا واقعا ترا بخاطر تیپ مناسبت بکار گرفتند یا عواملی چون کمی دستمزد تو ... ؟

ـ در درجه اول بخاطر احتیاج خود سینما بوده ، بخاطر این‌که اکنون در سال ۸۰ فیلم ساخته میشود و فکر میکنم من و امثال من و ده‌تای دیگر هنوز برای این سینما کم هستیم . در درجه دوم باید بگویم که دستمزدم کم نیست . من دستمزد روز را دارم میگیرم . دو فیلم من یکی مهدی کافر ۴۷۵ هزار تومان فروخت و خداحافظ رفیق ۲۹۵ هزار تومان فروخته ، چون دستمزد هنرپیشه ضابطه‌اش گیشه است و من در این ۶ فیلم همین‌جور دستمزدم دارد بالا میرود .

● کار تو در فیلم خداحافظ رفیق با تیپ یك ضد قهرمان آغاز شد و در مهدی کافر هلم این تیپ ضد قهرمان را ارائه دادی . سئوالی که مطرح است این است که اصولا موقعیت این جور تیپ ها را در سینمای ایران چگونه می‌بینی و چرا میخواهی خودت را در قالب این «ضد قهرمان» بودن محبوس کنی ؟

ـ سینمای ما اکنون تابع یك مقدار موفقیت کارگردان‌ها و تهیه‌کننده هائی است که در این سه چهار سال گذشته براثر «تحول» اخیر روی کار آمدند ، که همین‌طور دارد راه تکامل را می‌پیماید . بخاطر همین در عرض دو سال ما شانزده کارگردان در سینما پیدا کردیم و این با مقایسه با کسانی که بعنوان بازیگر ، تهیه‌کننده ، فیلمبردار و موزیسین آمده‌اند رقم قابل ملاحظه‌ای است واین امر صرفا بخاطر موفقیت کار همان کارگردان هاست و البته اینان یك مقدار تابع مد روزند و اگر کلمه «ضد قهرمان» در مورد نقشی که من در خداحافظ رفیق ارائه دادم ، صادق باشد و مورد تائید قرار گرفته باشد، چون آن هم تابع مد روز بوده، پس سعی کردند بعد از این فیلم نقش هائی مثل خداحافظ رفیق بمن واگذار کنند مثل صبح روزچهارم، کافر ، تنگنا ، طغرل ، خورشید در مرداب و صادق‌کرده . این فیلم ها نشان میدهند که تهیه‌کننده‌ها و کارگردان های این فیلم‌ها حتما دید وسیع‌تری از من داشته‌اند که این خط فیلمسازی را با من ادامه داده‌اند .

در عرض این چند سال اخیر سینمای استخوان‌دار دنیا روی مسئله «ضد قهرمان» دور میزند . مثل «این گروه خشن» و «باچ کاسیدی» . اکنون خشونت در سینما از نظر مردم محبوب‌تر از یك کاراکتر شیك و ماماني است .

سینمای گذشته ما که خیلی از آقایان درش ماشاالله موفق بودند، یك سینمای شیك بوده حتی اگر کاراکتر آنها فقیر بوده ، ولی حتما فندکش رونسون بوده ! سینمای شیك دیگر دارد از بین میرود .

سینمای فعلی ما یك مقدار قربانی میخواهد که شاید یکی ازآنها خود من باشم . باربد طاهری نمونه دیگرش است . من فکر نمیکنم او دیگر دست به دوربین ببرد . این یك درد عظیم است که خود من باتمام وجودم حس میکنم ، چون همه ما مثل او گرفتاریم و بخاطر سینمای خوب داریم می‌جنگیم .

خیلی‌ها تو این سینما گناهکارند و اینها ، این نسل خوب و بیگناهی را که دارد رشد می‌کند دوست ندارند ببینند ، چون اگر دوست داشتند اکنون «باربد طاهری» در زندان نبود .

● تو که با کارگردانان مختلفی کار کردی ، می‌توانی بگوئی که کار کدامیك از آنها بیشتر روی تو تاثیر گذاشته است ؟

ـ من اول در مورد سیامك یاسمی یك مقدار حرف دارم . اولا خیلی معذرت میخواهم که ای‌کاش با او کار نکرده بودم . این بی‌انصافی نیست که این حرف را میزنم ، ولی او یك بی‌عدالتی در حق من کرده . زمانی که میخواستم با یاسمی کار کنم نمیدانم چرا دست‌اندرکاران جوان و امروزی گفتند که این کار را نکن ، چون تو هم وابسته به سینمائی میشوی که اگر میخواست پابرجا بماند ، سیامك یاسمی هم هنوز نقش یك تهیه‌کننده و کارگردان پرقدرت را داشت ـ و من میخواستم این را ثابت کنم که هیچ‌چیز دلیل چیز

بقیه در صفحه ٤٠



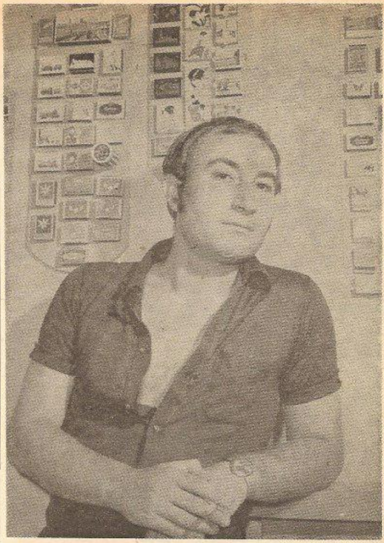
(طغرل» از سیامك یاسمی



● با محمد علی کشاورز در فیلم « خورشید در مرداب » از «صفار»



● با جلال در «صبح روز چهارم » از شیردل



پرویز مقصدی

اکثر خوانندگان ما نمك نشناس هستند

● «پرویز مقصدی» آهنگساز مشهور و پرکار مدت زمانیست که فعالیتش چون گذشته چشمگیر نیست لذا بی‌مناسبت ندیدیم بسراغ وی رفته و با وی گفتگوئی داشته باشیم . آنچه که در زیر ازنظرتان میگذرد حاصل این گفتگوست .

● شنیدیم آهنگهای تازه‌ای تنظیم کرده‌اید ممکنست بگوئید با صدای کدام خواننده پخش خواهد شد .

ـ خوانندگانی که قرار است این آهنگها را اجرا کنند . بجز یکی دو نفر بقیه گمنام هستند . این عده مدت زمانیست که با من کار میکنند و من بیشتر اوقاتم را صرف آماده نمودن آنها میکنم ، این عده که همگی گمنام و تازه‌کار هستند با یك برنامه رادیوئی یا تلویزیونی که فعلا با مسئولین امر این دو سازمان مشغول مذاکره هستم معرفی خواهند شد .

● چرا دیگر با خوانندگان مشهور همکاری نمیکنید .

ـ واله اکثر خوانندگان ما نمك‌نشناس هستند و تا دری به تخته می‌خورد و سر و صدائی بپا میشود زود خود را گم میکنند، انگار نه انگار که آهنگسازی یا کسی برای کسب موفقیت آنها زحمت کشیده و خون دل خورده، زیرا که آنها این امر را وظیفه آن شخص یا آهنگساز میدانند و بدون اینک حتی تشکری بکنند رفته و پشت سرشان را هم نگاه نمیکنند ، البته این مسئله درمورد همه صادق نیست ، مثلا «کیوان» این شخص با اینکه هم‌اکنون جزو خوانندگان مشهور ایران است و صفحاتش جزو پرفروشترین صفحات روز ولی گوئی این‌همان «کیوان» یکسال یا دو سال قبل با همان خصوصیات و صفای باطن .

● با رامش چطور . شما در گذشته اکثر آهنگهایتان وسیله‌وی اجرا میشد ؟

ـ همانطور که گفتم وقت‌من در این ایام بیشتر صرف این گروه جدید میشود و کمتر فرصت پیدا میکنم که برای دیگر خوانندگان آهنگ بسازم ، در ثانی خانم رامش هم با گذشته تفاوت زیادی پیدا کرده و این روزها هرکسی به‌وی آهنگ بدهد بدون در نظر گرفتن وضع آهنگساز و عوامل دیگر آنرا میخواند . باین ترتیب فکر کردم بهتر است از ادامه همکاری با وی خودداری کنم .

● چه برنامه‌ای برای آینده‌تان دارید .

ـ در دفتر فعلی که با مشارکت «هوشنك بی‌بی‌یان» برادر «بی‌بی‌یان» صاحب کمپانی آپولون باز کرده‌ایم برنامه هائی راتدارك دیده‌ایم ، از آنجمله یکی تهیه‌یك کارخانه صفحه پرکنی است که برای این منظور محلی را درجاده قدیم کرج در نظر گرفته‌ایم .

● با این حساب شما درآینده چون صاحبان کمپانی ها دیگر به پر کردن صفحه خواهید پرداخت ؟

ـ خیر . کارخانه ذکرشده به چاپ صفحاتی اختصاص خواهد یافت که وسیله این سازمان آماده میشود و بدون شك آهنگهائی خواهد بود که من ساخته‌ام و با صدای خوانندگانی ضبط میشودکه با این سازمان همکاری دارند ، در ثانی ، مدیر سازمان تحت‌تاسیس «بی‌بی‌یان» خواهد بود و فعالیت من چون گذشته در آهنگسازی خلاصه میشود .

● نظرتان در مورد خوانندگان جدید چیست ؟

ـ عرض بحضورتان که‌مسئله «نو» بودن در هریك از خصوص زندگی مورد توجه است ولی‌آنچه که اهمیت دارد ابتکار و نو ـ آوریست نه تقلید ، برفرض مثال «آقای عارف» که مدت زمانیست در این حرفه فعالیت میکند وجزو خوانندگان موفق روز است . موفقیت وی این امر را ثابت‌میکند که مردم وی را قبول کرده و از صدایش پشتیبانی‌نموده‌اند حال‌اگر کسی پیدا شود که لحن کلام وزیر و بم صدایش ـ خصوصا در پشت میکروفون ـ شبیه عارف باشد نمیتواند چون عارف موفق باشد ، چون مردم عارف را قبول کرده‌اند و نمیتوانند بخود بقبولانند که پس از سالیان دراز شخص دیگری‌بیاید و جای وی را بگیرد . این است که این نوع خوانندگان کمتر اتفاق افتاده موفق باشند و دیدیم که پس از چندی خورشیدآوازه‌شان غروب کرده است ، بدین جهت‌من موافق آندسته از خوانندگان جدید هستم که موزیك ایران بصدایشان احتیاج دارد و نوع صدای آنها طوریست که درموزیك ایران وجود ندارد ـ مسئله مهم دیگر این است که برای من جوان یا پیر بودن شخص اهمیت‌ندارد بلکه نوع‌صدای وی مهم است ، همانطور که درتمام دنیا این مسئله وجود دارد ، مثلا «ری چارلز» خواننده مشهور که نابینا است یا نات‌کینك‌کول فقید که در سنین کهولت جزو مشهورـ ترین خوانندگان دنیا بود .

● شما در مورد موزیك‌متن فیلم چه کرده‌اید ؟

ـ تکرار مکررات است اگر باز بخواهم بگویم فرصت ندارم و غیره ... ولی صحبتی با ساموئل خاچیکیان کرده‌ام که برای فیلم آینده‌اش موزیك متن بسازم که البته با پیشنهاداتی که من کردم در جلسه اول توافق نکرد و قرار شد بعدا جواب بدهد فقط همین .

ورود چند نفر که بعد معلوم شد خواننده بوده و برای تمرین آمده‌اند به گفتگوی ما خاتمه داد.

در درجه اول طرح آن است سپس نوبت برش فرا میرسد دوخت‌ودوز و اندازه‌گیری در مراحل بعدی قرار دارند منصور شهباز با سابقه‌ی ۳۵ ساله خود در طرح لباس و فرم پارچه چنین میگوید :

ـ طراحی لباس از نقطه‌نظر من و بسیاری از صاحب نظران هنری است که مستقیما با ذوق و بینش و مهارت طراح سر وکار دارد همانطور که یك نقاش ابتدا طرح خود را در تابلو نقش میزند همانگونه که پیکر تراش نمائی از مجسمه‌ی دلخواه را در ذهن خود می‌پروراند و آنگاه به جان سنك می‌افتد یك طراح لباس نیـز در نخستین گام پارچه‌ای را انتخاب می‌کند که از هرلحاظ متناسب‌باشد سپس می‌اندیشد که برای چنیـن پارچه‌ای چگونه طرحی مناسب‌تـر است همچنین آیـا این طرح بـا معیار های تازه‌ی‌دنیای مدهماهنگی دارد یا نه بااینترتیب کار یـك طراح و برش‌کار آغاز میشود و این تازه اول کار است مراحـل دیگری نیز در دوخت لباس وجود دارد که هریك مستلزم نکته‌سنجی و ذوق وافر است .

یك طراح لباس باید چـون روانکاو با تجربه‌یی به اخلاق و روحیات مردم آگاه باشد و بویژه سلیقه‌ی خواستاران خود را درنظر بگیرد .

منصور شهباز نخست عضـو اطاق بازرگانی بود و در همان زمان نیز در طول مدت هشت سال همکـاری بـا مزون نینا آقایان تجربه‌های گرانبهائی اندوخت که اینك بکارش می‌آید .

منصور میگوید : کم‌کم به‌این فکر افتادم که شخصا دست بکـار شوم و ایده‌ها و طرحهای خود را بجامه‌ی عمل بپوشانم . ابتدا در خانه‌ی خود به خیاطی پرداختـم رفته رفته متوجه شدم که حجـم کار روز بروز افزایش می‌یابد و باین ترتیب نیاز به‌یك کـارگاه احساس شد بهمین منظور در محل فعلی خود یعنی میدان کاخ شروع بکار کردم و گروهی از مشتریها که از قبل با نحوه‌ی کارم آشنا بودند در ردیف مراجعین دایمی‌ام درآمدند . پس از مدتی ، دریافتم که زندگی ماشینی و فرصت کم ، مانع از آنست که خانمها بتوانند دایما بین پارچه فروش و خیاط در رفت وآمد باشند . زن امروز کمتر فرصتی بچنك می‌آورد که با حوصله و دقت گذشته بکارهایش برسد زیرا یك زن مدرن علاوه‌برـ روبـراه کردن محیـط خانواده، در بیرون از خانه نیز عهده‌دار شغلی است و باین ترتیب وقت‌برای او ارزش و اعتبار خاصی یافته‌است روی این حساب تصمیم گرفتم لباس های دوخته و آماده تهیه کنم تا در وقت و پول صرفه‌جویی بشود باین منظورمسافرتهایی بخارج‌کردم و در شهرهای بزرك دنیا از قبیل نیویورك ، پاریس ، هامبـورك و برلین و دوسلدورف و نیز لندن ، در زمینه‌ی مد و طرح پارچه بـه مطالعه پرداختم وباتوشه‌یی گرانقدر بایران برگشتم و کار خود را با سبکی تازه ادامه دادم کار بجایی کشید که همیشه صد و پنجاه دست لباس در طرح و رنك و اندازه‌های مختلف در مزون آماده‌ی عـرضه به‌خواستاران بود من‌این حدنصاب صد و پنجاه دست را کاملا رعایت می‌کنم باین معنی که دائما بـا همکاری گروه هنرمندانی که در اختیار دارم ، لباسهایـی بجـای فروش رفته ها تهیه میکنم تاحجم محصول مزون تنزل نکند البته این کار با در نظر گرفتن اینکه لباس های ما بسرعت بفـروش میرسـد مشکل است‌ولی رعایت خواست‌های بانوان هدف ماست .

منصور در دنباله‌ی حرفهـای خود اضافه میکند :

ـ هم‌اکنون انواع پیراهن های پائیزی و زمستانی ، پالتو ، کت و دامن ، کت وشلوار، دوپیس، کاپشن ، دامنهای تك ، شلوار های تك و انواع لباسهای شب وهمچنین لباس عروس در مزون ما آماده‌ی فروش است .

منصور عقیده دارد که جیر و چرم دو موردیست که اینروزها مورد توجه شدید خانمهاست‌وگرچه کار کردن با آنها مستلزم دقـت و مهارت بیشتری است ولی کت و دامن ، کاپشن وسارافون ومانتو های جیر وچرمی که آماده‌کرده‌ایم هریك مطابق با آخرین تحولات‌مد در مزونهای اروپایی است .



نمونه‌ای از پالتو های چرم‌و پوست و پیراهنهای پـائیزه و زمستانی مزون شهباز

منصور شهباز به تهیه‌ی لباس های عروس اعتقاد بسیار دارد وی بیست و پنج سال است که‌بخصوص درین زمینه دست‌بابتکارات خیرهـ کننده زده و هستد خانمهای جـا افتاده‌یی که هنوز لباس عروسی‌خود را که طرح و دوخت آن از شهباز بوده چون گنجینه‌یی حفظ میکنند. در مزون منصور طرحهای زیبا و جالبی از لباس عروس عرضه شده که نمایشگر ذوق و ابتکار اوسـت به عقیده‌ی منصور کـه ناشی از مطالعه در طرحهای سال ۷۳ است رنگهای خاکستری ، قرمز ، مشکی جزو آخرین پدیده های مد بشمار میروند و این رنگها در فرم های جالب و در طرحهای گونه‌گون به صورت پارچه و با لباسهای بی‌نظیر در مزون او آماده‌ی فروش است همچنین پالتوهایی ازپوست‌مصنوعی که در زمستان امسال بهترین مد بحساب آمده ، گوشه‌ی دیگـری از کلکسیون منصور را دربر می‌ـ گیرد .

منصور شهباز ۳۹ سال دارد و هنوز ازدواج نکرده و هنگامیکه در اینمورد از او سئوال کردیـم آنقدر طفره رفت که از خیر آن گذشتیم .

و این تبصره را هم در پایان دیدارمان با منصور شهباز داشتـه باشید که او طراح لباسهای ایوت میمیو در فیلم «کلـه‌ی الـماس» آنتونلها لوالدی در فیلم «داغ یك جنایت» و ماریاگراتسیابوچلا در فیلم «هوسهای ظلمانی» بوده‌است و هم‌اکنون بسیاری از ستارگـان و شخصیت های رادیو ، تلویزیون، سینما و تئاتر از مشتریهای پروپا قرص او هستند ولی منصور بـه وحـدت ـ بیك ایمانـوردی ـ گوگوش ـ پوری بنائی ـ رامش و نورمن ویزدم بازیگر انگلیسـی علاقه‌ی بیشتری دارد و در سفـر اخیر نورمن ویزدم بایران نیز به سابقه‌ی دوستی چند ساله چند دست کت جیر بسیار زیبا با طرحـی چشمگیر باو هدیه کرد .

فیلمسازی آماتوری

از : فریدون . م . صالح

«۳۲»

رنگهای طیف بتنهائی دیگرقادر به تجزیه نیستند واین را هم بازنیوتن انجام داد و بعداز عبوردادن یکی از رنگهای طیف از منشور مشاهده کرد که دیگر تجزیه‌نمیشود که آنرا (تك رنك) یانور ساده مینامند. در آزمایش‌های‌بعدی‌ملاحظه شد که رنگهای طیف را فقط میشود در اثر طول مــوج‌نور، آنها را از هم تفاوت داد. بطور مثال نور آبی طیف دارای‌طول موج کوتاهی است که طول آن در حدود (۴۷۰ تا ۴۰۰) میلی میکرون میباشد (هرمیلی میکرون یك میلیونیم میلی‌متر یا بعبارت دیگر یك میکرون یك‌هزارم میلی‌متر است). نور سبز دارای‌طول‌موج (۵۷۰ تا ۵۰۰) میلی‌میکرون وبالاخره نور قرمز باطول موج (۷۰۰ تا ۶۰۰) میلی میکرون‌است. البته بین این طول موج‌ها رنگهای‌پیوستی و مخلوط مثل نارنجی ، زرد ، بنفش و غیره ،نسبت به‌رنك آنها، وجود دارد که شرح داده خواهد شد.

آنچه که کمتر و یا بیشتر ازاین امواج است مثل اشعه ماوراء بنفش (طول موج زیر ۴۰۰ میلی‌میکرون) ویا امواجی که بالاتر از ۷۰۰ میلی میکرون است . بین۹۰۰ تا ۷۰۰ میلی میکرون که آنرا اشعه زیر قرمز مینامند ، چشم‌انسان قادر بدیدن آن‌نیست، اما در فتوگرافی بااستفاده از فیــلم‌های‌مخصوصی که در مقابل اشعه زیر قرمز حساسیت دارند میتوان عکس‌برداری و فیلمبرداری نمود . در حقیقت در جائی که تاریکی مطلق‌حکمفرما است و چشم انسان جائی را نمی‌بیند دوربین قادر بدیدن‌بوده‌وبکمك اشعه زیر قرمز عکسبرداری مینماید که البته خود مبحث جداگانه‌ای است) .

رنك اجسامی را که ما می‌بینیم بدین ترتیب است که این جسم مقداری از رنگهای طیف نوررا جذب نموده و باقیمانده را به عنوان رنك خود باز پس میدهدویا بعبارت دیگر منعکس میکند. بنابراین رنك اجسام بستگی به‌نوری‌دارد که به آنها تابیده و آنرا از خود منعکس میکند. بطور مثال‌اگر طیف نور سفید به یك جسم قرمز رنك بتابد این جسم رنگهای‌آبی و سبز را جذب و بقیه رنك های طیف یعنی‌رنك قرمز رامنعکس‌مینماید وبهمین جهت ما آنرا قرمز می‌بینیم و یا برك سبز درختان تمام‌رنك‌های طیف را جز رنك سبز جذب میکند و رنك سبز را منعکس‌مینماید و به نظر سبز میرسد .

بنابراین اجسام سفید رنك‌تمام‌رنك‌های طیف‌نور رامنعکس‌میکنند ودرنتیجه سفید دیده میشوندوحال‌اگر جسمی تمام رنك‌های طیف را جذب کند و هیچ رنگی را منعکس‌ننماید، سیاه بنظر خواهد رسید. اگر جسم قرمز رنگی را در طیف‌نور سفید حرکت دهیم این جسم فقط در قسمتی که نور قرمز وجوددارد برنك قرمز دیده میشود و در رنك های دیگر طیف تقریبا سیاه‌است و یا بعبارت دیگر اگر رنك قرمز طیف نور را بکمك منشوری‌حذف کنیم و باقیمانده رنك‌های طیف را به جسم قرمز مزبور بتابیم‌این جسم دیگر برنك قرمزدیده نشده بلکه برنك سیاه بنظر میرسدبنابراین نتیجه گرفته می‌شود که: رنك اجسام بستگی به نوری دارندکه به‌آنها میتابد و این اجسام در نورهای مختلف به‌رنك‌های مختلف‌دیده خواهند شد وبهمین علت است که رنك اجسام در نور روز و درنور چراغ‌های الکتریکی و یا نور شمع و غیره تغییر کرده و کاملا فرق دارند. برای اینکه در نور چراغهای الکتریکی مثل چــراغ‌نئون یا فلورسنت رنك آبی طیف آن ضعیف ورنك قرمز و زرد آن‌قوی‌تر از نور روز است و اگــر جسمی دارای رنك آبی باشد درنور روز (که رنك آبی طیف آن قوی‌تر است) رنك آبی جسم مزبوربسیار واضح وروشن دیده میشود در حالیکه رنك همین جسم درنورالکتریکی تیره‌تر و مایل به سیاه است.

(با توجه بمطالب فوق این‌موضوع کاملا روشن میشود که‌چرا فیلم‌های رنگی برای نور روز ونور الکتریکی جدا از هم ساختــه میشوند و این مسئله تغییر رنك‌اجسام در نورهای مختلف در فیلم برداری رنگی چه اهمیت بسیارمهمی دارد). ضمنا تذکر این نکته هم خالی از ضرر نیست که تمام‌رنك‌هائی که در طبیعت وجود دارد از مخلوط شدن رنك‌هــای طیف‌بوجود میآید که چشم انسان قادر است در حدود۳ میلیون رنك‌مختلف‌را تشخیص دهد که لازم است گفته شود در سال ۱۸۵۲ H, Von Helmho آلمانی تئوری جدیدی درباره دید رنگها توسط چشم انسان‌بیان کرد بدین صورت که ماده‌های مخصوصی که در شبکیه چشم وجوددارند در مقابل سه رنك اصلــی حساسیت داشته که در اثرترکیب‌این رنك‌ها، چشم قادر به تشخیص رنك‌های مختلف میباشد و همچنین‌فیزیکدان انگلیسی J. Clerk Maxwell نیز در سال ۱۸۵۵ ثابت کرد که تمام رنك‌های موجود در طبیعت فقط ازمخلوط شدن ســه‌رنك نوری آبی، سبز و قــرمز بدست میآید.

حال بایستی دیدکه‌چگونه‌لایه حساس فیلم این همه‌رنك‌را گرفته‌و دوباره پس میدهد. فکر فتوگرافی برای اولین‌بار در سال ۱۸۶۲توسط Ducos du Hauro n‌ فرانسوی‌بوجودآمد. جالب اینجاست که از طرف آکادمی دانش وهنرهای زیبای پاریس پیشنهاد او رد شد بطوریکه او توانست در سال۱۸۹۷ اختراع خودش را معرفی کند .

البته گرفتن عکس‌های رنگی‌بصورت امروز وجــود نداشت و متدی را که Hauron معرفی‌کرده بود عکس رنگی ثابت روی کاغذ نبود بلــکه آنرا بکــمك(پروژکتور)های متعدد روی‌دیوار میانداخت ، بدین صورت که درعکسبرداری از موضوع مورد نظر (که میبایستی موضوع بدون حرکت‌انتخاب میشد) سه‌عکس‌گرفته میشد ودر موقع گرفتن هرعکس ازفیلتررنگی استفاده میشد، بدین ترتیب که عکس اولی با فیلتر آبی وعکس‌دومی با فیلتر سبز و بالاخره عکس سوم با فیلتر قرمز عکسبرداری‌شده‌در نتیجه سه نگاتیف سیاه و سفید بدست میآید که هریك فقط قسمت‌هائی از موضوع مورد نظر را دارا بــودند که فیلترها رنك هم رنك‌خودشان را عبور داده بودند مثلا نسخه نگاتیفی که با فیلتر آبی گرفته شده بود چون این فیلتر رنك‌های آبی موضوع مورد عکس‌برداری رااز خود عبور داده وجلوی سایر رنك‌ها را میگیرد، نگاتیف بدست‌آمده بیشتر شامل ترسیم‌های نقاط آبی رنك موضوع بود و بهمیــن‌ترتیب نگاتیف‌هائی که با فیلترسبز و قرمز گرفته شده بودند و بعد ،از این سه‌نگاتیف، جداگانه نسخه های پزتیف (اسلاید) سیاه‌وسفــدتهیه شد و هریك ازاسلایدهابوسیله یك (پرژوکتور) که در آن زمان‌هنوز با چراغ نفتی کار میکردند روی دیوار انداخته شد بطوریکه‌هرسه عکس روی هم قرار گیرند منتها بااین تفاوت که باز درموقع‌نمایش عکس‌ها روی دیوار ازفیلتر استفاده میشد بدین ترتیب که :اسلایدی که بااستفاده از فیلتر آبی تهیه شده بود در موقع نمایش نیزآنرا با فیلتر آبی و اسلایدهای سبز و قرمز را نیزهریك با فیلترهای سبزوقرمزروی دیوارانداختند واز قرار گرفتن این سه اسلاید باسه‌رنك مختلف روی دیوار ومخلوط رنگها عکس‌رنگی بوجود آمد .

دنباله دارد

جشنواره‌های فیلم در سال ۱۹۷۲

جمشید اکرمی

«۲»

✻ کان Cannes

ماه مه هرسال

کان ، مقام وموقع خودرا به‌عنوان بزرگترین فستیوال فیلم‌دنیا، ظرف ۲۵ سالی‌که ازتاریخ برپائیش می‌گذرد ، به‌خوبی تثبیت کرده است. این‌فستیوالی است‌که هرساله درجوار خود رویداد های‌حاشیه‌ای فراوان دارد. علاوه بر برنامـه‌رسمی فستیوال، « دوهفتهٔ ویـژه کارگردانها» و «هفتهٔ ویژه منتقدین» نیز هرسال اقبالهائی برمی‌انگیزند . درکنار این برنامه‌های خالص سینمائی، از برخورد های جنجالی وجشنها ومراسم پرسروصدا که‌به‌گونه‌ای پرهیزناپذیربه‌صورت جزء لاینفك هردورهٔ فستیوال درآمده‌اند نیز بایدیادکرد . این‌نکتهٔ حائز اهمیت است‌که هدف اعتنای جشنواره اکثرا فیلمهای طویل‌است وگرچه هیچگاه فیلمهای کوتاه ارسالی رد نمی‌شوند ،اما تهیه‌کنندگان این‌فیلمها باید بدانند‌که آثارشان بهرحال در هیاهوی فیلمهای طویل بکلی نادیده ومهجور خواهند ماند .

فیلمهائی که‌در فستیوال امسال به‌نمایش گذاشته شدند، هر یك به‌نحوی ، کمابیش، زیرهاله‌ای از سکس وسیاست مستور بودند . هیئت ژوری فستیوال تحت ریاست «جوزف لوزی» فیلمساز نامـدار آمریکائی ، جایزهٔ بزرك خودرا به‌دوفیلم ایتالیایی ــ بطورمشترك اهداکرد . ایندوفیلم « پروندهٔ ماته‌ئی» (فرانچسکو روزی) و «**طبقهٔ کارگر به‌بهشت می‌رود**» (الیو پتری) نام‌داشتند که هردوازدیدگاه‌هائی سیاسی ، چشم به‌شرایط اجتماعی ایتالیای امروز دوخته‌بودند . **جیان ماریا وولونته** بخاطر ایفای ماهرانه نقشهای نخست این‌هردو فیلم گرچه سزاواربهائی برای اخذ جایزه بهترین آکتور سال نشان داد، اما دررقابت‌نهائی‌این‌عنوان رابه‌بازیگر مسلط فرانسوی «**ژان‌یان**» باخت .

از ایران ، امسال برای نخستین‌بار فیلم طویل « **پستچی** » ساختهٔ داریوش مهرجوئی درقسمت « دوهفته ویژه کارگردانها » به نمایش گذاشته‌شد ونظرهای تحسین‌آمیزی برانگیخت .

●●●

✻ فیلم این لوسرن Film - in Lucerne

مه و ژوئن ۱۹۷۲

این جشنواره نوپای سوییسی‌که امسال وارد چهارمین سال‌حیات خودشد ، یك‌بازار ایده‌آل برای‌تجارت فیلم به‌حساب می‌آیدو پس‌از جشنوارهٔ‌کان ، بیشترین جاذبه‌را برای فراخواندن شخصیتهای مهم زمینه‌های تولید وتوزیع ونمایش‌فیلم دارا می‌باشد . فیلمهای جدید وحتی فیلمهای برانگیزانندهٔ سیاسی در زمان برپائی فستیوال در «لوسرن» در ٦ سینمای این‌شهر برای مردم نمایش‌داده می‌شوند . نمایش فیلمهای آوان‌گارد و «زیرزمینی» سوئیسی نیز در فستیوال مجازاست . همچنین هرساله زمینه‌های تازه‌ای از ژانرهای مختلف سینمائی به‌تماشاگران معرفی می‌شوند (مثل فیلمهای شیمیائی ،فیلمهای فضائی وغیره) .

تمام مطبوعات سوئیس به‌شرکت در فستیوال دعوت می‌شوند . از تهیه‌کنندگان خارجی به‌طور فوق‌العاده‌ای استقبال می‌شود .

●●●

✻ آتلانتا Atlanta

ژوئن ۷۲

« آتلانتا»ی ایالت جورجیا که شهروندانش با افتخار آنرا چنین وصف می‌گویند: «شهری که به‌شما « برباد رفته» را عرضه کرد و «کوکاکولا» را و « جورجیا براون» شیرین را » می‌تواند مدعی باشدکه به‌چیزی دیگرنیز شهره‌است وآن برگزاری سالانه یك‌جشنواره جهانی‌فیلم است‌که هرنوع فیلمی اعماز فیلمهای طویل سینمائی ، فیلمهای مستند ، فیلمهای کوتاه ، فیلمهای تجاری تلویزیونی وفیلمهای تجربی به‌آن راه دارد .

فیلمهای راه‌یافته به‌فستیوال برسرکسب‌جایزهٔ « فونیکس (قفس) طلائی» ــ که‌به‌بهترین فیلم جشنواره به‌مفهوم مطلق تعلق می‌گیرد ــ و نیز جوائز فونیکس نقره‌ئی که به‌بهترین های هررشته اهدا می‌شوند، رقابت می‌کنند . درسال ۱۹۷۱ برنامهٔ گشایش فستیوال ، اولین‌نمایش جهانی محصول معروف کمپانی کلمبیا «رژهٔ احمقها» (در ایران : دلار یا دینامیت) بودکه باحضور کارگردان فیلم « آندرومك‌لاگلن» وستارهٔ آن «جیمز استوارت» برگزارشد . دراین سال‌تعداد باورنکردنی ۱۲۰۰ فیلم به‌فستیوال عرضه شده‌بود که این به‌گفتهٔ « جی. هانترتاد» مدیر فستیوال ، آتلانتا رابه‌صورت بزرگترین فستیوال فیلم دنیا ازنظر تعداد فیلمهای ارسالی درآورّد .

پارسال‌هم ، همچون سالهای گذشته ، یك‌نمایشگاه وسائل و تجهیزات فیلمسازی درحاشیه فستیوال برگزار شد .

جشنواره آتلانتا گرچه هرساله باآغوش باز از شرکت فیلمهای خارجی در فستیوال استقبال می‌کند، اماآنطور که‌تجربه نشان داده است، این‌فستیوال غالبا ترجیح می‌دهد که جوایزش را به فیلم های آمریکائی بدهد !

●●●

✻ کراکو Cracow

ژوئن ۷۲

جشنوارهٔ «کراکو»ی لهستان که‌سال گذشته یازدهمین سالگرد تولد خودرا جشن‌گرفت ، دریك مقیاس جهانی ، ازبهترین فستیوالهای ویژهٔ نمایش فیلمهای کوتاه به‌حساب می‌آید . فستیوال درهرسال دو هفته زمان برگزاری داردکه هفته‌اول آن صرفا اختصاص به نمایش محصولات خانگی یعنی فیلمهای کوتاه لهستانی دارد وطی هفته دوم فیلمهای کوتاهی که‌از سایر ممالك دنیا به‌فستیوال ارسال شده‌اند نمایش داده می‌شوند .

فیلمها برای ربودن جوائز سه‌گانه‌ای ازطلا ونقره وبرنزرقابت می‌کنند وتمام فیلمهای «جایزه‌بر» خارجی برای توزیع سینمائی در سینماهای عمومی لهستان خریداری می‌شوند . صرفنظر ازبرنامه های نمایش فیلم، جلسات بحث ومناظره‌ای نیزبین منتقدین وفیلمسازان ترتیب می‌یابد .

فستیوال می‌کوشد که هرساله یك‌برنامه رتروسپکتیو ویژهٔ نمایش فیلمهای کوتاه یك‌کشور ترتیب دهد . سال۱۹۷۱ ، این‌برنامه اختصاص به‌نمایش کورمتراژهای فرانسوی داشت .

●●●

✻ سیدنی Sydney

ژوئن ۷۲

محل برگزاری این فستیوال ، تئاتری است‌که دریکی ازبهترین نقاط بندر سیدنی (استرالیا) واقع‌شده . جشنواره سیدنی‌که در

بقیه در صفحه ۴۰

تلویزیون ملی ایران در دوره تازه



برنامه دوم

● برنامه دوم با تغییرات جدید همه روزه بغیراز روزهای جمعه ازساعت ۲۰ آغاز و تا پاسی از نیمه شب برنامه خواهد داشت.

مجموعه‌های پی‌درپی

روزهای شنبه : فیلمهای **قرن بیست ویکم – فورسایت‌ساگا وفستیوال سینمائی**

روزهای یکشنبه : فیلمهای **والت‌دیسنی – فیلمهای کلاسیك – اینگلبرت آمپرینك**

روزهای دوشنبه : فیلم‌**سوءظن**

روزهای سه‌شنبه : فیلمهای **جنایت بخاطر هوس – دهه دهشت انگیز**

روزهای چهارشنبه : فیلمهای **دکتر بعداز این – مك‌كلود**

روزهای پنجشنبه : فیلم در **جستجوی نیل و مجموعه چارلی چاپلین**

روزهای جمعه : فیلم لانسر

***

«داستان فورسایت‌ها» اقتباس از اثر عظیم جان گالزورثی نویسنده نامدار انگلیسی است .

مجموعه **«والت دیسنی»** که کمپانی فیلمساز فقید براساس‌شیوه خاص او برای تلویزیون تهیه‌کرده است ، سریال دیدنی دیگری است که بیکسان توجه نوجوانان و بزرگسالان را جلب خواهد کرد. فیلمهای تلویزیونی اقتباس از آثار بزرك ادبی جهان همچنان در برنامه دوم نمایش داده خواهدشد. از جمله فیلمهایی که ازاین زمره درآینده در برنامه دوم خواهیم دید ، **«پدران و پسران»** اقتباس از اثر معروف تورگنیف و **«نانا»** اقتباس از رمان امیل زولا ، را نام می‌بریم .

***

از مجموعه‌های پی‌درپی غیر داستانی ، که به معرفی وقایع تاریخی ، سرزمین‌ها و ماجراهای واقعی اختصاص دارد ، چند مجموعه با ارزش در برنامه دوم بنمایش درخواهد آمد از جمله **«قرن بیست‌ویکم»** که براساس مدارك عینی‌وپژوهشهای دانشمندان به‌بررسی محیط زندگی انسان در آینده می‌پردازد، **«دهه دهشت‌انگیز»** که بنحوی جذاب‌رویدادهای جهان **در دهه ۱۹۷۰ – ۱۹۶۰** راحکایت میکند ، **«درجستجوی نیل»** که **داستان واقعی و شورانگیز** کاشفانی است که قاره سیاه را درجستجوی سرچشمه رود نیل زیر پا نهادند ، با خطرات بیشمار روبرو آمدند ونام خود را جاویدان ساختند .

تئاتر

در دوره جدید ، برنامه دوم به‌تآتر توجه خاص خواهد داشت. در حال حاضر یك برنامه هفتگی **تآتر** پیش‌بینی شده است که به **تناوب شامل اجرای آثار مهم** تآتری جهان **بصورت تآترهای‌فیلم** شده توسط **هنرپیشگان بزرك** بین‌المللی ، **اجرای آثاری از** نمایشنامه‌نویسان معاصر توسط‌گروه های ایرانی، و نیز معرفی‌نمایشنامه نویسان و **مکاتب تآتری خواهد** بود . در این برنامه جدید ضمن صحبت از یك نمایشنامه‌نویس‌قسمت هایی از آثار او خوانده میشود و صحنه‌هایی از نمایشنامه‌های او در استودیو بازی میشود . **نخستین** برنامه ازاین دسته به‌معرفی **اگوست استریندبرك** درام نویس **بزرك** سوئدی بمناسبت سالگرد درگذشت او واجرای صحنه‌هایی ازنمایشنامه های مختلف او بود که زیر نظر **«سیروس ابراهیم زاده» انجام** شد .

فیلم وسینما

دوره جدید برنامه دوم ، از **نظر معرفی سینما و آثار برجسته سینمایی بسیار غنی خواهدبود .**

در این زمینه نخست ازبرنامه **هفتگی که روزهای جمعه بنام «جنك سینمائی» پخش خواهد شد یاد میکنیم .**

در این برنامه فعالیت‌ها و **مسایل سینمای ایران مورد بررسی** قرار میگیرد ، **فیلمهایی که در** طول هفته در سینماها **بروی پرده** می‌آید نقد و تحلیل میشود وجای مهمی از برنامه نیز به تاریخ‌سینما وخبرهای سینمایی اختصاص می – یابد ، **اولین برنامه ازاین سری** هفته گذشته پخش شد .

فستیوال سینمایی

برنامه دوم برای معرفی آثار **برجسته تاریخ سینما برنامه‌هفتگی** جداگانه‌ای خواهد داشت و ضمن برگزاری فستیوالهایی ، **بهترین آثار کارگردانان بزرك سینما را** نمایش خواهد داد . در **این برنامه** آثار اینگمار برگمن **کارگردان** بزرك سوئدی وجان‌فورد وذیوید **اوسلزنیك و دیگر کارگردانان بزرك جهان سینما**نمایش داده می– شود .

موسیقی

برنامه دوم ، از نظر ارائه موسیقی همه گونه‌های‌آن – **بسیار** غنی خواهد بود . در زمینه‌موسیقی **ایرانی، یك برنامه خاص به‌موسیقی سنتی ایران اختصاص یافته است**که درآن استادان موسیقی ایران **به اجرای بهترین نمونه‌های موسیقی** نیالوده ملی ما **خواهند پرداخت.** در برنامه‌هایی دیگر ، موسیقی آوازی و تصنیف مورد توجه‌قرار **می‌گیرد .**

شناسایی موسیقی شرقی،برنامه جدیدی است که اهمیت بسیار دارد . دراین برنامه که با نظارت **دکتر هرمز فرهت استاد دانشگاه تهران تهیه خواهد شد ، موسیقی سنتی ملل شرق معرفی خواهد شد .** پیش‌بینی شده است که گروهها ونوازندگان برگزیده شرق ، **به ایران دعوت شوند تا در این‌برنامه** به‌ارائه موسیقی سرزمین های خود **بپردازند .**

برنامه هفتگی موسیقی کلاسیك، **با دستی گشاده‌تر و عمقی بیشتر ، ازبرنامه دوم ادامه خواهد یافت‌و** مجال آن خواهد بود که **به دوستداران موسیقی کلاسیك‌اجرا**‌هایی از آثار آهنگسازان **بزرك** توسط **معروفترین ارکسترها ، و** رهبران **جهان تقدیم شود .**

تصاویری از : لانسر –جنایت بخاطر هوس – والت دیسنی– دکتر بعد از این و سوء ظن

نقد و منتقد در ایران..

از : ایرج صابری «۲۸»

رحمت مظاهری

یکی دیگر از منتقدین خوش قریحه ومستعد این سالها ــ «رحمت مظاهری» است ــ و او کــه دانشجوی دانشکده پزشکی است (و یا امروزه به طبابت مشغــول است) کار خود را با «ناظریان» در مجله «سینما»ی «برومند»شروع میکند و سپس او را در مجلــه «هنر سینما»ی دکتر کاوسی‌می‌بینیم .

«مظاهری» نیز به سینمائــی ناب و خالص و متکی به دکوپاژ و مونتاژ عشق می‌ورزد و میگوید :

... منحنی تکامل هنر سینما توگرافی درست عکس جهت سایر هنرها سیر می‌کند ، بدین معنی که سینما تقریبا با «فرمالیزم» شروع ولی‌اکنون به‌قصه پردازی وبالاخره به «شارلاتانیزم» ختم شده است ! سرگی آیزنشتین در تاریخ اول فوریه ۱۹۲٤ با نمایش فیلم «اعتصاب» مردم را با نوع دیگری از سینما آشنا ساخت ــ سینمائی که بنیاد آن‌برپایه های تئــوریهای مونتاژ او برقرار شده بود و بدین ترتیب تخم فرمالیزم برای اولین بار در سینما پاشیده شد .

اندیشه هــای آیزنشتین یك بیك در فیلمهای او در دست‌تجربه قرار گرفت و فرمالیزم در سینما تا آنجاپیش رفت که «جیمرجویس» در ملاقاتی‌که درپاریس باآیزنشتین کرد یاد آور شده بود که‌فرمالیزم سینما را در بیان «مونولوك های درونی» کاراکتر ها ، از ادبیات نیز تواناتر و گویاتر ساخته است! درحالیکه ظاهرا همین نکته ازنظر نویسندگان ، شکاف جبران ناپذیر ادبیات و سینما بشمار میرفت .

در آن زمان یکی از آرزو های آیزنشتین‌ایجاد سینمای فکری و ذهنی بود که بوسیله آن سنتتری از علم و هنر ساخته باشد ولــی متاسفانه از آنجا که هرگز مایل نبود که دوربین او در خدمــت تراکتور و غیره در آید از سینما کناره گرفت ... با کناره گیــری و مرك او آتش «فرمالیزی» فــرو نشست و اکنون از آن شعله های تابناك فقط دودی باقی مانده است که همین فرمالیست های جوان و تازه‌کار سینمای کنونی شــوروی هستند که از بقایای نسل دژنره و استحاله یافته فرمالیستهای بشمار میروند .

از همان‌زمان بموازات‌جریان ذکر شده در سایر نقاط جهان نیز چیزکی باسم سینما موجود بود که اکنون بدتر از پیش به هستی خود ادامه میدهد و در حقیقت ، جــز اسباب تجارت و دلال بازی چیــز دیگری نیست ! و بالاخره راهــی است که استودیو ها را به بانکها مربوط میسازد .

علت و انگیزه اساسی سقوط و دور شدن سینما از فرمالیزم‌تنها سرمایه هنگفتی است که در این‌هنر در معرض معامله قرار میگیرد . بدین ترتیب هدف و آمال تجار و دلالانی که امروزه در همه جــا ، خصوصا در این بیوه زشت بزرك کرده هالیوود دست بکار سینمــا زده‌اند جز بارور ساختن دلار ــ هایشان چیز دیگری نیست .

اکنون در بین کارگردانان بزرك ، آنهائی که استعداد دلال شدن را داشته بــاشند ، بایــــن «شارلاتانیزم» دامن می‌زنند وخود را همپایه این دلقك‌ها میسازند ! بدین معنی که «کارول‌ریــد» و «فردزینمان» که از بزرك‌ترین و درخشان‌ترین چهره های سینــما هستند ، «بندباز» و «اوکلاهما»را میسازند . ولی امثال «اورسن‌ولز» با کناره‌گیری از سینما نفرت و بی‌زاری خودرا از این شارلاتانیزم ابراز میدارند . خلاصه کلام‌امروزه سینما ، وسیله سرگرمی وکشتن‌وقت بشمار میرود . در حقیقت موثرــ ترین و باارزش‌ترین شخصیت‌هنری سینمای کنونی «آکتور» است:زیرا با طرح و فرم سینمای کنونی تمام مسئولیت و فشار فیلم بروی شانه «آکتور» قرار دارد وفقط اوست که باید با عرق ، اشك و خون خود ، تماشاچی را متاثر سازد . کارگردانان امروزی تقریبا جــز راهنمائی هنرپیشگان ، کاری‌انجام نمیدهند بدین معنی که امروزه ، کارگردان بهتر کسی‌است که‌آکتور را بهتر رهبری‌کند ! ارزش‌سینماــ توگرافی کارگردانان کنونی‌تقریبا معادل صفر است .

درسینمای «فرمالیزم» وسیله و عامل انتقال و ایجاد احساس و ایماژ در تماشاچی ، بعهده سه‌چیز یعنی «مونــتاژ» ، «آکــتور» و «تماشاچی» است بدین معنی کــه تماشاچی نقش مهمی در تفهیم و ایجاد ایماژ نهائی از صحنه ، بــه عهده دارد ولی امروزه این قاعده بعکس درهم شکسته و در سینمای ساده امروز از سه عامل مذکورفقط «آکتور» ارزش خود را بیش از پیش حفظ کرده است و دو عامل دیگر ، یعنی مونتاژ و تماشاچــی بیکاره محسوب میشوند و اساســا مطرح نیستند و مسئولیت این دو بشانه «آکتور» افزوده شده است...

و بدین ترتیب «مظاهری» از این نقطه نظر معیار های توقع خود را از سینما طبقه‌بندی نموده است و عجیب آنکه فیلم «همشهری کین» ولز را نمی‌پسندد ولی«ضربه شیطان» او را شاهکاری میداند .

اقامت «مظاهری» با همــه دانش و عشقش در مطبوعات‌بعنوان «منتقد و مترجم» خیلی محــدود و کوتاه مدت است و او هم مثل سایر منتقدین آماتور خیلی زود نقد و نقدنویسی را ترك می‌گوید.

برای آشنائی بیشتر با فرم کار او به قسمتی از نقد او درباره فیلم «ضربه شیطان» توجه می ــ کنیم :

«... در ضربه شیطان صحنه یا حتی پلانی نیست که از حساب و دقتی فراوان لبریز نباشد . در این فیلم کاراکتر برجسته کار ولز و مونتاژ درون پلان ها . دربسیاری عبارت است از پرداختــی بمقابله از صحنه های فیلم ارزش فــون بیش از جلوی صحنه است آشنائی ولز با تئاتر در کار سینمایش بی‌ــ تاثیر نیست .

ولز استتیك صحنه هایش را از میزانسن های تئاتری قــرض گرفته و تاکیدات تئاتر را بــا تاکیدات دوربین توام میسازد .

میزانسن در کلیه صحنه های ضربه شیطان طوری است که بی‌ــ اختیار نگاه بیننده را روی تمــام عناصر صحنه بگردش می‌اندازد . باصطلاح هرپلان دارای حــرکت و فورم است . نحوه تعویض وجاــ بجائی سوژه ها به وسیله دوربین تماشائی است . کارگردان در تمام طول فیلم حتی یك لحظه را از دست‌نمی‌دهد . اورسن ولز بی‌تردید برترین شخصیت سینماست . ابتدا فیلم با یك پلان درشت باز میشود و سپس بحرکت می‌افتد حرکتی که باید دید و ستود . یکی از پلان های این فیلم آنچنان تاثیری در بیننده دقیق بجا می‌گذارد که در تمام طول عمرش حداقل خاطــره سینمائیش را تشکیل میدهــد ــ پلانی که یکی از پرسوناژ هــا خبر اتهام جانت‌لی‌را به چارلتون‌هستون میدهد ....

ادامه دارد

موزیک

از : حسین مرتضوی

دو ترانه جدید

● «گوگوش» که این‌روزها نامش بخاطر چند عامل منجمله فوت محمد کریم ارباب، اختلافش با محمود قربانی و ببازار آمدن آهنك مشهور «نمیاد، نمیاد» برسر زبانهاست بتازگی دو ترانه جدید اجرا نموده با عنوان «وقتی تو نیستی» و «قصه‌بارون». این دو ترانه در حال حاضر مراحل ضبط نوار صفحه را طی میکند و قرار است تا چندی دیگر روانه صفحه فروشی‌ها شود.

اولین آهنگ پس از ازدواج

● «هایده» خواننده مشهور وخواهر «مهستی» که چندی قبل پای سفره عقد نشست پس‌ازازدواج اولین آهنگی که اجرا کرده هم‌اکنون آماده صفحه شدن است. این ترانه هفته گذشته از برنامه شما ورادیو پخش‌گردید. «آمدنت محاله» نام ترانه مزبور میباشد. این آهنك قرار است بهمراه ترانه دیگری که وی فعلا مشغول تمرین آن میباشد و تاکنون نامی برای آن در نظر گرفته نشده مشترکا بصورت صفحه منتشر خواهد شد.

کنسرت و آهنگ جدید

● هفته گذشته «پرتو»جهت اجرای کنسرتی به شمال مسافرت نمود و با بازگشت وی‌کار ضبط آهنك جدید جهت صفحه دنبال خواهد شد. این ترانه «جیگوجیك مستونم رفت» نام دارد. آهنك این‌ترانه از آهنگساز جوان «علی بقایور» میباشد.

نماز و فریدون فروغی

● سرانجام پس از مدتها بحث و مجادله آهنك «نماز» با صدای فریدون‌فروغی ضبط گردید. ترانه مزبور که اشعارش‌از«شهیار قنبری» میباشد آهنگش توسط «اسفندیار منفردزاده» ساخته شده است. این ترانه قبلا قرار بود با صدای «رامش» ضبط گردد.

خسته وزنجیری

● پس از مدتها بتازگی صفحه جدیدی با صدای «فرهاد» ضبط و ببازار آمد. ترانه مزبور از ساخته‌های «محمد اوشال» میباشد و شعر آن وسیله «تورج نگهبان» سروده شده است. این آهنك که در فیلم «زنجیری»اجرا شده «خسته» نامدارد و هنگام بروی اکران آمدن فیلم مزبور صفحه‌اش نیز منتشر میشود.

افشین پرکار

● «افشین» یکی از اعضاء گروه مشهور مقصدی پس از جدا شدن گروه فعالیت وسیعی را در زمینه خوانندگی آغاز نموده وفعلا مشغول تمرین چندین آهنك جدید میباشد. از جمله آهنگهائی که وی برای ضبط آماده کرده «پاکباخته» از ساخته «پرویز مقصدی» و دیگری «ای آسمون» ساخته «حسن لشکری» میباشد. ضمنا آهنگی را که وی از مدتها قبل مشغول تمرین آن بود هفته گذشته با دوتن از افراد گروه سابق مقصدی(کیوان ـ داریوش) دراستودیو «الکوردوبس» ضبط نمود.

گاهی خنده گاهی ...

● چندی قبل براثر اینکه آهنك «میتوانی مشت منوازبکنی» با صدای دو خواننده (اونیك ـ رامش) صفحه شده بود جنجالی بپاشد. در همین زمینه جدیدا آهنگی در دست صفحه شدن است باعنوان «گاهی خنده، گاهی گریه» که از ساخته پرویزمقصدی است و شعرش وسیله «شهسا»سروده شده. ترانه مزبور با صدای «گوگوش و اونیك» ضبط شده و تاچندی دیگر از هردو نفر صفحه این آهنك منتشر خواهد شد، البته اینبار دیگر اختلاف و این‌جور چیزها درکار نیست.

آخرین کار گروه سه نفری

● «کیوان، داریوش‌وافشین» که مشترکا گروهی را تشکیل داده بودند و برنامه‌هایشان تواما اجرا میشد چندیست از یکدیگر جدا شده‌اند واز این سه‌تن منبعد بطور جداگانه و انفرادی فعالیت‌خودشان را دنبال میکنند. از آخرین کارهای این گروه که از قبل آماده ضبط بود و تاچندی دیگر پخش میشود یکی ترانه‌ایست تحت‌عنوان «شیطنت» که شعر آن وسیله«شهسا» سروده شده و دیگری آهنگی که این سه‌تن باتفاق درفیلم «یك‌کلاغ چهل کلاغ» اجرا کرده‌اند. صفحه آهنك اول تا چندی دیگر وصفحه ترانه دوم باآماده نمایش شدن فیلم مزبور منتشر خواهدشد.

کیمیا، دلکش جدید

● بتازگی چهره جدیدی به جمع خوانندگان اضافه شده و موفقیتهائی کسب کرده است. «کیمیا» نام مستعار این خواننده است و یکی از علل موفقیت این خواننده نوپا تشابه صدای وی با خواننده مشهور «دلکش» است و بطوریکه صحبت شده قرار است وی کلیه آهنگهائی راکه دلکش اجرا کرده ولی صفحه نشده با صدای‌وی ضبط و بصورت صفحه منتشر شود. وی این روزهاعلاوه برتمرین ترانه‌های دلکش دست‌اندر کار ضبط دوترانه که از ساخته‌های «محمود برومند» با عنوانهای «حیف که نموندی» و «هزاردیونه داره»، دوآهنك از ساخته‌های حسن لشکری و نیز دو ترانه که وسیله «بامداد جویباری» آماده گردیده میباشد. اشعار ترانه‌مزبور از «مینا اسدی» و «فرهاد صبحی» میباشد.



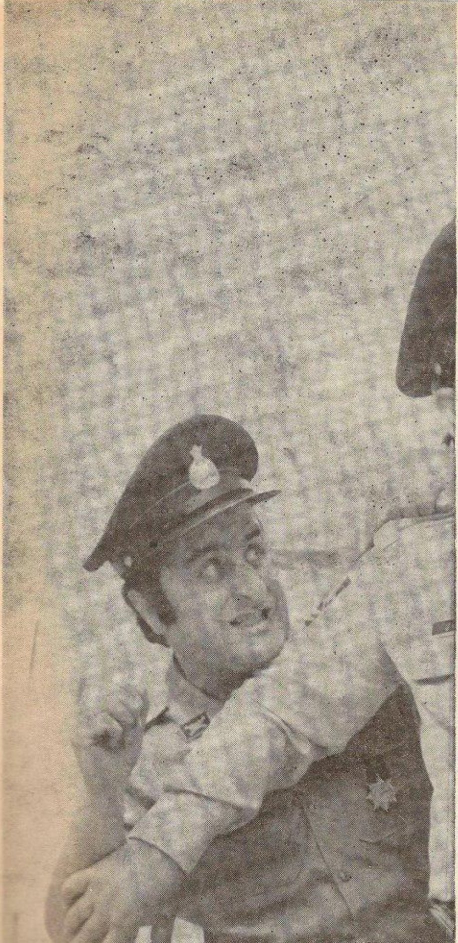
● ترانه‌های «دلکش» بااجرای جدید وسیله «کیمیا» اجرا خواهد شد.



● «اونیك» گاهی خنده، گاهی گریه، را صفحه کرده، «گوگوش» نیز همین آهنك را خوانده است.



● «وقتی تو نیستی» و «قصه بارون» نام دو آهنك جدید «گوگوش» است.



عبدالعلی همایون
حسین حسینی
و مرتضی عقیلی

در فیلم

استوار
و
پاسبان

فیلمی که بارها بتماشای آن خواهید رفت
و از آن لذت خواهید برد

وباشرکت : بهارك ـ شهروز رامتین ـ پرستو

کارگردان : نظام فاطمی
فیلمبردار : ابراهیم دیلمانی

رهائی «تقوائی» در جشنواره

بین‌المللی سانفرانسیسکو



● «دو انگلیسی» از «فرانسواتروفو» ناموفق بود ...



● «سرود سرخ» یك تجربه شگفت‌انگیز سینما براساس تم‌انقلاب جوانان است .

«عشق من به پرستوها» یك درام شاعرانـه تکان دهنـده از دختر جوانی است که طی سال‌های جنك در اسلواکی می‌زیسته است . و **«سرود سرخ»** یك تجربه‌شگفت انگیز سینمایی براساس تم انقلاب جوانان است . هردوی این فیلم‌ها از یك فـرم جالب برای القـای محتوای انسانی به تماشاگران بر‌خوردار بودند . تعجبی نیست که بااقبال عمومی روبرو گردید.

سینمای امریکا ، از نظـرمحتوا و ارزش فیلم‌های شرکـت کننده‌اش، درخششی دراین‌جشنواره نداشت . امریکا در این جشنواره‌با این فیلم‌ها شرکت کرد : **«پرتره‌فیلم»** ساخته **جروم‌هیل** که تمـی مستند دارد ، **«گرما»** صادره ازسینمای زیـرزمینی ساخته **«پـل موریسای»** که به طرز چشمگیری‌از زمینه‌های پورنوگرافی بهـره می‌گیرد و یك «سانست بـولوار» کمدی است و داستان برخورد یك برخورد یك هنرپیشه مـعروف وسالخورده را بایك کودك هنرمند بازگو می‌کند . فیلم دیگر **«بیلی کـوچك کثیف»** ساخته **«استـان دراگوتی»** و با شرکت **«مـایکل جی‌پولارد»** است و سعی در ایجاد موج نوی دیگری داشت . آخرین فیلم از کشور امریکا ، Play it as it Lays جدیدترین ساخته **فرانك‌پری** بودکه سیری درزندگی امروزی هالیوود است و نسبت به‌آثار گذشته این فیلمساز تفاوت‌ـ های چشمگیری دارد بـویژه که‌فیلم اخیرش ، **«دالك»**، به‌هیچوجه راضی کننده نبود . بازیگران‌فیلمی که در جشنواره به نمایش درآمـد، **آنتونی پرکینزوتیوزدی‌ولد** هستندکه ضمنا بازی جالب آنها را در فیلم «زهرزیبا» به خاطر می‌آورد.

از سینمای سوئد هم **دو فیلم** به‌نمایش درآمد . **«مهاجر»** ساخته **«یان تروئل»** فیلمساز برجسته سوئدی بود که هنرپیشگان معروف آن کشور ، **«ماکس فـون سیدو» و«لیواولمان»** ، **ایفاگران نقش‌ـ** های اصلیش بودند . این فیلم بـاصداقت و واقع‌گرایی هرچه‌تمامتر، تلاش‌های یـك خانواده مهاجـرسوئدی را در ایالت «منیه‌زوتا»ی امریکا در سال‌های پیش ، نشان می‌دهد . فیلم دیگـر ، یك اثر مستند از **«استیك‌بورکمن»** بود **که شیوه**فیلمسازی کارگردان نامدارسوئدی «اینگماربرگمان» را نشان می‌داد.

سه فیلم از سه سینما با سبك های متفاوت بـه نمایش درآمـد . یکی متعلق به سینمای آلمان به‌نام**«تروتا»** ساخته‌مشترك **«یانیس‌شف»** و **«ماکسیملیان‌شل»** بود کـه ازخیلی جهات برفیلم‌های انتخابـی وعرضه شده امریـکایی در ایـن‌جشنواره، برتری داشت. سازندگان این فیلم سعی کـرده‌اند ، یـك‌ارزیابی کنایه‌آمیز از فسادوتباهی طبقه مرفه اجتماع در اوایل قرن‌بیستم به‌عمل آورند . از کشـور اسرائیل ، فیلمی به‌نام **«مـلکـه‌شاهراه»** از کارگردان اسرائیلـی **«مناحم گولان»** به نمایش درآمد. دراین فیلـم ، یك مسئله بـزرك اجتماعی مورد بررسی قـرار مـی‌ـگیرد و کارگـردان به مطالعـه کاراکتر زن جوانی می‌پردازد که‌در دام فحشا اسیر شده است . هر چند فیلم از جهات زیادی ضعیف به نظر می‌رسد ، اما رویهمرفـته همدردی ما را نسبت به‌کاراکـتر اصلی فیلم جـلب می‌کند و به‌تفکر وادارمان می‌کند . فیلم دیگر ، به‌نام **«امی‌تای»** ساخته**«عثمان ثمین»** از کشور سنگال بود که **متـاسفانه**موفق به‌دیدنش نشدم . امابه‌طوری که از قرائن برمی‌آید ، سینمـای‌سنگال اخیرا جهش‌های چشمگیری داشته است و آثار ارزنده‌ای راروانه نمایش در سینماهای جهان کرده است ودر خورآن است کـه‌یك شناسایی و ارزیابی کاملـی‌در این‌باره به‌عمل بیاید . از سینمای‌ژاپن نیز تنها یك فیلم به نـام **«خواهر عـزیز تابستان»** ساختـه**«ناگیزا اوشیما»** به‌نمایش درآمد که تم اروپایی و متـغاوتی داشت‌ولی اثر ممتازی به حساب نیامد.

و بالاخره کشور فرانسه بـااین فیلم‌ها درخشش خاصـی در **جشنواره داشت :**فیلم Tout va Bien آخرین ساخته **ژان لوك گودار** وژان پی‌یرگورن باشرکت **جین‌فاندا وایـوومونتـان** ، **«افسون محتـاط‌بورژوازی»** به کارگردانی**لوئیس** بونوئل ، **«ترافیك»** ساخته ژاك‌ـتاتی ، **«دو دخـتر انگلیسی»** از **فرانسوا تروفو** و بالاخـره فیلـم **«کلود در بعد از ظهر»** آخرین فیلم **«اریك رومر»** منقـدسابق مجلـه‌کایه‌دوسینما و کارگردان مـوفق تعدادی فیلم . هریك ازاین فیلم‌ها جدا از ارزش‌های سینمایی ، جای بحث و تفسیر فراوان دارد و ازاین میان فیلم **«ادودختر انگلیسی»** از **تروفو** زیاد چنگی به‌دل‌نمی‌زدوموفقیت «ژول‌وژیم» **راکسب نکرد.** داستان فیلم «دو **دختر انگلیسی»**درست برخلاف «ژول وژیم» **است.** در فیلم اخیر دومرد درگیر عشقی‌پاك نسبت بـه یك زن هستند در حالی‌که درفیلم**«دو دخترانگلیسی»**دو دختر جوان به‌یك مـرد عشق می‌ورزند .

ادامه دارد

کپیه (ایسم) در سینمای ایران

ضعف سناریو و شیوه غلط کپیه‌برداری ، از مشکلات عمده‌ای است که فیلمسازان وطنی با آن دست به گریبان می‌باشند .

تا قبل از باصطلاح آن تحول (قیصر را میگویم) تمام سناریو های فیلمهای فارسی گردش مذبوحانه‌ای برروی دایره تقلید وابتذال داشتند و اغلب از همانجائی که شروع میکردند پس از قوسی نزولی (ویا اتفاقا صعودی) بهمان نقطه میرسند و در تمام این فیلمها که نظر بیندازیم سناریوها ، اولی همان آخری و آخری همان اولی بود ! (بگذریم از تعداد معدودی انگشت‌شمار چون خشت وآینه ـ شوهر آهوخانم ـ شب قوزی و .....) قصه پرغصه (البته برای تماشاگر بیچاره) عشق جوانی کارگر به دختر یك کارخانه‌دار و یا فلان سرمایه‌دار اسموکینك‌پوش و مخالفت پدر و فداکاری جوان عاشق و دست‌آخر وصال آندو .

بعد از قیصر ، بالاجبار سناریو و سناریست‌ها خانه تکانی کردند (که ایکاش نمیکردند) و انتقام و تعصب و چاقوکشی و کفتربازی و بازارچه بازی شد نهضت جدید فیلمسازی . هرکارگردانی زلم‌زیمبوی خود را برمیداشت و با دیدن یك بازارچه قدیمی وهشتی‌ها وارسی‌های یك خانه قدیمی و خرابه‌های متروك ، همانجا رحل اقامت افکنده و بساطش را پهن میکرد و پس از چندی معجونی بنام فیلم ایرانی و این اواخر لقب دهن پرکنی چون فیلم موج نو ، بخورد تماشاچی بدبخت میداد .

بهیچ‌وجه قصدم توهین به فیلمسازان و صنعت سینمای‌ملی نیست. وهم‌چنین بهیچ‌وجه قصدم اهانت به آن چند (عزیزی) که فیلمهائی خارج از محدوده این نوارهای ابتذال ساخته‌اند نمی‌باشد .

تو تماشاچی گرامی ! وقتی برای دیدن فیلمی وارد سینما می‌شوی با همان تیتراژ و چند سکانس اولیه می‌توانی حدس بزنی که عاقبت فیلم چه میشود (که این امر مهم ذهن غیب‌گوئی ما را عجیب تقویت کرده ! و بعید نیست بعدا پیشگوئیهائی مهم بکنیم که همهٔ چهارشاخ بمانند) ! این حضرات فیلمساز نمی‌فهمند و یا نمی‌خواهند بخود بقبولانند که تماشاچی حالا دیگر آن تماشاچی چند سال پیش نیست که به محض چهچهه زدن هنرپیشه اول فیلم برای او کف‌بزنند و سوت بلبلی بکشند . اینها نمی‌خواهند بفهمند که تماشاچی حالا ، دیگر فرق بین بیضائی و پازولینی ایران ! را می‌فهمند وهم‌چنین فرق بین (شکوه !) آن فیلم و فیلم گاو مهرجوئی را . دیگر تماشاچی ایرانی برای تمسخر و یا وقت‌گذرانی به دیدن فیلم ایرانی نمیرود . اگر سناریو خوب باشد .اگر سناریست خوب داشته باشیم واگر همیشه از یك مکتب خاص پیروی نکنیم خواهیم دید که فیلمهای ایرانی چگونه موفق میشوند و دیگر هنرپیشه‌ای (بقول سپهرنیای عزیز) بیکار نخواهد ماند . اگر سناریستی قصه‌ای نو (غیر از سناریو های رایج) به کارگردانی تحویل بدهد آنوقت کارگردان بعوض اینکه فرضا با چهره های شناخته شده و قراردادی کار کند با دیگران کار خواهد کرد . (چون قهرمانان سناریوی تازه صدی نود ممکن است به‌کاراکتر هنرپیشگان قبلی نخورد) .

اگر سناریو مختلف و با کاراکتر های مختلف باشد آنوقت است که هنرمندی در این ملك بیکار نخواهد نشست .

بعضی از فیلمسازان ایرانی برای خلاصی از این شیوه دست‌وپاگیر سناریو های رایج ، به‌کپیه از فیلمهای ترکی وهندی و بعضی اروپائی رو می‌آورند . بدبختانه اینها کسانی هستند که سوراخ دعا را گم کرده‌اند ! و بقول معروف : کل اگر طبیب بودی ، سر خود دوا نمودی ! اگر فیلمهای ترکی وهندی خوب بودندکه ....

متاسفانه ضعف داستان گریبانگیر تئاتر هم شده است . نتیجتا اینکه نویسندگان خوب تئاتر کنونی ما که از انگشتان یکدست هم‌تجاوز نمی‌کنند (چون ، دکتر ساعدی واکبر رادی) خود را کنار کشیده‌اند و نتیجتا تئاتر هم وضع اسف‌انگیزی بخود گرفته است . همین هفته تلویزیون تئاتری داشت بنام زیر گذر لوطی صالح (ملاحظه میفرمائید که لوطی‌ها پایشان به تلویزیون هم کشیده شده است !!) . دقت کنید به کل داستان که چه کلیشه‌ای وسطحی وبچه‌گانه شروع و پایان می‌یابد . زیرگذری آدمی دیوانه (که واقعا والحق جایزه شیکاگو را باید به‌این شخص بخاطر بازی نقش یك دیوانه میدادند نه عزت‌الله انتظامی !) زندگی می‌کند با آدمهای بد وخوب اطرافش . بچه‌ای در محل گم می‌شود . همه به این آدم دیوانه مظنون می‌شوند . هنگامیکه این دیوانه بوسیله دو پاسبان به کلانتری برده می‌شود فرار می‌کند (حالا چطور یك دیوانه می‌فهمد که باید فرار کند بماند) و بعد از فرار بی‌علت خود را می‌کشد و دست آخر بچه پیدا می‌شود و همه به بیگناهی این دیوانه آفرین می‌گویند !

این بود داستان یك تئاتر یکساعته که با شعار دادن های الکی و صحنه‌های درام اشکمان را درآورد (البته اشك تاسف‌بخاطر این حضرت تئاترچی) ! باور کنید بازیهای هنرپیشگان بقدری سطحی و ابتدائی بود که انگار (هنرمندان) عزیز برای اولین بار پیسی را بازی می‌کنند و کارگردان عزیز ! حتی زحمت انتخاب هنرپیشه و لااقل دو سه بار تمرین را بخود نداده است .

این مشتی بود نمونه خروار ، ایکاش میشد بوسیله‌ای و بصدای بلند به این حضرات فیلمساز و سناریست ها حالی کرد که عزیزان ! تماشاچی ایرانی دیگر آسان پسند نیست . او بد را می‌فهمد و خوب را هم . از لاك خود بیرون بیائید و آثاری ارائه دهید که بشود لااقل دو ساعت برای دیدن آن طاقت بیاوریم .

قصدم نه توهین به کسی است و نه اهانتی . وصحه گذاشتن است برکار آن چند فیلمساز عزیزی که کارشان را میدانم و میدانی .

خلاصه اینکه تا سناریو و داستانها از لاك امروزی و شیوه تقلید خود قدمی فراتر ننهند همین آش است و همین کارسه و بار نیمی از ابتذال یك فیلم و یا یك نمایشنامه تئاتری بدوش نویسنده و قصه‌اوست نه فیلمساز .

علی‌اکبر احمدی (تهران)

از تبلیغات تا سینما

منتظر آمدن فریبا و شرکتش در فیلم مزبور بودند ، بدون هنرپیشه زن باقی گذاشت و همین باعث کشف یك چهره تبلیغاتی دیگرشد، باین معنی که بدنبال نیامدن فریبا بەسرجلسه فیلمبرداری ذکر شده ، اصانلو بناگاه زنی که از آن حوالی میگذشت نظرش را برای بازی در فیلم تبلیغاتی مزبور جلب نمود و فی‌الفور مسئله با خود این خانم درمیان گذاشته شد وبامورد قبول واقع شدن پیشنهاد اصانلو، این خانم که‌کسی بجز ماری‌الوندی نبود جای فریبا را در فیلم‌تبلیغاتی مربوطه گرفت و فریبا هم بعد از آن به‌کارهای سینمائی‌اش ادامه داد وبکلی دور تبلیغات رااباصطلاح خط کشید !

و اما ماری الوندی بعد از بازی در چند فیلم تبلیغاتی بکارگردانی اصانلو ، همکاری خودرا بافاین فیلم آغاز نمود و چندی‌در این‌موسسه و زیرنظر زندی‌نژاد به بازی در فیلمهای تبلیغاتی‌پرداخت وسرانجام با بازی در فیلم‌سینمائی «شهرفرنك» اثر پرویز اصانلو پا بەسینما گذاشت و بلافاصله پس‌از آن در «سکه دورو» و چند فیلم سینمائی دیگر نیز شرکت جست و البته تا اینزمان ماری نتوانسته موقعیت سینمائی خویش را تثبیت کند ، و ضمنا کار تبلیغاتی ماری همچنان ادامه دارد منتهی بمراتب کمتر وبی‌سروصداتر از گذشته !

و میرسیم به کتایون که چهره دیگرتبلیغاتی‌بوده وهشت نه سال‌فعالیت‌پی‌گیری درعالم تبلیغات داشت و حدودا چهل فیلم‌تبلیغاتی با شرکت کتایون ساخته شد و فیلمسازانی چون : اسماعیل‌ریاحی، پرویز اصانلو و عباس دستمالچی فیلمهای تبلیغاتی کتایون را می‌ساختند و سرانجام فیلم «عذاب مرك» و محول شدن ایفای یکی‌از کاراکترهای اصلی این فیلم که عباس دستمالچی کارگردانی‌اش را انجام میداد ، پای کتایون را به سینما باز کرد و رفته رفته تبلیغات ازنظر کتایون جای خود را به سینما داد و او بافعالیت درزمینه کارهای تلویزیونی‌و نیزخوانندگی ودرجوار آن ادامه کار سینمائی، فعالیت هنری‌اش را دنبال نمود ، ولی دیگر روی خوش به تبلیغات نشان نداد و حتی با وجود فواصلی که گاه در کار سینمائی کتایون بوجود آمد ، معذالك مسیر کار هنری وی‌بالاخره در سینما خلاصه شد !

و اما دو سیمین بدن‌تبلیغات هم سالهاست که سینما را ترجیح داده‌اند و اینها سیمین علیزاده‌و سیمین غفاری می‌باشند و بد نیست بدانید که سیمین علیزاده ضمن بازی در فیلمهای تبلیغاتی ، به خواندن در اینگونه فیلمها نیز میپرداخت وکار خوانندگی‌اش را هم دنبال میکرد ، و سیمین‌غفاری نیز همکاری تبلیغاتی‌اش را با : هایراپطیان ، اصانلو و برادران میناسیان ادامه میداد تا آنکه او هم مانند سیمین علیزاده به سینما روکرد و اکنون از فعالیت‌سینمائی سیمین‌های مورد بحث ،بالغ بر‌هشت سال میگذرد .

در اینجا باید از مژگان نیز نامبرد که آغاز کار هنری وی و شرکت او در فیلمهای تبلیغاتی ، وی را از شغل آموزگاری که‌بآن اشتغال داشت دور نمود وبرادران میناسیان سازنده اکثر فیلمهای تبلیغاتی موفق مژگان بوده‌اند و ناگفته نماند که کلا تعدادفیلمهای تبلیغاتی مژگان از حدود بیست فیلم تجاوز نکرده است ، و ضمنا مژگان بخصوص با ایفای نقش‌مریم در یك سری فیلم تبلیغاتی که علاوه برمژگان ، یك‌عروسك‌جالب را هم دراین فیلمها ببازی گرفته بودند ونام«جی‌جو» را برآن‌نهاده بودند ، شهرت بسزائی یافت ، و همزمان با گسترش کار سینمائی مژگان که بعد از بازی‌در دو سه فیلم تبلیغاتی‌شروع گردید ، فعالیت تبلیغاتی‌وی کاهش یافت و چند زمانی است‌که دیگر مژگان هیچ فیلم تبلیغاتی جدیدی بازی نکرده ودر عوض تعدادی فیلم تازه به لیست فیلمهای سینمائی خویش افزوده است !

سارا نیززمانی‌درکار تبلیغات یکه‌تاز بود و بازیگر بیش ازپنجاه درصد از فیلمهای تبلیغاتی بحساب می‌آمد و فیلم «جلاد» محصول پنج شش سال پیش استودیو عصر طلائی اولین فیلم سینمائی سارا می‌باشد که بنمایش درآمد و در حقیقت در اوج کار تبلیغاتی‌سارا، اورا به سینما هم وابسته نمود ، ولی سارا بازی در فیلمهای‌تبلیغاتی را رها نکرد و ضمن اینکه تا بحال قریب بیست فیلم سینمائی باشرکت سارا تهیه شده ، کار بازی وی در فیلمهای تبلیغاتی ادامه داشته ، منتهی سارا که بدلیل علاقه به‌تآتر وکار بازیگری درآن‌از زادگاهش تبریز به‌تهران آمده بود و بعوض تآتر ، بدام تبلیغات و سپس سینما افتاد ، پس ا زمدتی بمرور یك دور ەتقریبا نزولی را چه از نظر کار تبلیغاتی و چه از نظرسینمائی پیمود و رقبای جدیدی‌که در کار تبلیغات پا بمیدان گذاشتند ، کار وبار سارا را ازاین نظر ازرونق انداختند ودرسینماهم ایفای‌رلهائی غیر استثنائی در فیلمها که بسارا محول می‌شد ، به‌او لطمه وارد ساخت و البته یکمقدار هم‌مسافرت های پی‌درپی سارا به کشورهای خارجی و مسکوت گذاشتن کار تبلیغاتی و سینمائی‌اش ، این‌لطمه هنری راچشمگیر وقوی‌تر جلوه‌گر ساخت !

و اما شاید بتوان مهناز را از موفقترین چهره‌های تبلیغات محسوب نمود که ورودش بەسینما نیز با سر وصدای قابل توجهی مواجه گردید و توفیق سینمائی هم بدنبال توفیق در کار تبلیغات، برای وی بارمغان آمد و بدنیست درمورد این دخترك ۲۳ ساله که مهناز در واقع اسم او در عالم هنر بحساب می‌آید و نام واقعی‌اش فاطمه ندافی است و ضمنا متولد رشت‌میباشد ویك‌خواهر ویك‌برادر کوچکتر از خودنیز دارد بدانید که قبل از آغاز کار تبلیغات،کار هنری پی‌گیری نداشت و سال ۱۳٤۵ آشنائی او با پرویز اصانلو سبب گشت تا تصمیم به‌شروع کار تبلیغات را بگیرد و مهناز بابازی در فیلمی درمورد یك اتومبیل این تصمیم خود را بمرحله عمل در آورد و پس ازآن فعالیت هنری پی‌گیر خویش را با بازی در فیلمهای تبلیغاتی بکارگردانی‌پرویز اصانلو ادامه داد و فقط گهگاه بازی در فیلمی بکارگردانی دیگر کارگردانی از فیلمسازان تبلیغاتی را پذیرا شد و بالاخره فیلم تبلیغاتی پرسروصدائی موسوم به «رام‌کردن مردسرکش» ، درخشش هرچه بیشتر مهناز را سبب گردید وسرانجام علی عباسی قرارداد بازی در دو فیلم سینمائی را با مهناز منعقد نمود و نتیجه آن ایفای دو رل حائز اهمیت از فیلمهائی «لوطی» بکارگردانی‌خسروپرویزی و «حسن سیاه» بکارگردانی‌پرویز اصانلو بوده است و ضمنادرفاصله این دو فیلم ، مهناز در یك فیلم دیگر موسوم به «اتل متل‌توتوله» هم بکارگردانی ایرج قادری بازی نمود و آنچه که در اینجا بایستی ذکر کرد اینست که هنوز سینما نتوانسته مهناز را از تبلیغات دور کند و وی بازی در فیلمهای تبلیغاتی و سینمائی را یکجا ادامه میدهد و حدودا نود فیلم‌تبلیغاتی در لیست فیلمهای تبلیغاتی مهناز بچشم میخورد که شاید فقط‌یکدهم این تعداد را اصانلو کارگردانی نکرده است ، و دیگر اینکه مهناز تابحال بدام عشق و عاشقی گرفتار نشده و برخلاف شایعاتی که بجهت مجرد بودن او برسرزبانها می‌اندازند ، بدور از مسائل عشقی فعلا تجرد را ترجیح داده است .

و ادامه‌این رپوتاژ ، درشماره آینده مجله ...

نظری به فیلمهای هفتمین فستیوال

از : ایرج

ضدپا (فرانسه)

یك کارتون خوندار و سنجیده و هوشمندانه از «مانوئل‌اوته‌رو» و یکی از بهترین کارتون‌هائی است که امسال دیده‌ایم . در آن با لحنی گزنده ونیشدار ازکارمندی سخن می‌گوید که در محل کارش نمیتواند و نباید لحظه‌ای از کار غافل بماند حتی اگر لازم باشد باید تظاهر کند که مشغول کار کردن است و او دزدانه از فرصتی استفاده می‌کند و کفش‌نوئی را که تهیه دیده می‌پوشد وکفش جدید آنقدر پرسر وصداست که تمام صداها را تحت‌الشعاع قرار میدهد و او برای نجات از دست آن درپناه صدای رژه‌ای پرطمطراق به‌کفاشی میرود و آنرا با کفش دیگری عوض می‌کند و این کفش برعکس اولی ضد صداست تا بآن حد که حتی زندگی این کارمند را هم بباد میدهد .

آرس علیه اطلس (فرانسه)

کارتون درخشان دیگری از «مانوئل اوته‌رو» ـ با طنزی گزنده وسیاه براساس سوء تفاهمات وموقعیتهای پیش‌بینی نشده ـ مثلا می‌بینیم که در تاریکی شب عده‌ای در دریا برای نجات خود تلاش می‌کنند تا اینکه خسته وکوفته خود را به‌جزیره‌ای میرسانند وقتی روز میشود می‌بینیم که جزیره مزبور درواقع نشانه ومحلی است برای هدف‌گیری هواپیما و در همین موقع بمبی آنرا باهمه آن آدمها منفجر می‌نماید .

... و یا می‌بینیم بهنگام بمباران هوائی عده‌ای برای نجات خود به‌کلیسا پناه می‌برند وبمبی درمقابل کلیسا فرود می‌آید بدون آنکه منفجر شود ـ ساکنین کلیسا بتصور آنکه معجزه شده باابهت‌تمام شروع بخواندن سرود هالهلویا میکنند و ازطنین صدای آنها ناقوس بزرك کلیسا از جایش کنده شده وبرروی آنها سقوط می‌کند وهمه‌را از بین می‌برد.

دو فیلم اخیر درخشش بی‌نظیری دارد وجلائی به‌فستیوال میدهد .

روستای زیرك (بلغارستان)

در این کارتون شیرین ومفرح «دونژودونف» می‌بینیم که چطور یك روستا برای نجات از بلیه‌ای خود را درگیر بلائی دیگر می‌کند تا اینکه سرانجام بااین چاره اندیشیدن‌ها تمام موجودیت‌دهکده بخطر می‌افتد ...

پری (ایران)

فیلم نومیدکننده «ذکریا هاشمی» با صحنه‌های خشن وخون‌آلودی چون مرك یك کبوتر وجان کندنش را مرك یك پدر وضجه دخترش وکندن قبر وشکار وسپس بریدن سریك گوزن و تاکید بردستهای خون‌آلود شکارچی (باتوجه باینکه فیلم همرنگی است) معلوم نیست چه رابطه با سینمای خاص کودکان ونوجوانان میتواند داشته باشد و علت انتخابش چه بوده است .

پری دختری که در مواجهه با مرك پدرش شوکه شده است از دهکده‌اش فرار می‌کند و سربه‌بیابان می‌گذارد در ضمن گشت وگذار بی‌هدف خود مرتب بااعمال خشونت‌بار آدمها برعلیه حیوانات مواجه میگردد تا اینکه به‌شکارچی «سرگردان !» دهکده برمیخورد وبامقداری آه وناله او را متوجه می‌کند که حرفه‌اش تا چه‌حد زشت وخشن است با سر براه شدن شکارچی ماهم متوجه نتیجه «اخلاقی» فیلم میشویم .

فیلم بخاطر پراکندگی ها و عدم هم‌آهنگی های بین محیط و

ین المللی فیلمهای کودکان

آدمها وخشك وكلیشه‌ای بود حرفهایشان عجیب قلابی است ـ که‌بهیچ وجه از «ذکریا هاشمی» چنین انتظاری نمی‌رفت .

ماجراهای گوپی و باگا (هندوستان)

«ساتیا جیت‌ری» در این فیلم به افسانه روی آورده است و در طی قصه‌ای کاملا تخیلی از گذشته های نسبتا دور سعی می‌کند واقعیتهای زمان ما را بنمایاند ـ منتها جز در چند لحظه کوتاه و گذرا ـ این منظور او عملی نمیشود و فیلم همچنان دراختیار فانتزی قرار میگیرد کار «ری» در این فیلم درخششی نداشت و مشتاقان و علاقمندان کنجکاو و منتظر خود را مایوس می‌نماید .

سیاه وسفید (ایران)

یك فیلم عروسکی منتها جاندار از «سهراب شهید ثالث» که در آن درگیری های دونیروی سیاه وسفید را نشان میدهد وفیلمساز مدعی است که بهیچ‌وجه به مسایل نژادی توجه نداشته است ـ پس آیا میتوانیم آنها را مظهر خیر وشر بدانیم که در اینصورت چطور باید آنها را تفکیك نمود ولی با تاکیدی که برمظلومیت سیاه میشود ـ لابد باید سفید نیروی شر باشد .

بهرحال فیلم مزبور بدون درنظر گرفتن احیانا مفهومش باز بافرم و زمینه‌ی تازه‌ای که دارد برای بچه‌ها جالب توجه است وموجب‌نوعی تحرك فکری در آنها میشود .

بادبادك (لهستان)

یك فیلم بدون هدف از «اسلاومیرایدزیاك» بدون کمترین‌زمینه فکری برای بچه‌ها .

«پ» مثل «پلیکان» (ایران)

این فیلم «پرویز کیمیاوی» باهمه تکنیك ابتدائی و ضعیفش باز از احساسی قوی برخوردار است .

«کیمیاوی» بسبك فیلمهای خبری از نوعی ریالیسم ذهنی رپرتاژی تهیه دیده و فیلم او نمایشی از یك فاجعه درونی است .

شیر (رومانی)

یك کارتون با پیام و آموزنده از «نل‌کوبار» که نشان میدهد چطور شیر وحشی در مقابل خوبی‌ها تبدیل بیك گربه میشود .

صبر کن (شوروی)

یك کارتون پرتحرك و سرشار از فکر اثر «ویاچسلاو کوتیو نوچکین» بی‌آنکه توجهی به مسایل اخلاقی و آموزنده داشته‌باشد واین کمتر درکارتون های روسی سابقه داشته است .

سفر (ایران)

سفر «بهرام بیضائی» با لحن پرکنایه و سمبلیکش قبل از اینکه در حد فکر بچه‌ها ـ آنهم بین ۱۰ تا ۱٤ سال ـ باشد فیلمی است برای منتقدین و هیئت‌های داوری فستیوال‌ها ـ معلوم نیست «بیضائی» با این دید قوی وباریك‌بینی‌های حساس وظریف خود چرا حرفهایش را در پشت مفاهیم سمبلیك پنهان می‌نماید و از آن بعنوان یك پایگاه وسنگر بهره می‌گیرد .

«سفر» از حرکت دو پسر بچه بسوی مقصدی مشکوك سخن می‌گوید و این یادآور «همسفر من» ماکسیم گورکی است و درطی این سفر فیلم دائم لحن خود را تغییر میدهد و فرمی غریب و نمایشی مثل کارهای «فلینی» در «ساتیریکون» را اختیار می‌کند . البته فیلم مزبورجای حرف‌بیشتری داردکه دراین‌گزارش فرصت آن نیست.

سیعدراد سینما قربانی میخواهد.

دیگری نمیشود و تا به آخر فیلم هم در این مورد موفق بودم ویك همکاری خوب روی یك داستان خیلی خوب با یك فیلمبردار خیلی خوب و تیم خیلی خوب داشتیم و من شرمنده‌ام که بگویم آقای یاسمی با تمام سابقه‌ای که در سینما داشت تحت نفوذ عامل اصلی سازنده فیلم یعنی تهیه‌کننده قرار گرفتند و به شهادت حق این حرف را خودشان بمن زدند . آقای یاسمی ضابطه‌ها ، فرمول‌های پوسیده و قدیمی وکهنه شده را در کنار کار خیلی خیلی خوبی که کرده بودند ، جا دادند .

این امر شاید بخاطر برداشت های مالی زیادتر تهیه کننده بوده ــ بخاطر این مسئله ، من فکر میکنم ارزش کار خودشان را که شامل من هم میشود پائین آوردند و من نتوانستم جواب‌گوی آن کسانی که بمن می‌گفتند این کارت اشتباه است باشم ، چون دوران آن فکرهائی که در سینما زمانی موفق بود ، با روی کار آمدن این نهضت نو حداقل با وجود تو نمی‌تواند خریداری داشته باشد ، گذشته و بازهم از آقای یاسمی معذرت میخواهم که بخودم اجازه دادم این حرفها را در اینجا عنوان کنم و خداکند باز در «فیلم وهنر» هرهفته چهار نفر بمن فحش ندهند !

با کارگردانان دیگری چون امیر نادری (۲ فیلم) فریدون گله (یك فیلم) کامران شیردل (یك فیلم) ناصر تقوائی (یك فیلم) صفار (یك فیلم) کار کرده‌ام . کار کردن با این افراد خیلی خیلی برایم راحت بود ، چون یك مقدار نوع زندگی کردنشان ، نسبت تقریبی سن‌شان ، برداشت های فکریشان از اجتماع و سینما تا آن‌جائی که خودشان بمن یاد دادند ، بمن نزدیك بود و من اینجا ازهمه‌شان تشکر میکنم و اگر توانسته‌ام موفقیتی بدست آورم ، مدیون اینها هستم .

● **در میان نقش‌هائی که تابحال بازی کردی ، نقشی هست که رضایت ترا جلب کرده باشد ؟**

ــ تنگنا و صادق کرده . در تنگنا بخاطر دید وفکر و هدفجوان خوبی که اکیپ سازنده فیلم را تشکیل میداد ، اجازه داشتم حداکثر استفاده و یادگیری و عرضه کردن را ، داشته باشم و مکمل آن «صادق کرده» است با رهبری خوب ناصر تقوائی و پاك بودن تهیه‌کننده برای ارائه یك کار خوب بدست یك نیروی جوان و خوب . در این دو فیلم بود که من معنی واقعی آکتور بودن را در سینما حس کردم .

جشنواره‌های فیلم درسال ۱۹۷۲

ژوئن آینده وارد بیستمین سال‌حیات خود خواهد شد ، همچنان به برنامه‌گذاریهای بلندپروازانه خودادامه می‌دهد ، شایدهمین بلند ــ پروازیها باشدکه فستیوال سیدنی راچیزی چون بزرگترین رویداد سینمائی سالانه این‌گوشه ازدنیا ساخته است .

در جشنواره نوزدهم‌که در ژوئن گذشته برگزار شد ،سینماگرانی همچون ساتیاجیت‌رای ، یرژی اسکولیموسکی ، یورن‌دانر ، مایکل پاول واستیك بیورکمن وجمع کثیری از پخش‌کنندگان فیلم ومنتقدین ودانشجویان سینما حضور داشتند .

فستیوال سیدنی ، مسابقه‌ئی نیست . تنها بین فیلمهای محلی استرالیائی رقابت کم‌دامنه‌ئی برسر تصاحب چند جایزه درگیرمی‌شود. یکی از بهترین اقدامات این‌فستیوال ، برگزاری یك‌برنامه‌رتروسپکتیو فیلمهای «آکیراکوروساوا» بسال ۱۹۷۱ بود .

کارگاه شادمانی

اینهم شد سئوال ؟ کار من ساختن فیلمهای هنریه ، حالا اگر بعضی از آنها فروش می‌کنه ، گناه مــن نیست خوب فیلم هنریه دیگه

تهیه‌کننده ــ ده لامصب پس چرا اینقدر سکس می‌زاری تــو فیلم ؟

کارگردان ــ اونا علائمشه

تهیه کننده ــ علائم چی ؟

کارگردان ــ علائم هنر ، مگر فیلــم معرفت جسمــو ندیدی ساتیریکون ، قیصر ، دکامرون ، پستچی‌رو مگر ندیدی هم سکــس داشتند و هم هنری بودند .

میدونی‌چیه ؟ فیلم برای‌مردم باید ساخته بشود چه هنری و چــه غیرهنری وقتی مردم فیلمــی را پسندیدند ، گیشه رونق پیدا میــ کند وقتی گیشه پولدار شد تهیهــ کننده هم پولدار میشود ، خیلــی ساده است و اینهم خودش هنــری است .

تهیه کننده ــ بابا ولمون‌کن، میدونی چیه اصولا من میخواهم ضرر کنم ، میخوام بیفتم تــوی هلفدونی ، منم عقیده دارم تا تهیه کننده‌ای توی زندان نیفتد فیلمش هنری نیست ، حالاچی میگی ؟

کارگردان ــ هیچی ، حالا که اینطوری میخوای خیلی خوب کاری ندارد ، باشه کاری میکنم... (در این موقع کارگردان بفکرفرو میرود و بعد) ... نه مثل اینکــه زیاد هم آسان نیست ، ببینم چکار میتوانم بکنم !؟

(پرده می‌افتد و تماشاگران از جای برمی‌خیزند و بشدت کف می‌زنند) .

نورمن ویزدم

لذتبخش باشد. ثانیا من در مدتی که فیلم بازی نکردم دو نمایش در برادوی داشته‌ام که مهم بودند هم چنین میل دارم که دور دنیابگردم و لذت ببرم و ثالثا بازی کردن در فیلم برای من بستگی دارد به‌اینکه باداستان زیبایی روبــرو باشم. با اینحال از ماه مارس درلندن در یك فیلم بازی می‌کنم . سناریویی هم خودم نوشته‌ام که می‌خواهم سر فرصت بعداز قراردادهای فعلیم‌آنرا بسازم. «جك دیویس» هم با آژانس من صحبت کرده که در فیلمی‌برای او بازی کنم . شاید بازی کنم . یك فیلم سریال تلویزیونی هم قرار است باشرکت من تهیه شود .»

از نورمن می‌پرسیم که در مورد سینمای ایران چه می‌داند ؟

نورمن : **«من دوسال و نیم پیش دعوت شدم به‌استودیو میثاقیه ودر آنجا باتعدادی از هنرمندان ایرانی آشنا شدم.»**

ــ در مورد این فیلمی کــه قرار است در ایران بازی کنید چه پیش‌بینی می‌کنیــد فقط دانستن داستان کافی است ؟

نورمن: **«بله، من از داستان خوشم آمد . البته خودم نظراتی دارم که ضمن کار و قبل از فیلم برداری خواهم گفت و به فیلــم اضافه خواهم کرد.»**

وحالا نوبت شروان است که جواب بدهد آیا به نورمن اجازه‌ی این کار را می‌دهد یانه.

شروان می‌گوید: **«بله، حتما».**

و نورمن اضافه می‌کند: **«داستان این فیلم ، هم خنده‌دار است ،هم درام، هم آکسیون دارد، هم احساس هم پیام و من بهمین دلیل از آن خوشم آمده و فکر می‌کنم که‌فیلم خوبی از روی آن ساخته شود.**

***

حرفهایی که نشان بدهد ، اصل خبر صحت داشته ، به پایان رسیده و در ضمن مقداری ازاوضاع تهیه‌ی فیلم نیز روشن شده ، حرفی با نورمن باقی نمانده ، فقط‌شکرایی و یا شروان باید توضیحات دیگری در مورد این فیلم بدهند . شکرایی در مورد داستان فیلم می‌گوید که توسط خود گروه سازنده تهیه شده است واضافه می‌کند که این فیلم در اصفهان فیلمبرداری خواهد شد و فعلا برای رل مقابل نــورمن، ارحام صدر را در نظر گرفته‌اند. دراین فاصله نورمن، شیطنت‌می‌کند و شکلك‌هایی در می‌آورد وعکاس مجله هم دست‌بردار نیست ومرتبا عکس می‌گیرد ... نورمن ازکاری که قرار است در ایران بکند، راضی و خشنود بنظر می‌رسد .

عکسها از: فدرا

حسن سیاه

آثار خوداودارند ، بیشتر می‌شود ودرنتیجه باز نتیجه‌ی مطلوبی‌برای آن‌کارگردان بیار نخواهدآمد ... همچنانکه ، «نصرت کریمی» که خود دوفیلم «درشگه‌چی» و «محلل» راساخته و موفقیتی همه جانبه کسب‌کرده براثر فیلمی مثل «حسن‌سیاه» دارای موقعیتی نسبتامتزلزل شده‌است . چراکه تماشاگر ، فیلم «حسن‌سیاه» راجدا ازآن‌ریزکاری‌های خاص کریمی می‌بیند وبطورکلی آنرا ازنظر فرم متفاوت از کارهای کریمی می‌یابد . درحالی‌که عملا کریمی فقط به‌عنوان یك بازیگر درایجاد این‌فیلم دخالت داشته ودرامور کارگردانی آن ، دخالتی نکرده‌است . همچنانکه قبل‌ازاین درفیلم «حکیم‌باشی» نیز نصرت‌کریمی فقط به‌عنوان یك بازیگر فعالیت داشته‌است .

فیلم «حسن سیاه» می‌خواهد به‌بررسی زندگی مردم یك طبقه‌ی خاص‌که نشانه‌هایی ازاصالت زندگی ایرانی رادرخود دارند بپردازد. شاید هدف‌اصلی ساخته شدن این‌فیلم ، همین موردی که اشاره شد باشد ، و شایدهم تاحدی طبع مردم وپسندآنهاکه به‌ساز و ضرب ورقص کمر وموسیقی آن‌طبقه‌ی خاص که روزبه‌روز از خصوصیات خود فاصله می‌گیرد وتعداد افرادآن روبه‌کاهش می‌رود متمایل است‌باشد. وشایدهم آمیخته‌یی ازاین دو، چراکه بهرحال ، زندگی مردم جدا ازاین سازو ضرب نیست واین‌دو لازم و ملزوم یکدیگر هستند ... ودرفیلم کلیه‌ی آدمها از «حسن‌سیاه» گرفته تاافرادی‌که نقش‌کوچکی در داستان دارند درخدمت این‌هدف دوجانبه بایستی باشند .

داستان فیلم ، به‌این دومورد که اشاره شد تاحد بالنسبه درست و قانع‌کننده‌یی نزدیك می‌شود وگرچه درپاره‌یی موارد ازآنچه که لازمه‌ی نوع داستان‌است ــ داستانی که باید نشانه‌های دقیقی از رئالیسم داشته باشد ــ فاصله می‌گیرد ولی پیداست‌که به‌جزییات توجهی شده‌است ... اما می‌بینیم‌که زندگی مطرح شده در «حسن‌سیاه» با اینکه به‌جنبه‌های لازم‌آن توجه‌شده به‌دلیل عدم شناخت کامل افراد جامعه، آنطورکه بایدوشاید وضعیت دقیقی ازاین زندگی را بروز نمی‌دهد . زندگی که در فیلمهای «کریمی» به‌شکل زنده وجانداری تجسم می‌یابد ، این‌بار تصنیفی ، ضعیف وبی پی‌وپایه بنظر می‌رسد . این نشان می‌دهدکه ساختن فیلم‌تنها شناختن زاویه و لنز دوربین نیست ، بلکه فیلمسازی احتیاج به‌جوشش فکری و جوهری دارد که درهرکسی وجود ندارد .

فیلم «حسن‌سیاه» مثل فیلمهای تبلیغاتی متعددی است که گرد یك‌موضوع خاص بگردند ودنبال هم‌ردیف شوند تا شکل‌یك‌فیلم طویل راپیداکنند ، یعنی بهیچوجه تداوم یك‌فیلم کامل در آن‌موجود نیست واین طبعا اثرهمان عدم‌ذوق کارگردانی درفیلم است که ناشناخته ماندن جامعه رانیز شامل می‌شود . درواقع اگر مسایلی‌که‌در فیلم حاضر مطرح‌است درعرض نزدیك یکساعت و سه‌ربع ساعت‌مطرح می‌شود، این‌مسایل راخود کریمی می‌توانست درعرض نیمساعت بیان کند ، البته جدا ازساز وآواز ورقص‌کمر که دقایق زیادی ازفیلم را پر می‌کند ...

در واقع پرداخت ابتدایی و اولیه‌ی این‌فیلم ، ایده‌یی راکه می‌توانسته ایده‌ی خوب ودر خور توجهی بنظربرسد ، ازبین برده است واین‌البته ازجانب کسی‌که می‌خواهد بعداز ساختن دهها فیلم تبلیغاتی یك‌فیلم طویل بسازد ، چندان بعید ومتعجب کننده نیست .

اما مردم ازتماشای این‌فیلم می‌خندند وگاه ، ازته‌دل می‌خندند وازهمان ابتدا پیداست‌که فیلم می‌خواهد یك‌اثر کمدی‌باشد ولی می‌بینیم‌که «حسن‌سیاه» دراین مورد موفقیتی بدست نمی‌آورد ،چون درفیلمهای کمدی آمیخته‌یی ازحرکات و گفتارهاست که ایجادخنده می‌کند ومعمولا درفیلمهای خوب کمدی این‌حرکات و گفتار چنان درهم آمیخته ومرکب شده‌اندکه ترکیب آنها اولا غیرممکن بنظر می‌رسد وثانیا باعث می‌شودکه فیلم ، ازاصل ، ازریشه وچهارچوب آن مورد بررسی وارزیابی‌قرارگیرد. درحالی‌که در «حسن‌سیاه» دیالوگها وحرکات در خدمت هدف خاصی قرارنمی‌گیرند وهریك برای خود تاثیراتی جداگانه می‌گذارندکه طبعا به‌فیلم لطمه وارد می‌آورد واین مورد طبعا به‌خاطر عدم وجود ذوق کمدی اصیل و واقعی در «پرویز اصانلو» کارگردان این‌فیلم‌است .

«حسن سیاه» فیلمی‌است که می‌خواهد کریمی را در قالب یك شخصیت‌تازه ، داشته‌باشد . که‌مورد اخیر هم‌از جهت تیپ و لباس کریمی پیداست وهم‌از بعضی حرکاتش . ولی‌پیداست که «اصانلو» متکی به‌حرکاتی از «کریمی» بوده‌که در فیلمهای خود کریمی‌توفیق داشته‌است ونتیجتا پرسوناژی که‌کریمی ارائه‌می‌دهد ترکیبی است از یك‌سری ایده‌های ناآشنا وایده‌هایی‌که براثر فیلمهای قبلی کریمی شناخته شده‌اند . با اینحال نصرت‌کریمی بازهم خودرا به عنوان یك بازیگر مسلط وقادرنشان می‌دهد ونگفته پیداست‌که این تسلطوقدرت بازیگری نتیجه‌ی کارخود این « بازیگر ــ کارگردان» است‌که ریشه ازفیلمهای گذشته‌اش دارد .

بعداز «کریمی» به‌عنوان یك‌بازیگر خوب درفیلم ، باید از فخری خوروش نام‌برد که‌مثل همیشه کاراکتر محوله را خوب‌شناخته وازکلیه‌ی امکاناتی‌که به‌اوداده شده تاحرکات خود راکنترل کندبرای هرچه بهتر ارائه‌دادن این شخصیت کوشش‌داشته است و می‌بینیم که پرسوناژی‌که خوروش زنده‌می‌کند تاآن‌حد که به‌بازیگر مربوط می‌شود قابل شناخت وبررسی است .

«مهناز» هم‌از آنچه که‌قبلا بوده وآن حرکات شادی که در فیلمهای تبلیغاتی وسینمایی‌که بازی کرده ، داشته ، فاصله‌یی‌نگرفته و دقیقا همان است که بارها بوده و بازی «اردوان مفید» نشانه‌هایی ازیك استعداد دارد .

موزیك متن فیلم را «فرهنك شریف» ساخته‌است . به‌امید آن روزکه «عبادی» یا «تاکستانی» یا «یاحقی» یا «کسایی» (که نی می‌زند!) نیز روزی موسیقی متن‌فیلم بسازند !

پشت پرده

هفته فیلم ایران در پاریس

● از دوم تا هشتم آذر ماه با نمایش فیلم « بادصبا » اثر « اکبر لاموریس » در سینما تك پاریس ، هفته سینمای جوان‌ایران در پاریس آغاز خواهد شد و پس از آن فیلم های گاو (مهرجوئی)، رگبار (بیضائی)، داش آکل (کیمیائی) آرامش در حضور دیگران (تقوائی) تپلی(میرلوحی) پنجره (مقدم) در سالن لینکلن الیزه (شانزه‌لیزه) و سالن لوراسین (کارتیه لاتن) نمایش داده خواهد شد .

جمع فروشها

● با فروشی که در شبهای اخیر فیلمهای گروهبان ، حسن سیاه و جهنم باضافه من مینمایند جمع فروش این سه فیلم که در روز های نخست رقابت فشرده‌ای داشتند در پایان هفته دوم به این ترتیب خواهد بود : گروهبان۹۰۰ هزار تومان ، حسن سیاه ۷۵۰هزار تومان و جهنم باضافه من ۶۵۰ هزار تومان‌ـ نمایش فیلم پستچی در هفته چهارم‌همچنان با موفقیت‌ادامه دارد این فیلم در سه هفته نخست نمایش خود تنها در سینما کاپری ۴۰۰ هزار تومان فروش نموده است .

تذکر

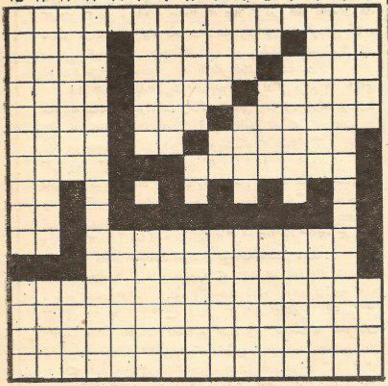
در رپرتاژی که از پشت صحنه عاصی دو هفته قبل چاپ شده بود ، نام هنرپیشه‌ای که از بام سقوط کرده بود «جلال» است که پس از دو هفته بستری شدن در تهران بهبود یافته است .

مسابقات

جدول اسکار

طرح از : فتح‌الله بنی‌اسدی (شهری)

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵



عمودی

۱ ـ ستاره سکسی سینمای ایران که بافیلم «دنیای پرامید» به سینما راه یافت ـ دومین ساخته‌فیلم سینمائی اسماعیل نوری‌علاء ۲ ـ هنرپیشه ایرانی و بازیگـرفیلم «ولگرد قهرمان» ۳ـ فیلمی بکارگردانی امیرشروان با شرکت «حبیبی» ـ ستاره فیلم «کلبه‌ای آن سوی رودخانه» ٤ ـ هنرپیشه‌سریال تلویزیون و بازیگر فیلـم «یك چمدان سکس» ـ فیلمـی‌آماده نمایش با شرکت «آرمـان و ارحام صدر» ۵ ـ عنوان فیلمی‌با شرکت «بهمـن مفید ، ناصـر ملك‌مطیعی» ـ فیلمی ساخته علی‌حاتمی ـ پرویز صیاد در این‌فیلم در دو نقش ظاهر شد ٦ـ فیلمی که چندی پیش بکارگردانی «صابر رهبر» روی اکران آمد ـ فیلمی‌با شرکت «بهروز وثوقی ، منوچهر نـرید» ـ هنرپیشه‌ایکه بخاطـر نیلم «دنیای آبـی» جایزه سپاس گرفت ۷ ـ عنوان فیلمی باشرکت «رضا بیك‌ایمانوردی، حسین‌گیل» ـ ... سایه خطرناك فیلمی‌محصول‌عصر طلائی ـ ستاره خارجی که در فیلم «مرد افکن» شرکت‌داشت ۸ـ خـواننده‌ایکه چـندی پیش همکاریش را با منوچهر نـوذری‌قطع کرد ـ ... کیلو داماد اولین فیلم بهروز وثوقی ـ اکتـریس‌فیلمهای «زن باکره ودرشکه‌چی» ۹ـ فیلمی اقتباس از روی داستان‌صادق هدایت ـ رقاصه فیلم «سه قاپ» ۱۰ ـ فیلمی بکارگـردانی‌محمد متوسلانی باشرکت سه‌تفنگدار ـ کارگردان و تهیه کننده فیلـم «شب‌اعدام» ۱۱ ـ ستاره‌ایکه در فیلم «طوفان نوح و قسمت» شرکت داشت ۱۲ـ فیلمی بکارگـردانی ایرج قـادری با شرکت «بیـك یمانوردی و پوری بنائی» بـدون حرف آخر ۱۳ ـ فیلمی رنگی از سه چهره معروف «ناصر ملك‌مطیعی محمدعلی فردین ، فـروزان» ـ کمدینی که با فیلم پنجمین‌ازدواج به‌سینما آمد ۱٤ ـ ستاره فیلـم «میلیونر فـراری» ـ استودیـو مجهزی که رضا بیك‌ایمانـوردی‌تاسیس کرده است ۱۵ ـ چنیـن فیلمی را غلامرضا سرکوب تهیـه‌کرده است ـ فیلم «پنجره» بـا شرکت بهروزوثوقی، نوری‌کسرائی محصول این سازمان بود .

طرح مسابقه از : ناصر حیدر تامینی

مسابقه تازه و ابتکاری

گربه پنج دم

● از دو شماره پیش‌مسابقه‌تازه‌ای را آغاز کرده‌ایم تحت عنوان «گربه پنج‌دم» . شرح این‌مسابقه بدین صورت است که‌خلاصه داستان یکی از فیلم‌های معروف‌نمایش داده شده ایرانی را نوشته وشما بایستی با مطالعه آن **نام‌فیلم‌ـ نام تهیه کننده ـ نام کارگردان ـنام سناریست یا فیلمبردار و نام‌هنرمندان آن را برای ما بنویسید.**

پاسخ های صحیح مسابقه‌بایدباآدرس دقیق و یك‌ریال تمبر باطل نشده همراه باشد .

جوایز این مسابقه که مـدت‌چهار هفته بطول خواهد انجامید برای هرهفته عبارتست از : یك‌ساعت مچی مردانه ـ یك‌خودنویس ـ۵ بلیط لژ سینما برای برندگان‌تهران و ۵جلد کتاب برای‌برندگان شهرستانها .

اینك مسابقه این هفته

او مردی بود که دردهکده‌ای که‌اهالی آن سخت پایبند خرافات ودعا بودند بکلاشی مشغول بود ودخترش نیز که حالا زیبا وجوان شده بود با او زندگی میکـرد .اما ناگهان ورود دکتر تحصیلکرده بده زندگی او را برهم زد زیراوضع خود را در خطر میدید . دختر خود را مامور کرد که بخانه‌دکتر رفته وبرای او خبر بیاورد. از طرف دیـگر او به خـواهر کدخدای ده تعلق خاطری داشت‌و پیوسته میکوشید که او را بطرف‌خود کشد . در هرحال آنچه نباید بشود ، شد و دخترك عاشق دکتر تحصیلکرده شهری شد و باودوای محبت خوراند .

از طرف دیگر او که سخـت‌وضع خود را در خطر میدید بـا کشیدن نقشه‌های گوناگون در صدد برآمد دکتر را از ده بیرون کند او بایك حادثه همه‌چیز را روشن‌کرد ودر پایان او از دعانویسی و جادوگری دست کشیده زندگـی‌آرامی را با خواهر کدخداشروع کرده ، درحالیکه دخـترش نیـز بهمسری دکتر ده درآمده بود .

جداول شما رسید متشکریم

محمد جواد کازرونی(تهران) ـ احمد پسته‌ای (اصفهان) ـمحمد حسین خالقی (اهواز) ـ مصطفی‌پاشازاده ـ فتح‌الله بنی‌اسدی(شهر ری) ـ حسین کوکائی (یزد) ـهوشنك گلمگانی (مشهد) ـ محمد حسین خلیلی (اراك) ـ مرتضـی کسائی (اهواز)ـ مسعوداسماعیلیان (اهـواز) ـ مجتبی امـیدواری (اصفهان) ـ حمید حسینقلی‌زاده (شیروان) ـ ابوالفضل خلیلـی (اراك) ـ قربانعلی صمد خسروی (تهران) ـ محسن خوش پیمـان (دورود) ـ فـرهاد مـحرابـی طالقانی .

تذکر

برندگان مندرج در شماره‌قبل مجله مربوط به شماره ۴۰۴ بود که متاسفانه در شماره ۴۰۸مجله که نام برندگان ۴۰۳ چاپ شده بود ، اشتباها ۴۰۴ معرفـی‌گردیده بودند .

دراین‌شماره برنده‌ای نخواهیم‌داشت و هفته آینده برندگان‌مسابقه جالب هفت در هفت معرفی‌خواهندشد .

پاسخ سردبیر

تهران — آقای علی‌جان‌پور

۱— بارها نوشته‌ایم که اگر مطلبی بدست ما برسد و موردقبول واقع شود چاپ میگردد حتماً مطلب شما را دریافت نکرده‌ایم ۲— عکس و مطلب سعید راد را دراین شماره‌ملاحظه میفرمائید واز ذکریا هاشمی نیز درآینده ۳— میزانسن یك لغت فرانسه است و قرارگرفتن بازیگران روی صحنه معنی میدهد. مونتاژ سرهم کردن فیلمهای گرفته شده به اساس داستان فیلم است و میکساژ بمعنی تداخل است و در سینمامقصود تداخل‌گفتار هنرمندان موزیك و افکت فیلم با یکدیگر است .

شاهپور — آقای راجند مجید زاده

برای ایجاد نمایندگی در شهر شما اقدام می‌کنیم و عکس سادنا ستاره هندی را این شماره ملاحظه میفرمائید .

تهران — آقایان وارطان آوانسیان و دوستان

۱— از این اتفاقات در هر نشریه‌ای روی میدهد ما نیز چاپ یك‌سئوال‌را ازهمه شرکت کنندگان در مسابقه قبول کرده‌ایم ۲—بزودی با تغییری که در فرم فیلم و هنر داده خواهد شد ، حتما تمام تابلوها برای اولین بار چاپ خواهد شد صحبت داشت که برطرف شد .

آقای بهزاد کامکار

۱— فاضلی با فروزان‌تاکنون در فیلمی همبازی نبوده است ۲— اولین فیلم وجستا (الماس ۳۳) آرمان (بازگشت) ایلوش (امیرارسلان نامدار)— فرانك‌میرقهاری (تپه عشق) توتیا (آبشار طلا) توران مهرزاد (تنگه اژدها)مجید محسنی (خوابهای طلائی) رضا فاضلی (بامعرفتها) روفیا (امیرارسلان نامدار) بود ۳— منوچهر صادقپور قبل از ازدواج با فریده نصیری در فیلمی شرکت نکرده بود .

بندر بوشهر — آقای حسین خزان

۱— کتابهائی‌که بعنوان‌جایزه داده می‌شود از بهترین آثار ادبی جهان است و جنبه سینمائی ندارد ۲— فیلمبردار در انتخاب زاویه ، تعیین محل دوربین ، تنظیم نور صحنه نظارت و دخالت دارد و از جنبه تکنیکی همه مسئولیت ها به گردن او است .

تهران — آقای مصطفی قریشی

۱— قطعا تمام آثاری کسینما کاپری‌بنمایش درمی‌آورد‌کاندیدای سپاس خواهند شد ۲—تمام فیلمهای سینما کاپری احتمالا در شهرستانها نمایش داده خواهد شد و این بستگی باقبال دارد که اهالی آن شهر از آن بعمل آورند ۳—به‌فیلم شیربهاء اخیرا پروانه نمایش صادر شده و تا پایان امسال نمایش داده می‌شود .

همدان — آقای احمد نظری

۱— اطلاعی نداریم که هنرمندان هندی بنامه‌های شماجواب خواهند داد یا نه ، احتمالا اگر بزبان انگلیسی بنویسید ممکن‌است پاسخ‌دهند ۲— نشانی‌جدید راجندرا کمار را نداریم ۳— برای بوتیمار بآدرس استودیو آر . بی (خیابان شاه — کوچه مرجان — کوی عطارد) نامه بنویسید .

اصفهان — آقای محمدعلی خسروی

۱— تهیه فیلم طاهر فعلا منتفی شده است ۲— پرخرج‌ترین فیلم امسال جهنم + من است که دوازده میلیون ریال خرج تهیه‌آن شده است ۳— پارس فیلم از جهت وسائل و بودجه برسایر استودیوهائی که نامبرده‌اید مزیت دارد .

خانم فریبا پیمانی — هایده پیمانی— زهره‌محمدی —شمسی محمدی

رویدادها

رحیم خوشگله

● روبیك زادوریان سازنده‌ی فیلم احساس داغ و مدیر عامل استودیو هاملت فیلم در صدد ساختن فیلم تازه‌ای است موسوم به «رحیم خوشگله» که سناریوی آن براساس پاورقی یکی از مجلات هفتگی تنظیم یافته است.

احتمالا نقشهای اصلی این‌فیلم را که «علیرضا طالبی» نیز درتهیه آن باروبیك سهیم خواهد شد ناصر ملك‌مطیعی، زری خوشکام وبهمن مفید بازی خواهند کرد.



● ناصر ملك مطیعی ، پوری بنائی و منوچهر وثوق در صحنه‌ای از فیلم «عاصی‌ها» از «تینا فیلم»

گوگوش در بدبیار

● هفتـه گذشته قراردادی فیمابین گـوگوش و رضـابیك ایمانوردی تهیه کننده فیلم «بد-بیار» منعقد گردید تا عهده‌دار نقش ستاره اصلی این فیلم شود. گوگوش بعداز بازی در فیلم «بی‌تا» قرار-داد بازی در فیلم تازه‌ای را منعقد نکرده بود واین بخاطر مسافرتهای پی‌درپی او و همچنین افـزودن دستمزدش برای بازی در فیلمهـا بود.

در بدبیار که سازنده‌ی آن فخامی و فیلمبردارش قاسمی‌ونـد است پرویز کاردان ، گوگوش ، رضا کرم‌رضائی ، صادق بهرامی و شیراندامی شرکت دارند . این فیلم محصولی است از استودیو آربی که فیلمبرداریش تا چند روزدیگر آغاز خواهد شد.

سراب

● حسین واثقی سازنده‌ی موزیك متن بسیاری از فیلمهـای ایرانی اینبار در قالب تهیه کنندم اقدام بتهیه یك فیلم نیمساعته نموده است موسوم به «سراب» که کار-گردانی‌آنرا «داریوش باغبان‌منش» و فیلمبرداریش را «شهروز» کـه هردو از جوانان تحصیل کـرده هستند انجام داده‌اند . دراین فیلم که بطور رنگی تهیه شده و واثقی برایش موزیك متن ساخته است سعید یکتا ، دهقان زهره، نریمان و عده‌ای هنرپیشه آماتور دیگربازی کرده‌اند.

جلیلوند و تینافیلم

● چنگیز جلیلوند دوبلور باسابقه که‌چندی پیش مصمم بود با همکاری سیبرا فیلم فیلمی بـنام «طاهر» باشرکت بهروز وثوقـی تهیه نماید بعداز منتفی شدن فیلم مزبور اینك تصمیم دارد با همکاری تینا فیلم در فروردین ماه ۵۲ فیلمی تهیه نماید که نقشهای اصلی آنرا ناصر ملك‌مطیعی و بیك‌ایمانوردی بازی خواهند کرد . این فیلم نیز فعلا ناجورها نام دارد.

عروس و مادرشوهر

● هفته آینده فیلمبرداری محصول تازه یزد فیلم موسوم به «عروس و مادرشوهر» که‌سناریست و کارگردان آن جواد طاهـری سازنده‌ی فیلمهای عزیز قرقی و نواب» است توسط علی صادقی آغاز خواهد شد. دراین فیلم که درتهران و شمال تهیه میشود منوچهر وثوق میری، اسداله یکتا ، بهمنیار ، مهری ودادیان و احتمالا فرزانـه تائیدی ، پروین ملکوتی و آرمان شرکت دارند. عروس و مادرشوهر را محمدعلی بندانی تهیه خواهد کرد.

ماجرای طاهر

● مهدی مصیبی قبـل از مسافرت ناگهانیش تصمیم داشت فیلمی بنام «طاهر» باهمکاری‌چنگیز جلیلوند تهیه نماید که حتی‌اکیپ بازیگر و سازنده‌ی آن قرار بود بشیراز بروند ولی بعد از مسافرت مصیبی تهیه این فیلم که سناریوی آنرا «ایرج رضائی» نوشته منتفی شد.

اکنـون با استفادم از نام «طاهر» قدرت‌الله‌بزرگی دردیاموند فیلم تهیه فیلمی را آغاز کرده‌است و از طرف دیگر سناریوی طاهررا که قرار بود مصیبی تهیه نماید شخصی بنـام «حسنعلی شریفی» خریداری و در نظر دارد فیلمی از روی آن تهیه نماید.

برنامه‌های عیدقربان

● گروه نیاگارا برای‌برنامه عید قربان خود فیلم «تختخواب‌سه نفره» محصول رنگی آس فیلم ، گروه رکس ، آسیا فیلم ناخـدا محصول شرکت سهامی سینماتئاتر رکس و گروه اونیورسال فیلـم جنگجویان کوچولو محصول رنگی پارس فیلم را در نظر گرفته‌اند.

در تختخواب سه نفره کـه سازنده‌اش نصرت کـریمی است ، نصرت کریمی ـ ایرن، شهرزاد ، جهانگیر پارساخو ، لرتا، دیانا و توران مهرزاد شرکت دارند. در ناخدا که سازنده‌اش امیـرشروان است ناصر ملك‌مطیعی ، فروزان، ماشینچیان ، شهناز ، رحیم‌روشنیان احمدمعینی ، دهقان و منوچهـر وثوق شرکت دارند ودر جنگجویان کوچولو که سازنده‌ی آن دکتـر اسماعیل کوشان است ایلـوش . وجستا، کریستین پاترسون، اردوان مفید، بهمنیار، حامدی ، صابـر ←

عکس عارف را چند شماره قبل روی جلد مجله چاپ کردیم ، منتظر بازگشت او از آمریکاهستیم تا عکسهای تازه‌تری چاپ کنیم .

اصفهان ـ آقای حسن کریمی

۱ـ نماینده فیلم و هنر در اصفهان آقای کریم شفیعی (خیابان شیخ بهائی ـ پاساژ روغنی ـ دفتر نمایندگی جراید) است ۲ـ آخرین فیلم بیك ایمانوردی گدای‌میلیونر است که در پارس فیلم آغاز شده ۳ـ دستمزد منوچهر وثوق در زن یکره چهارصد هزار ریال بوده است .

تبریز ـ آقای علیرضا جواد نیام

۱ـ بالاترین دستمزد بهروز وثوقی یکصد و ده هزار تومان بوده برای بازی در فیلم بلوچ ۲ـ فروش فیلمها را هرهفته می‌نویسیم ۳ـ موزیك منفردزاده در تپلی بمراتب بهتر از بلوچ بود . صفحه نظر ها از صفحات خوب و پر‌طرفدار مجله است و ادامه دارد .

اصفهان ـ آقای غلامعلی گل کار

۱ـ فیلم مردی در آینه اصلا آغاز نشده است ۲ـ فیلم گدای میلیونر با شرکت بیك‌ایمانوردی‌ـ شهناز تهرانی و ساسان شروع‌شده است ۳ـ دستمزد بیك‌ایمانوردی‌با تیپ مخصوصی که در فیلم بابانان داد داشت یك میلیون و سیصدهزار ریال است .

یزد ـ آقای تقی تقی‌زاده

از طرف ساسان از شما که دارای چنین علاقه‌ای باو هستید متشکریم ـ اگر فیلم و هنرفیلمی خواست تهیه کند حتما از وجود وی استفاده خواهد شد .

سبزوار ـ آقای شاهین‌پور

۱ـ ژاله کاظمی در فیلمها بجای فروزان صحبت میکند ۲ ـ سرگروهبان طی دو هفته نمایش‌در حدود هشت میلیون ریال ، حسن سیاه هفت میلیون ریال و جهنم+من شش میلیون ریال فروش داشته‌اند ۳ـ نه ، زرین دست سینما را ترك نکرده و خبر فعالیت های او را در فیلم و هنر ملاحظه میفرمائید .

یزد ـ آقای حسین کوکانی

ناصر ملك‌مطیعی در فیلم عاصی و بیك ایمانوردی در فیلم گدای میلیونرشرکت دارد .ملاحظه می‌کنید که سعی میکنیم نام فامیل شما را که کوکائی است صحیح چاپ کنیم ، اگر در گذشته‌اشتباهی پدید می‌آمد از چاپخانه بود .

تهران ـ آقای‌رحیم اصفهانی ـ ناصر شادرجبیان ـ عباس علی نیا

۱ـ میتوانید فیلمهای ۸میلی متری خود را بسینمای آزاد ارائه دهید تا در جشنواره خود شرکت دهند ۲ـ حداقل تهیه یك فیلم نیم‌ساعته ۱۶ میلیمتری ۵۰ هزار ریال است ۳ـ فیلم وهنر بکسی کارت خبرنگاری نمیدهد .

شیراز ـ آقای فرزاد اسدی

برای حسین حسینی بآدرس خانه هنرمندان ایران (تهران ـ خیابان سزاوار) نامه ارسال‌دارید. «سنترفیلم» نیز از ابتداء آدرسی نداشت‌که برایتان بنویسیم‌ومتاسفانه با آنکه چندین بار در این صفحه نوشته‌ایم که خوانندگان گول این سازمانها را نخورند ، معهذا بازهم کلاه سرشان میرود و بیخود پول میدهند .

اهواز ـ آقای شکرالله تقوی زاده

از برت‌لنکستر درتهران‌فیلمی برای نمایش موجود نیست .

مرند ـ آقای‌سیدمرتضی‌حسینی

اگر واقعابهروز وثوقی‌هنرپیشه پولسازی بود که مانند ملك‌مطیعی یا بیك ایمانوردی یا کریمی درطی سال در ۷ یا هشت فیلم شرکت میکرد ، در حالیکه عدم علاقه تماشاگر عادی که‌بدیدن فیلم‌ایرانی میرود سبب شده در سال بیش از یك یا دو فیلم بازی نکند .

خانم روح‌انگیز محیطی‌فر

بچشم از وفا سعی خواهیم کرد عکس و مطلبی در مجله داشته باشیم .

آقای منصور روستا

۱ـ داریوش طلائی فعلا فعالیت سینمائی ندارد که ما از او عکس و مطلبی چاپ کنیم بعلاوه از آدرس وی نیز بی‌اطلاعیم ، امیدواریم بزودی بتوانیم نظر شما دوست عزیز را تامین و با ایشان ملاقات و عکس و مطلبی تهیه کنیم ۲ـ پشت صحنه سرجوخه‌جبار را سه شماره قبل ملاحظه کردید ۳ـ فعلا از فردین فیلم سرجوخه جبار در دست تهیه است و فیلم بعدی او مشخص نیست .

نظرها

بلوچ
محکوم شدن جامعهٔ شهری

● بلوچ مسعود کیمیایی را می‌توان همان رضاموتوری وقیصر او دانست البته در قیافه‌ای دیگر بااین وجود این آخرین ساخته او می‌تواند پله دیگری باشدبرای‌فیلم بعدی او ــ چه ، اینکه بلوچ او یك قدم از رضا موتوری و قیصر جلو است ولی متاسفانه بلوچ مسعود از ساخته قبلی‌اش قدری پایین‌تر است ــ در داش‌آکل ما ضعف‌های کمتری را از او مشاهده کردیم ولی در بلوچ سستی‌هایی بود که از این کارگردان ما بعید می‌نمود ــ فیلم بانمایی از یك مترسك شروع می‌شود که‌این‌خود گویای حرفهایی است ــ و بعد رسیدن قطـار و شکستن سکوت صحرا و عبور یك بلوچ و شترش از روی ریل است که کاملا محیط را در انتظارواقعه‌ای قرار می‌دهد ــ صحنه تجاوز امیر (فرید) به لیلا بسیار صحنه جالبی بود چون تحرك دوربین انسان را کاملا در جریان حادثه قرار می‌داد

ــ در قسمتی دیگر ازفیلم بلـوچ از یك جوان متجاوز سیلی می‌ـ خورد ولی نمی‌تواند اعتراضـی بکند و ما بادیدن پرچم آمریکا در پشت آن جوان متجاوز سمبل یك نوع تجاوز را به‌خوبی مشاهـده کردیم ــ فیلم ضعف‌های سطحـی بسیاری داشت از آن جمله صحنه مضحك تیر خوردن فـرنگیس و بیرون آمدن او با آن وضع‌مصنوعی دیدن بلوچ و آن‌مرد بلوچ در آن بالای شهر و پیدا نمودن خانه‌ای که همسرش در آن به فساد مشغول بود به آن آسانی که انگار یك آدرس سرراست است ــ مهمترین امتیاز فیلم مسعود کیمیایی بازی بهروز وثوقی است که کاملا بانقش فیلمش زندگی کرده و بعد به‌ترتیب ــ فیلمبرداری و موزیك و بازی دیگر هنرپیشه‌ها قرار می‌گیرد ــ حرف آخر اینکه بلوچ می‌توانستند زنده‌ای باشد در محکوم نـمودن جامعه شهری که‌با فساد همراه‌است‌ـ ما بااشتیاق منتظر دیگر ساخته این فیلمساز خوب هستیم.

محسن هریوندی (گناباد)

« پستچی »
بازشناسی اجتماع

● مهرجویی اینبار دست برموضوعات کاملا انسانی وجهانی «فقر ، سیاست ، استعمار وتبلیغات و...» گذارده و با پرداختی چون گذشته، ماهرانه و زیبا فیلمی درسطح بین‌المللی ساخته که کوشش اورا در شناخت وبازشناسی اجتماع وجامعه‌ای راکه درآن‌زیست میکند به‌نحوی بسیار شایسته بیان میدارد

دوربین مهرجوئی کاوشگری‌عمیق در روحیه و بیان احساسات قهرمانان فیلم است که انسان راباتصورات و ذهنیات خویش آشنا میسازد.

کاراکـتر «پستچی» بـرای‌مهرجوئی یك وسیله‌کاملا صادقانه وبشر دوستانه است‌که بوسیله‌لحظات‌وبرخورد او بااطرافیان میتوانسد «آنچنان که خواست» حقـایق و واقعیت را بطور جدی بیان کند.

در پایان نیز یادی است از بـازی‌های درخشان نصیـریان ، انتظامی ، فرسی و بقیه . و نیـزموزیك خوب فرهت ، فیلمبرداری عالی بهارلو وسپاسی از مهرجوئی.

«بیژن‌کوچکپور»

راز کیهان
بازگشت به‌آغاز

● راز کیهان جزوآندسته از معدود فیلمهائی است که باید بارها دید و اندیشید تا به عمق مسئله و زیبائی طرح آن پی‌برد و به‌کارگردان خالق آن که درمقابل فیلم اسپارتاکوس این چنین فیلم خوبی ساخته آفرین گفت . درست است‌که کوبریك‌انگشت به‌موضوعی گذاشته که به ظاهرا مربوط به آینده هست اما شاید بتوان گفت به‌زندگی انسانها مربوط می‌شود و ازهمه مهمتر به قرن معاصر که این موضوع در همه قرنها زندگی‌ها زیر چرخ‌های ماشین خورد می‌شود . بشر روزیکه به وجود آمد آرام بود و می‌توانست تا حدودی خود را اداره کندولی اندکی بعد کشفها و اختراعات آرامش اورا بهم زد و وی به‌جای استفاده مثبت ازآن ، در پیشبرد خواستهای نفسانی خود از آنها سود بردو باعث ازهم پاشیده شدن زندگی همنوعان خود شد . در ابتدای فیلم سکانسی مسحورکننده ما را با حوادثی که ذکر شد آشنا می‌کند . یکی از انسانهای نخستین پی‌می‌برد که با وسیله‌ای می‌تواند حیوانات دوروبر خود را از پای درآورد و بخورد و بعدها که این سلاح تکمیل می‌شود از آن‌به‌عنوان ستیزه‌جوئی بهره می‌گیرد و دراین میان ستونی تماشاچی را متوجه خود می‌کند و آهنگی به گوش می‌رسد که بعد از ترسیم بشر ابتدائی (در این قسمت دیزالوها بسیار سنجیده بودند) و به هنگام پرداختن به‌انسانهای بعدی که علمی پیشرو دارند . این ستون در میان آنها گنجانده شده و همان آهنك نواخته می‌شود تا ارتباطی که بین وقوع يك حادثه در دو زمان مختلف وجود دارد واضح شود .

بشری‌که می‌توانست باآرامش زندگی کند در اثر پیشرفت زیاد علم خود را می‌بازد ودر چنگ افکار خود اسیر می‌شود و به خیال یافتن خالق کاینات‌راه‌آسمان را در پیش می‌گیرد برای خود رهبری از آهن می‌سازد و او که نه‌حس دارد و نه طپش قلب ! با کمال بیرحمی یکی از فضانوردان رادر آسمان لایتناهی رها می‌کند و باهمه اقتدارش که حتی می‌توانست از پشت شیشه گفتگوی‌دو جوان فضانورد را دریابد بدست خود بشر از کار می‌افتد و این درست بعد از قتل آن جوان روی می‌دهد چرا که بشر بازیچه شده ، آنهم بازیچه دست موجودی که خود ساخته‌است . جوان زنده دست به‌کار خطرناکی می‌زند و اراده می‌کند که آن غول آهنی را از سفینه جدا سازد به همین منظور مهره‌های مخصوصی را می‌پیچاند که آنها کم‌کم‌عقل مغز الکترونیك را ازکار می‌اندازند و سرانجام سفینه جدا ازآن به راه بی‌نشان خود ادامه می‌دهد . آنقدر می‌رود که جوان سرسام می‌گیرد . ناشناخته‌ها را می‌شناسد و وقتی به‌اوج می‌رسد دیگر آدم نیست . زیرا وجود او عوض شده است . دوربین فیلمبرداری پشت سرهم چشم مرد را نشان می‌دهد ، رنك‌ها در تغییرند و هنگامیکه رنك چشم تیره می‌شود دیگر چشمی با رنك دیگر نشان داده نمی‌شود ستاره‌ای منفجر شده سفینه‌ای مذاب گردیده واین چشم تیره گویی همان چشم انسان ابتدائی است ... منحنی زندگی بشر به‌نقطه آغاز منتهی می‌شود ولی هنوز ماه و ستاره و خورشید وجود دارند و وجود خواهند داشت ، آری این است‌راز کیهان . رازی که استانلی‌کوبریك به‌نحواحسن آن را مطرح نموده است .

بهرام عظیم‌زاده قره‌باغی
(تبریز)

گزارش فیلم

اشاره : چندی پیش قولی‌داده بودیم که ازاین پس ، به نقد و بررسی فیلم‌های ایرانی خواهیم‌پرداخت و این کار را هم با نقد فیلم «سرکار غضنفر» به مرحله‌ی‌اجرا درآوردیم . و بعد چند هفته‌یی در این کار وقفه افتاد .دراین فاصله تلفن‌های متعددی به دفتر مجله شد و نامه‌های زیادی‌بدستمان رسید که ضمن آن پرسیده می‌شد چرا این کار ادامه نیافت.حقیقتش این بود که بعد از«سرکار غضنفر» فیلم قابل توجهی روی‌پرده نیامد وادامه‌ی آن رامموکول شد به برنامه‌های بعد از «عیدفطر» که فیلم‌های نسبتا بهتری برای آن‌ایام در نظر گرفته شده‌بود ... در این هفته ، به ارزیابی فیلم‌های «جهنم + من» و حسن‌سیاه پرداخته‌ایم که فیلم‌های متمایزی هستند و هفته بعد نیز «سرگروهبان» را نقد می‌کنیم .

جهنم + من



محصول سازمان فرودین فیلم ــ کارگردان: فردین ــ هنرپیشگان: فردین ــ پوری بنائی ــ شیراندامی ــ فرزانه تاییدی ــ کهنموئی ــ عبدی ــ تهرانچی و داود رشیدی .موزیك از مرتضی حنانه ــ داستان و سناریو از : سبکتکین سالور ــ فیلمبردار : مصطفی عالمیان ــ به طریقه رنگی ــ تهیه کننده: محمدعلی فردین .

***

«سبکتکین سالور» از قصه‌نویسان با سابقه‌ی مطبوعات است و کار او بیشتر در زمینه‌های‌تاریخی‌و مذهبی‌شناخته شده است ...سالور در داستان‌هایی که نوشته بیشترخود را متوجه مسایل اقلیمی و فرهنك خاص مردم در یك نقطه‌ی‌بخصوص نشان داده است . و حالا این نویسنده‌ی با سابقه برای‌تغییردادن در فرم کار فردین وبوجود آوردن فرم قصه‌یی تازه‌یی که‌قهرمانی در قالبی جدید داشته‌باشد، به‌کار گرفته شده است ... درواقع‌حسی که فردین نسبت به موقعیت خود داشته ــ این حس که بایدبعد از مدتی در کار تغییر شکل ایجاد کرد ــ حس درست وبجایی بوده‌است .

و می‌بینیم که قصه «جهنم+من» در میان فیلم‌های متعارف ایرانی شکل و قالبی نو دارد .

***

داستان از آنجا شروع می‌شود که عده‌یی به ترتیب وارد یك گاراژ می‌شوند تا به قصد سفرخراسان و زیارت ، سوار یك اتوبوس شوند ... این افرادعبارتند از یك زن و شوهر که مرد یك مرد مذهبی متظاهر نزول خوار‌است و زن ، زنی که بچه‌یی حرام درشکم دارد (عبدی و نازنین)...یك زن روسپی (فرزانه تاییدی)، یك‌جانی (شیراندامی) یك‌درویش‌علی الهی (کهنمویی) و زن ومرد جوانی‌که قصدزیارت دارند(فردین‌و پوری بنایی). در این میان ، راننده‌ی اتوبوس و کمك راننده‌هم قراردارند .

اینها تمام افرادی هستند که‌در فیلم مطرح می‌شوند ... هریك ازاین افراد ، در زندگی خودگناههای متعددی‌را مرتکب شده‌اند و قصد توبه دارند . و هریك‌ضمن ماجراهایی که پیش می‌آیدبالاخره کفاره‌ی گناهان خود را پس می‌دهند .

این داستان مشابهت عجیبی‌به‌داستان «محلل» اثر صادق‌هدایت دارد . ــ گناهکارانی که به قصدزیارت می‌روند ، با یکدیگر برخورد پیدا می‌کنند و هریك‌سرگذشت خود را شرح می‌دهند ــ ولی البته داستان سالور ، گردافراد بیشتری می‌گردد وداستانی، گسترش یافته است .

ولی کار فردین وفیلمبرداری‌مصطفی عالمیان ، باعث می‌شود که فیلم «جهنم به‌اضافه من» در بین‌فیلم‌های ایرانی، فرم متفاوتی‌پیدا کند . فردین فیلم را با معرفی آدم‌ها ، شروع می‌کند . و بعد از معرفی ، گسترش ماجراهاوپیشروی‌داستان ما را بیشتر به روحیه‌ی این افراد نزدیك می‌کند.

***

مرد ظاهرا مسلمانی که باهمسرش قصد سفر دارد ، از نوع افراد شناخته شده‌یی است که درجامعه‌ی ما کم نیستند . آدم‌هایی که همیشه نان‌را به نرخ روزخورده‌اند و برحسب موقعیتی که پیش آمده رنك عوض کرده‌اند.این مرد که مرتبا دم از دین و معصیت می‌زند ، آدمی است که‌ازمادر زن خود نیز نمی‌گذرد و حتی اگر وضع مساعدی پیش بیاید باآهنك دیگران ، یك رقص کمر هم می‌کند .

فیلم ، در شناساندن این آدم‌چند صحنه‌ی گویا دارد ، ازجمله صحنه‌یی که این مرد با ریتم‌آهنك‌مهره‌های تسبیح را رد می‌کند ویا صحنه‌یی که در آن بیابان خشك‌در حالتی که همه رو به مرك هستند، حتی ازلباس همسفر خودکه‌در راه افتاده است ، نمی‌گذرد .

مرد جانی (شیراندامی) ،آدم بیرحم و زرنگی است . موقعیت راخوب درك می‌کند وبه‌فکر چاره برمی‌آید . خباثت وبیرحمی این‌مرد ، ماجراهای اصلی‌فیلم ــ آوارگی آن‌جماعت گناهکار ــ را پی‌ریزی می‌کند.

زن روسپی (فرزانه تاییدی) زنی‌است که‌میل دارد در زندگی پاك‌بشود وبه‌قصد توبه می‌خواهد به زیارت برود. این‌زن از شروع فیلم ــ که‌بالوندی وارد گاراژ می‌شود ــ تاپایان ازمرحله‌ی یك‌زن ناپاك به‌مرحله‌ی پاکی می‌رسد.

سالور ویافردین در «جهنم+من» می‌خواهند تفاوت میان‌ظاهرو باطن افراد رانشان دهند، چه می‌بینیم که‌این زن ، باوجود آنکه‌باتوجه به عرف و عادت ، زن‌ناپاکی است و با وجود آنکه باید جزو آدم‌های بد داستان باشد درواقع یکی‌ازپاك‌ترین شخصیت‌های قصه‌است .همچنان که‌آن مرد به‌ظاهر مومن طینتی ناپاك ونادرست دارد.

بدین‌ترتیب فیلم «جهنم+من» حاوی مقداری انتقاد اجتماعی است‌که نشان‌می‌دهد سازندگان فیلم به‌سرعت ازروی شخصیت‌های اثر

گذشته‌اند وراجع به‌آنها و همنوعانشان دراجتماع ، اظهار نظر کرده‌اند .

پسر ودختر جوان‌فیلم ، (فردین وپوری‌بنائی) جزو پرسوناژهایی هستند که‌از ابتدا تابه‌پایان درمراحل مختلف ماجرا نقش اساسی‌دارند وازاین گذشته ، به‌دلیل پاکی‌که نسبت به‌دیگران دارند، زنده باقی می‌مانند .

دختر، دخترساده وخوش‌قلبی است وپسر تنها ناراحتی که‌دارد اینست‌که درگذشته، موقع‌شکار، تیرش به‌خطا رفته و بـه‌پسربچه‌ای خورده است .

درجمع پرسوناژهای فیلم ، مرد طبیبی وجود داردکه درحرفه‌ی خود، کارهایی که‌نشان ازناپاکی اودارند ، انجام داده‌است ومی‌بینیم که دریك موقعیت بحرانی که او روبه‌مرگ‌قرار دارد به‌تمام پلیدیهای خود اعتراف می‌کند .

راننده‌ی اتوبوس (داود رشیدی) نیز در مرحله‌یی همچون آن زن روسپی قراردارد ومسیری ازخشونت وناپاکی راتازمانی که‌عاشق می‌شود وقصددارد به‌سمت یك‌زندگی پاك‌برود، طی می‌کند. و می‌بینیم که‌این زن ومرد دروضعیتی که‌مبرا ازناپاکی‌های گذشته‌ی خودهستند می‌میرند ... ودرعوض همسر مردمتظاهر درحالتی‌که به‌خیانت خودو حرام‌بودن طفل مرده‌ای‌که درشکم دارد ، اعتراف می‌کند ، درمی‌گذرد.

پیرمرد درویش نیزکه عمرخودرا کرده‌است درجمع، حالت‌یك نوع‌راهنما، یك‌قوت قلب‌دارد ... وبالاخره اوهم همراه دیگران‌می‌شود.

***

این شخصیت‌های ساده وآشنا ، استخوانبندی یك داستان ساده را تشکیل می‌دهند. داستانی‌که پیداست موردنظر فردین بوده‌است .

فردین درچند فیلمی‌که خودش کارگردانی کرده مثل «سلطان قلب‌ها» و «قصر زرین» نشان‌داده که معتقد است یك‌فیلم ایرانی‌باید داستانی ساده ومردم‌پسند داشته‌باشد وبا تکنیك وفرم ساده‌یی‌این‌داستان به‌فیلم برگردانده شود ... همانطورکه می‌بینیم در «جهنم‌به‌اضافه‌من» به‌این‌مورد توجه داشته وفیلم فقط برگردان ساده‌یی است از یك‌داستان ساده .

اما عیب‌کار فردین دربرگردان داستان موردنظر ، این‌بوده است که‌او برای بسیاری ازجزییات ماجراها وحرکات هنرپیشه‌ها علت وسببی ایجادنکرده‌است وبهمین دلیل بسیاری ازاین ماجراها وحرکات کمکی به‌بیان هیچ‌مسئله‌یی درفیلم نمی‌کنند ... مثلا خونسردی اولیه‌ی پرسوناژی‌که خود فردین ارائه‌می‌دهد وآن خنده‌هایی که در جواب خشونت دیگران می‌کند، درخدمت رساندن خصوصیتی از این مرد نیستند . شایداین یك مقدمه‌چینی باشدبرای آنکه مشتی‌که فردین به چانه‌ی مرد خبیث درابتدا ، می‌زند برای تماشاگر یك سورپریزباشد... همچنین است پرسوناژ زنی‌که مقابل این‌مرد است ونقش او را پوری بنایی بازی می‌کند . درطول‌فیلم می‌بینیم که‌هیچ خصوصیتی که این پرسوناژ رازنده کند وبشناساند دیده نمی‌شود واین‌زن ، یك سری حرکات شناخته شده‌یی‌دارد که در خدمت هیچ معنایی از وجود او نیستند ...

بهرحال ، فیلم‌فردین درست آثاری ازخواست فردین دارد . یعنی همانطورکه دربالا نیز شرحش آمد، وجودیك داستان ساده و تکنیك درخور توجهی که درخدمت این‌داستان باشد ومی‌دانیم فردین این تسلط تکنیکی رادارد . خصوصا اینکه بافیلمبردار وارد و مسلطی‌مثل «عالمیان» نیزکارکند .

در «جهنم به‌اضافه من» شاهد یك‌فیلمبرداری روان وخوبی‌هستیم که‌در خدمت‌فرم وفضای تازه‌ی فیلم هستند ومی‌بینیم که بسیاری از صحنه‌هایی‌که درصحرا فیلمبرداری شده تصاویر زیبا ودیدنی دارد. بخصوص صحنه‌هایی‌که آدم‌های فیلم درطوفان شن حرکت وازتپه‌های صحرا عبور می‌کنند .

بازی‌ها عموما خوب وجاافتاده است. ودروهله‌ی اول باید از بازی «فرزانه تاییدی» نام‌برد که‌واقعا برکار خودش مسلط است و دقیقا می‌داند که‌حرکات صورت وبدنش باید به‌چه نحو باشد تـا خصوصیات موردنظر زنی‌که او نقشش را ایفامی‌کند ، بوجودبیاید... نمونه‌ی بازی خوب « فرزانه تاییدی» را در صحنه‌ی اول فیلم‌که او وارد گاراژ می‌شود و همچنین صحنه‌ی بعداز مرگ زن حامله وفرزندی که‌درشکم دارد ، می‌بینیم .

بعد از «فرزانه تاییدی» باید از «شیراندامی» نام بـرد کـه خصوصیات آن‌مرد خبیث راخوب شناخته بود وازآنجا که امکان‌بازی خوب وجود داشته، کار درخور توجهی ارائه داده‌است .

فردین در مقام‌یك بازیگر رفرمی درکار خویش پدید آورده است وبخوبی درارائه تیپی‌که عهده‌دار است موفق می‌باشد وپوری بنایی ، همان‌بازیهای همیشگی خودرا دارد .

داود رشیدی نیز بازی گیرایی‌دارد . عبدی تغییر کوچك و محسوسی درکارش داده‌است . تهرانچی ونازنین ، بازیهای معمولی دارند و کهنمویی ، درست همان‌آدمی است‌که بایدباشد .

بهرحال ، مجموعه‌ی این‌عوامل به‌اضافه‌ی موزیك مرتضی‌حنانه، فیلمی‌است‌که اگر جزو آثار درخشان سینمای ایران نباشد ، لطمه‌یی هم‌به‌این سینما نخواهدزد ... واین‌قدم اولی‌است برای فردین ،بعداز فیلم‌های کاملا تجارتی که تابه‌حال بازی‌کرده است . او همینقدرکه از عوامل صددرصد تجاری گذشته فاصله‌گرفته وفیلمی خالی ازعوامل عامه‌پسند ساخته مقدمه‌یی محسوب می‌شود برای‌آینده که جای عوامل تجارتی گذشته ، نکات ارزنده‌ی هنری رانیز درنظر بگیرد .

حسن سیاه



هنرپیشگان : نصرت‌الله کریمی ــ فخری خوروش ــ مهناز ــ اردوان‌مفید ــ رضا کرم‌رضایی ــ مفیدی ــ کارگردان : پرویز اصانلو ــ سناریست : عرفی‌نژاد ــ فیلمبردار : علیرضا زرین‌دست ــ موزیك متن از : فرهنگ‌شریف ــ تهیه‌کننده : علی عباسی ــمحصول سازمان سینمایی پیام .

اکثر سینماروهای ایرانی ،هنوز فرق بین کارگردانی وبازیگری رانمی‌دانند وباآنکه بسیاری ازآنها سوابقی درفیلم دیدن دارند و فیلم‌های زیادی دیده‌اند ، صحنه‌های گیرای یك‌فیلم را فقط به‌حساب بازیگران آن‌فیلم می‌گذارند . این‌موضوع برای هنرمندی که‌خود ، هم‌کارگردان وهم بازیگر است مشکلاتی راباعث می‌شود . بدین‌ترتیب که‌اگر او کارگردان موفقی باشدولی درفیلم‌های بدی بازی‌کند ،عدم موفقیت آن‌فیلم رادر موفقیت آثاری‌که خود اوساخته دخالت می‌دهند وبا اگر فیلمی‌که او کارگردانی نکرده ، فیلم‌بهتری باشد توقعی‌که‌از

بقیه در صفحه ۴۱

عبا

جعفر

حماسه‌ای از دلاوری و پاید



● «میری» به نقش دوست «بهزاد پارسی» در صحنه‌ای از فیلم

«استودیو پارس فیلم» که اولین استودیو فیلمسازی در ایران ودر عین حال وسیع‌ترین و کامل‌ترین آنها محسوب میشود، به‌جهت علاقه و پیگیری فراوان موسسش (دکتر اسماعیل کوشان) به نقل افتخارات گذشتگان و دلاوران ایرانی، بیشتر آثار تاریخی سینمای ایران، از همین استودیو ناشی‌شده است.

دراوائل اگرچه‌این کوشش‌ها به‌جهت‌فقدان گسترش امکانات‌چندان نمودنداشت، اما بتدریج ضمن‌دریافت بینش و ایجاد آمادگی‌نزد همکاران «دکتر کوشان» گوشه‌هائی از تمدن قدیم در قالب بناهای تاریخی و با به نمایش گذاردن لباس‌ها و خصلت‌هایش، بیش ازپیش به تماشاگران سینمای ایران‌شناسانده‌شده است وبهر حال دراین‌روزها «استودیو پارس فیلم» دارای آن‌چنان امکاناتی است که‌به سادگی میتواند گوشه‌های تاریخی ایران‌را باشکوه و ابهت بسیار بنمایاند.

وآخرین ثمره کوشش در چنین جهتی فیلمی است با نام «عباسه و جعفر برمکی» (که پیش از این «هارون‌الرشید و جعفر برمکی» نام‌داشت) که وسیله «امیرشروان» دراین استودیو ساخته شده است.

این فیلم بطریقه «سکوپ و رنگی» ساخته شده وفیلمبردارش فیلمبردار باتجربه «محمود کوشان» می‌باشد.

رود **کارون** هماتطور که اکنون شبهای خاطره‌انگیز و رویائی دارد در زمانهای قدیم هم که نامش **«شط‌العرب»** بوده شبهائی بس‌زیبا و رویائی داشته است. و مردم درکناره‌های قشنگش به شادی و طرب وعیش و عشرت می‌پرداختند ولی‌این شبها گهگاهی اختصاص می‌یافت به خلفا وفرمانروایان که درشهرهای مجاور آن مثل **«بصره»** و یادورتر **«بغداد»** و یا خرمشهر کنونی حکمروائی میکردند واین شبهائی بود بسیار پرشکوه و بیادماندنی ... تا جائیکه پس ازگذشت سالها، پس از حفظ خاطره‌اش درسطور، بدفعات نیز به تصویربرگردانده شده است.

هماتطور که رودکارون درحال حاضر ایران را از ممالك‌عربی جدا میکند و در واقع مرزی است‌میان ایران ویکی، دو کشورعربی، سالها وقرنها پیش هم چنین بوده، بااین تفاوت که در گذشته «شط‌العرب» نامیده میشده است.

در زمان حکومت **«هارون‌الرشید»** خلیفه مقتدر عباسی مانند اکثر خلفای دیگر در بارگاهش «حرمسرائی» بازنهای متعدد وجود داشته است که این زنها را حاجیان‌ونزدیکان او از کشورهای مختلف برایش پیدا میکردند. کما آنکه‌یك پسرش بنام **«مامون»** از مادری

● رخشانی و وجستا (هارون‌الرشید وعباسه)



● صحنه جالبی از فیلم عباسه و جعفر برمکی



سه و
برمکی
اری پرافتخار یك ایرانی



● «رخشانی» (هارون‌الرشید) ژاله (زبیده) در صحنه‌ای از فیلم .

عرب و پسر دیگرش **«امین»** ازمادری ایرانی زاده شده بود وهمین مسئله بعدا برسر حاکم شدن امین‌ومامون میان ایرانیان و اعراب اختلاف انداخت.

«بهزاد پارسی» که یك‌جوان‌دلیر و نیرومند ایرانی بوده است وقتی آگاه‌شد **«یحیی‌علوی»** آزادمردایرانی دربارگاه **هارون‌الرشید** اسیر شده‌همراه دوستش راهی‌بغدادمیشود وبعد از عبوراز «شط‌العرب» قدم بخاك بیگانه می‌گذارد و در آنجا اتفاق غیرمترقبه‌ای می‌افتد یکی از زنهای حرمسرا (خواهرزن‌هارون‌الرشید) «عباسه» گرفتار عشق **او** میشود که حوادث شیرین‌و پرماجرائی را بدنبال دارد که این حوادث را بایستی در طی‌فیلم‌شاهد شوید، این ماجراها که زمینه های متنوعی مشحون از هیجان .وکمدی دارد که طبعا هرتماشاگری را باهر سلیقه‌ئی جلب خواهد کرد.

❊ محلهای فیلمبرداری

محلهای فیلمبرداری (بارگاه‌باشکوه هارون‌الرشید) شهر بصره‌و بغداد در «استودیو پارس فیلم» ساخته شد و فیلمبرداری اکثرا در این شهرك‌ها فیلمبرداری گردید.

صحنه‌های خارجی فیلم در «خرمشهر» فیلمبرداری شد و ماجراهائیکه در «رودکارون» می‌گذشت عینا در «کارون» فیلم ـ برداری **گردید.**

❊ هنرمندان فیلم

هنرمندان فیلم «عباسه و جعفر برمکی» را ترکیبی از بازیگران با نام و محبوب تشکیل میدهند .

اینها هنرپیشه‌های فیلم هستند: **ایلوش** (بهزاد پارسی) . **میری** (دوست بهزاد پارسی) **رضارخشانی** (هارون‌الرشید) ساعت‌ساز (جعفربرمکی) وجیهتا (عباسه) **ژاله** (زبیده همسر هارون‌الرشید) . حبیب‌الله **بلور** (یحیی علوی) وبالاخره **«جمشید مهرداد»** ...

این فیلم که اکنون آماده‌نمایش است و به عقیده صاحبنظران یکی از بهترین فیلمهائیست که دراین زمینه تهیه شده، از همین هفته روی اکران می‌آید و ما شما را بدیدن این فیلم که حماسه‌ای از دلاوری، ستیز و پایداری پرافتخار یك ایرانی است، دعوت می‌کنیم.

❊❊❊

از صبح چهارشنبه اول آذرماه در سینما های

اونیورسال ـ پاسیفیك ـ ایران ـ ساینا ـ تیسفون ـ مراد ـ موناکو ـ پرسپولیس ـ داریوش ـ کارون ـ دریا ـ مهتاب ـ کریستال و آستارا «تجریش»



● جمشید مهرداد و میری در صحنه جالبی از فیلم



● ایلوش (بهزاد پارسی) در صحنه‌ای از فیلم


شیر و شیر کاکائو
پاستوریزه
پاک
تهیه شده از شیر تازه گاو
مصرف روزانه شیر پاک سلامت
ونشاط فرزند شمارا تضمین میکند
P—51—11





● «عبدالعلی همایون ـ حسین حسینی و رضا بیک‌ایمانوردی» در دو صحنه از فیلم «ابرام فرنگی»

آتشین ، مریم کوشان ، زری، بهنام و جمشید مهرداد شرکت دارند.

بازگشت عاصی‌ها

● اواخر این هفته اکیپ هنرمندان فیلم عاصی که مدت یك ماه در هونجان از توابع شهرضا مشغول کار بوده‌اند بتهران‌باز ـ خواهند گشت .

فیلم عاصی از آثار قهرمانی‌و پر سروصدای امسال‌است که ناصر ملك‌مطیعی ، پوری بنائی و منوچهر وثوق بازیگران اصلی آن هستند . فیلمبردار عاصی مصطفی عالمیان و تهیه کننده آن رضا شیبانی است .

مناجات تمام‌شد

● چند صحنه‌ی باقیمانده‌ی فیلم مناجات که در اصفهان باقی مانده بود این هفته در تهران‌توسط مازیار پرتو فیلمبرداری شد وفیلم برداری این فیلم بپایان رسید . در مناجات که سناریوی آنرا سعید مطلبی نوشته‌وبکارگردانی عزیزالله بهادری ساخته شده است ایرج‌قادری بهمن مفید ، ملوسك، جلال ، گیتی فروهر ، شهاب ، حاجیان ومرتضی عقیلی شرکت‌دارند مناجات‌محصولی است از اسکار فیلم .

صدابرداری هلو

● هفته آینده صدابرداری فیلم «هلوی‌پوست‌کنده» دراستودیو مهتاب فیلم انجام خواهد شد. در این فیلم که سناریست وکارگردان آن عباس دستمالچی است لی‌لی ، گرشا، منوچهروالی‌زاده ، سهیلا، آرزو ، بهمنیار ، ملکی وسرکوب شرکت دارند. هلوی پوست کنده محصولی است از موسسه‌ی ایران اکران.

فیلمهای آماده نمایش

● هم‌اکنون فیلمهای استوار وپاسبان، صادق‌کرده، پستچی‌وعباسه وجعفر برمکی به‌روی اکران است. در استودیوها ومراکز مختلف فیلم سازی کشور فیلمهای زیادی آماده نمایش است که بتدریج بـه روی اکران خواهد آمداز فیلمهای آماده نمایش ایرانی در حال حاضر این فیلمها را میتوان نامبرد. نواب ، همیشه قهرمان ، تجاوز ، پدر که ناخلف‌افتد، عطش ، تنها آقای محله زن باکره، طغرل ، ضعیفه ، شیربها زنجیری ، آرامش در حضوردیگران تنگنا ، صبح روز چهارم ، چوب خدا، آبنبات چوبی ، قیامت عشق، دشنه، نانجیب ، اسیر، تولدت‌مبارك فاتح‌دلها ، فرزند شمشیر ، پاپوش، بی‌تا، شیرتوشیر ، صمد و فولادزره دیو و چند فیلم دیگر.

مونتاژ موهان تمام شد

● هم‌اکنون روبرت اکهارت سازنده‌ی فیلم «موهان» در استودیو هاملت فیلم سرگرم مـونتاژ فیلـم مزبور است تاهرچه زودتر آنرا آماده‌ی صدابرداری نماید. در این محصول سازمان سینمائی سینتا که سناریوی آنرا جمال امید نوشته‌است وتوسط جمشید الوندی در تهران شمال و خرم‌آباد فیلمبرداری شده است ایرن، ذکریا هاشمی ، جلال، کودك خردسال هومن و مرتضی عقیلی شرکت دارند.



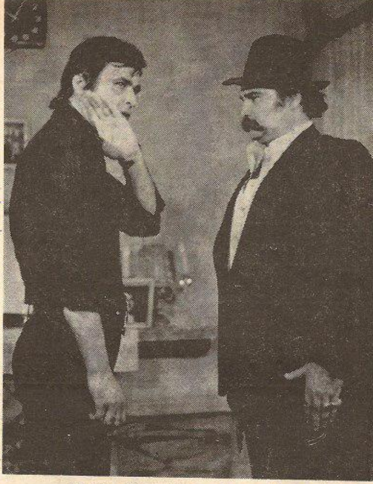
● «شهرزاد ـ نگار ـ نصرت کریمی ـ توران مهرزاد وپوری بنائی» در صحنه‌ای از فیلم «عیالوار»



● «رضا بیك‌ایمانوردی» و «جمیله» در صحنه‌ای از فیلـم «بندری» (دومین فیلم کامران قدکچیان)

صدابرداری حریص

● تا چند روز دیگر صدا- برداری فیلم «حریص» در استودیو تخت جمشید انجام خواهد شد. در



● «سیروس افهمی و منوچهر طایفه» در فیلم «باجناق»

این فیلم که سناریست و کارگردان آن ایرج رضائی و فیلمبردارش شکرالله رفیعی است بیك‌ایمانوردی مرسده کامیاب ، سیمین غفاری و رمضانی‌فر شرکت دارند . خریس را شکرالله رفیعی با همکاری‌شرکت سهامی سینماتئاتر رکس تهیه کرده است.

سرطلائی در ملایر

● این هفته اکیپی به ملایر عزیمت نمودند تا کار فیلمبرداری «سرطلایی» را آغاز نمایند . دراین فیلم که اولین فیلم «شجاع‌الدین مصطفی‌زاده» سازنده‌ی سریال تلویزیونی «داش‌بالکی» است مختار نقش یك فوتبالیست را بازی می‌نماید. این فیلم را «داگلاس» فیلم بردار امریکائی‌الاصل فیلمبرداری مینماید.

ابرام ... ابرام فرنگی

● هفته‌آینده سازندگان فیلم «ابرام فرنگی» محصول تازه‌استودیو عصر طلائی جهت تهیه قسمتهائی از این فیلم بشیراز سفر خواهند کرد. در ابرام فرنگی که سناریوی آنرا احمدنجیب‌زاده نوشته وبکارگردانی نظام فاطمی توسط ابراهیم دیلمانی فیلمبرداری میشود بیك‌ایمانوردی، مرتضی عقیلی ، حسین حسینی ، ناتاشا و عبدالعلی همایون شرکت دارند.

فرزانه تائیدی در خاك

● مذاکراتی میان مسعود کیمیائی سازنده‌ی فیلم «خاك» و فرزانه تائیدی که با بازی درخشان خود در فیلم جهنم + من مورد توجه فیلمسازان واقع شده بعمل آمده است تا عهده‌دار یکی از نقش های عمده‌ی این فیلم گردد. هنوز ازنتیجه این مذاکرات اطلاع‌دقیقی نداریم. خاك محصولی است از استودیو میثاقیه که نقشهای اصلی آنرا بهروز وثوقی وفرامرزقرسیبان بازی خواهند کرد.

فیلمبرداری صحنه‌های باقیمانده

● جمیله تا چند روز دیگر برای بازی در صحنه‌های باقیمانده فیلم «بندری» آماده خواهد شد . این فیلم محصولی است از سازمان سینمائی ژورك که سناریوی آنرا سیروس الوند نوشته وبکارگردانی کامران قدکچیان توسط تورج پورمروت دربوشهر فیلمبرداری‌شده است . در بندری بیك ایمانوردی، جمیله، ابراهیم نادری، مرسده‌ی کامیاب، رمضانی‌فر ، مرتضی‌حدیقی و حسین‌گیل شرکت دارند.

جنوبی تمام شد

● رضا فاضلی کارگردانی فیلم جنوبی راکه خود تهیه کننده آنست و محصولی است از سازمان سینمائی کوروش بپایان رساند. در این فیلم که سناریوی آن براساس قسمتی از زندگی مهوش خواننده فقید تنظیم یافته است فاضلی، شهناز تهرانی ، فرنگیس فروهر، احمد معینی ومرتضی عقیلی شرکت دارند جنوبی را که برایش حسین واثقی موزیك متن خواهد ساخت «قاسمی کیان» فیلمبرداری نموده و جعفر پورهاشمی چند آهنك تازه باصدای شهپر و راشین برای آن ساخته است .

عیالوار آماده نمایش

● تا چند روزدیگر چهارمین فیلم «پرویز نوری» موسوم به «عیالوار» آماده‌ی نمایش خواهد شد. در این فیلم کمدی انتقادی نصرت کریمی، پوری بنائی ، توران مهرزاد ، نگار ، شهرزاد ، سرور رجائی ، مفیدی و تجدد شرکت دارند. عیالوار که تهیه کننده‌اش روبیك سرکیسیان میباشد توسط همایون ارجمند فیلمبرداری شده و مجتبی میرزاده برایش موزیك متن ساخته است. سناریوی این فیلم را بهرام ری‌پور و پرویز نوری نوشته‌اند.

ستارخان پایان میرسد

● جمعه این هفته فیلمبرداری محصول گروه آزاد نمایش موسوم به «ستارخان» که توسط شرکت سهامی سینما تئاتر رکس پخش می شود بپایان خواهدرسید. دراین‌فیلم که سناریست وکارگردان آن علی حاتمی و فیلمبردارش هوشنك بهارلو است علی نصیریان، عزت‌الله انتظامی، پرویز صیاد، عنایت‌بخشی، جهانگیر فروهر ، جلال، نریمان وعده‌ای دیگر شرکت دارند.

بااتمام امور فنی و آماده شدن ستارخان علی حاتمی کارگردانی فیلم «داود» را که با آن بار دیگر زری خوشکام فعالیتش را آغاز مینماید شروع خواهد کرد.

«شهلا» بجای خوروش

● چون بامراجعت ملك‌مطیعی ازشهرضا ژورك‌بلافاصله کارگردانی «ناجورها» را آغاز خواهد کرد و خوروش دراین تاریخ برای بازی در فیلم مزبور آمادگی ندارد لذا فریدون ژورك بجای‌وی مذاکراتی با «شهلا» بعمل آورده است تاوی عهده‌دار ایفای نقش مزبور دراین فیلم گردد.

در ناجورها که توسط‌شیرازی فیلمبرداری خواهد شد ملك‌مطیعی مرجان ــ شهلا و احتمالا بیك ایمانوردی نقشهای اصلی‌را بعهده دارند .

نبی ونگار در دزفول

● هفته گذشته جوادطاهری کارگردان و منوچهر طایفه تهیه کننده فیلم «نبی و نگار» برای انتخاب محلهای‌فیلمبرداری‌محصول تازه سازمان سینمائی سینتا بهدزفول رفتند تا هرچه زودتر تهیه این‌فیلم را در آنجا آغاز نمایند . در نبی

ونگار که‌توسط رضا انجم‌روز فیلم برداری خواهد شد قرار است منوچهر طایفه ، مستانه جزایری و شیراندامی نقشهای اصلی را بازی نمایند . نبی ونگار در دیماه بعداز اتمام فیلمبرداری عروس و مادر شوهر آغاز خواهد شد.

پروانه نمایش شیرتوشیر

● هفته گذشته اولین کپی فیلم «شیرتوشیر» محصول استودیو کاسپین که توسط سازمان سینمائی پیام پخش میشود در استودیوهاملت فیلم چاپ و آماده نمایش گردید وجهت اخذ پروانه نمایش به‌اداره کل امور سینمائی کشور ارسال شد. دراین فیلم که سناریوی آنرا احمد بهبهانی و منصور پورمند نوشته است پرویز کاردان، فخری‌خوروش فرشته جنابی، الهه الهی، علی محزون ، نادره ، گرجی ، مظفر سلطانی و شیراندامی شرکت دارند.

شیرتوشیر بکارگردانی منصور پورمند توسط هوشنك بهارلو فیلم‌برداری شده وبزودی به‌روی اکران خواهد آمد.

صدابرداری باجناق

● هم‌اکنون صدابرداری فیلم «باجناق» انجام میشود، این فیلم را «قاسمی‌وند» فیلمبرداری و کارگردانی کرده است و در آن «سیروس افهمی، منوچهر طایفه ، لیدا دانشور، آقاجانی ، دلیله ، نادره وچهره جدید نسترن» بازی دارند.

همیشه قهرمان روی اکران

● «همیشه قهرمان» که پروانه نمایش خود را دریافت داشته بزودی در گروه سینماهای آسیا ، رکس و... به نمایش درخواهدآمد، این فیلمی است از «فیلمکوفیلمز» که درآن «رضا بیك‌ایمانوردی و مرجان» نقش‌های اصلی را بازی می‌کنند . فیلم اخیر را «عزیزالله بهادری» کارگردانی و «مازیار پرتو» فیلمبرداری کرده است.

مراحل فنی «عاصی»

● مراحل فنی فیلم «عاصی» از این هفته آغاز گردیده . این آخرین محصول «تینا فیلم» است که در آن «ناصر ملك‌مطیعی،

پوری بنائی و منوچهر وثوق» نقش های اصلی را بازی می‌کنند . کارگردان فیلم سعید مطلبی و فیلم‌بردارش «مصطفی عالمیان» بعهده دارد.

آخرین مراحل

● آخرین مراحل فنی فیلم «مردان خلیج» در استودیو عصر طلائی» هم‌اکنون در جریان است وبزودی این‌فیلم روی پرده خواهد آمد.

در «مردان خلیج» که وسیله «نظام فاطمی» کارگردانی شده‌است «ناصر ملك‌مطیعی، مرجان، شهروز رامتین ، پرستو و امین امینی» شرکت دارند.

مارگیر

● هوشنك حسامی سازنده‌ی فیلم «قیامت عشق» بزودی دومین فیلم خود را بنام «مارگیر» برای پارسا فیلم آغاز خواهد کرد . قرار است نقشهای اصلی این‌فیلم را که حسامی خود سناریوی آنرا نوشته است‌عباس جوانمرد وعزت‌اله انتظامی بازی نمایند .

فیلم تازه صابر

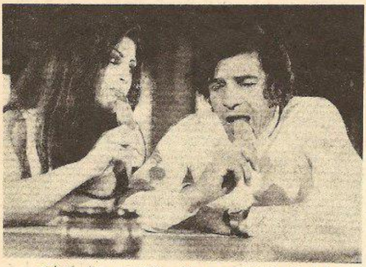
● صابر رهبر فیلمسازی که آخرین فیلمش «ظفر» بود اخیرا بعد از یك مسافرت تقریبا طولانی از اروپا مراجعت نموده و درصدد است فیلم تازه‌ای را جلوی دوربین برد . صابر فعلا سرگرم انتخاب هنرپیشگان فیلم تازه خود است و تا یکی دو هفته دیگر آنرا جلوی دوربین خواهد برد . نام فیلم‌تازه صابر و هنرپیشگان آنرا در شماره های آینده به اطلاع خواهیم‌رساند.

آقای مهدی رو به‌اتمام

● بیش از چند جلسه از فیلم «آقا مهدی کله‌پز» محصول پارسا فیلم باقی نمانده که طی چند روز آینده انجام خواهد شد . در این فیلم که سناریوی آنرا دکتر منوچهر کیمرام‌نوشته وبکارگردانی منوچهر صادقپور توسط خانی فیلم برداری میشود فریده نصیری ، منوچهر صادقپور، میری، بهمنیار آرزو و صادق بهرامی شرکت‌دارند در پارسا فیلم هم‌اکنون فیلم‌قیامت عشق آماده نمایش و فیلم نعمت نفتی نیز در دست تهیه میباشد.



● امین امینی و مرجان در صحنه‌ای از فیلم «مردان خلیج»



● «رضا بیك‌ایمانوردی» و «مرجان» در صحنه‌ای از فیلم «همیشه قهرمان» محصول «فیلمکو فیلمز»

از ناخدا چه خبر ؟

● بعداز مراجعت ملك‌مطیعی ازشهرضا که اینك در آنجا سرگرم بازی در فیلم عاصی است وی‌همراه امیرشروان کارگردان و پرتوفیلم بردار فیلم ناخدا برای بازی در یك صحنه باقیمانده‌ی این فیلم به آبادان خواهدرفت. قسمت‌مزبور که‌لازمه‌مونتاژصحنه‌های‌فیلمبرداری شده است بپایان رسیده برای‌نمایش عید قربان گروه آسیا درنظرگرفته شده است. در ناخدا که محصولی است از شرکت سهامی سینما تئاتر رکس ؛

● زهره و دهقان در فیلم «سراب»



پشت پرده

بهمن مفید زخمی شد

● بهمن مفید هفته گذشته هنگام فیلمبرداری یك صحنه ازفیلم شیرعلی مردان بشدت زخمی گردیده و براثر پاره شدن یکی از مویرك هایش خون زیرپوست دست چپش‌را فرا میگیرد .

این حادثه در یك صحنه زد و خورد اتفاق می‌افتد و یکی از سیاهی‌لشگرها روی بهمن سقوط کرده و دست وی زیر تنه‌اش مانده و این حادثه اتفاق می‌افتد . فعلا بهمن مفید مشغول معالجه دست‌خود است تا هرچه زودتر برای سفر به شمال آماده شود .

آرامش در آلمان

● فیلم آرامش در حضور دیگران ساخته ناصر تقوائی توسط یك توزیع کننده‌آلمانی بمبلغ‌بیست هزار دلار خریداری شد، بعداز پستچی ،این اولین فیلم ایرانی است که برای نمایش درکشورآلمان خریداری میگردد.

آرامش درحضور دیگران که اخیرا پروانه نمایش دریافت کرده است قرار است در سینما کاپری بنمایش درآید.

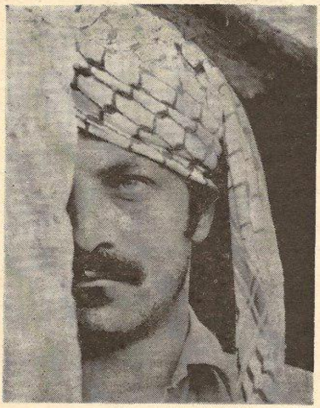
سعیدراد تکذیب میکند

● هفته گذشته خبری درمجله چاپ‌شده بود که سعیدراد را تهیه کنندگان فیلم تعقیب بخاطر توهینی که باکیپ هنرمندان فیلم نموده ، کنار گذارده‌اند . دراین هفته سعید راد طی نامه‌ای که برای عباس همایون نوشته است همه مسائل را تکذیب کرده و نوشته است همه هنرپیشگان سینمای ایران، بخصوص جوانانی که اخیرا وارد کار سینما شده‌اند و هدفشان ارائه کار خوب است مورد احترام من هستند و من هیچگونه توهینی بهیچ‌یك ازآنان نکرده‌ام.

برنامه الهه نگرفت

● جمعه هفته قبل الهه در برنامه ناسیونال شو شرکت کردو دوترانه اجرا کرد که هیچ یك از آنها موردتوجه تماشاگران‌تلویزیون واقع نگردید که البته قیافه‌الهه باین عدم توجه کمك میکرد و چه بجا بود که فیلمبرداران تلویزیون لااقل از زاویه مناسبی از چهره الهه تصویر میگرفتند.

سعید راد کشته شد



● سعیدراد چهره جدید وسرشناس سینمای ایران در فیلم صادق کرده پس‌از چندین قتلی که‌مرتکب می‌شود ، بدست افراد ژاندارم کشته می‌شود . وی برای‌ایفای چنین نقش مشکلی تلاش بسیار کرده است و آنرا سرآغاز کار واقعی خود در سینما میداند.

صادق کرده که از این هفته بنمایش درمی‌آید توسط ناصرتقوائی کارگردانی گـردیده است و این‌اولین فیلم طویلی است که از وی بنمایش درمی‌آید.

گوگوش یکه‌تاز میدان

● فعلا گوگوش در تلویزیون یکه‌تاز میدان شده است و در هر برنامه‌ای که‌درآن موزیك باشد از وجود او نیز استفاده میشود بطوری که روز جمعه گذشته در حدود یکساعت وی در برنامه‌های مختلف روی صفحه تلویزیون ظاهر شد و جالب آنکه برای برنامه‌های وی همه تماشاگران سرو دست می‌شکنند. بقیه در صفحه ۴۱

روزهای خوب مولن‌روژ

● بعداز جداشدن مولن‌روژاز سایر سینماهای گروه خود، سبك‌تازه‌ای را آغاز کرده و بانمایش‌آثار بزرك سینمای آمریکا واروپا بطور انحصاری مبادرت بنمایش‌فیلم‌مینماید ودرطی این‌مدت تماشاگران‌خوبی برای خود دست و پا کرده‌و روزهای خوب خود را دوباره بدست می‌آورد. در مولن‌روژ حداقل هریك از آثاری که بنمایش‌درمی‌آورد دوماه ادامه می‌یابد واین نشان میدهد که تا چه حد درطریقی که پیش گرفته است موفق می‌باشد .

مولن‌روژ اخیرا بانمایش فیلم‌شاهد عینی که از فیلمهای خوب‌سال ۱۹۷۲ جهـان است در آن‌مارك لستر بازیگر خردسال فیلم الیورتویست شرکت دارد و بیش ازپیش توجه تماشاگران شاهکارهای‌سینمائی را بخود معطوف داشته است‌و پیش‌بینی می‌شود این‌فیلم مدتهای مدید روی اکران مولن‌روژ باقی‌بماند.

علی ـ مرتضوی

راه ترکستان

هزینه گزاف، رقابت نامتناسب وضع تهیه کننده را بهم ریخته است

● از دوهفته قبل سه فیلم پرخرج وپر سروصدای سینمای ایران در یك زمان بنمایش درآمد. از ماهها قبل بحث برسر عید فطر بود ونمایش این فیلمها و پیش‌بینی‌هائیکه در مورد آنها انجام میشد و همه تصور میکردند که حداقل فروش هریك از آنها ده میلیون ریال خواهد بود و بعلت آنکه سه فیلم بطور همزمان بنمایش درمی‌آمد، تهیه کنندگان آنها برای آنکه بتوانند تعداد زیادتری مشتری‌بطرف سالن‌های خود بکشانند رقم بودجه تبلیغات‌خود را ببالای یك میلیون و پانصد هزار ریال رساندند و تا پایان مدت نمایش این رقابت ادامه داشت و صفحات تمام جراید تهران و روی اتوبوس‌ها، داخل پمپ‌های بنزین ودر فواصل تمام برنامه‌های تلویزیون، صحبت از این سه‌فیلم بود اما متاسفانه باهمه تلاشی که بعمل آمد، هرسه فیلم از جهت مالی نتوانستند توفیقی بدست آورند و مرز ده میلیون را پشت سر گذارند و بالطبع چنین پیش‌آمدی بیش‌از هرکس گریبان تهیه کننده را می‌گیرد ، زیرا صاحب سینما بمحض آنکه فروش خود را از حد نصاب معینی پائین دید یا پورسانتاژ کم میکند ویا آنکه اقدام بتعویض فیلم میکند و کسی هم جلودارش نیست واصولا باکیش نیست که تهیه کننده ضرر کرد واز بین رفت و ورشکست شد و مسئول این اجحافات وشکست های مالی کسی نیست بجز تهیه کنندگان فیلم که باتهیه سرسام‌آور فیلمهای خود بازار را برای هرگونه احجافی از طرف سینمادار باز میگذارند ، زیرا درسال آنقدر فیلم ساخته می‌شود که سه گروه نمایش دهنده فیلمهای ایرانی بدون فیلم نمانند.

اکنون بیائیم اندکی معقولانه‌تر حقایق را بررسی کنیم و واقعیت‌های کتمان ناپذیررا قبول کنیم . اگر واقعا مسئله نمایش فیلم در این کشور دارای قواعد و مقرراتی بود و یا حداقل یك وابستگی و پیوستگی همیشگی در میان تهیه کنندگان وجود داشت نمی‌بایست سه فیلم بزرك امسال بچنین سرنوشتی دچار شوند.

اگر مقصر را تماشاگر بدانیم این مسئله صحیح نیست زیرا همین تماشاگر برای‌مشاهده از فیلمهای ایرانی در طی یك هفته بیست میلیون ریال پول پرداخته است، در حالیکه اگر تهیه کنندگان این فیلمها از زمان نمایش عید فطر چشم می‌پوشیدند و هرکدام فیلم‌خود را بایك هفته فاصله نمایش ،هم اینکه هرسه‌فیلم فروش واقعی خودرا بدست می‌آورد و هم‌آنکه هزینه تبلیغات فیلمها بچنین صورتی در نمی‌آمد که نیمی از سهم فروش فیلم اختصاص بتامین هزینه آگهی یابد.

اکنون ارقام میتوانند بازگو کننده این حقیقت باشند که چه زیانی نمایش سه‌فیلم عاید سازندگان آنها کرده است . البته بجهت آنکه مسئله خاصی پیش نیاید در مورد هرسه فیلم یکجا سخن خواهد رفت.

بطوریکه تهیه کنندگان فیلمهای جهنم + من ـ گروهبان ـ حسن سیاه اظهار میدارند مجموع هزینه‌ای که جهت تهیه سه فیلم‌اختصاص یافته است رقمی در حدود بیست و پنج میلیون ریال است که سه فیلم در حدود پنج میلیون ریال نیز مجموعا برای جلب تماشاگر بیشتر هزینه تبلیغ داده‌اند که در مجموع سی میلیون ریال بابت سه فیلم بودجه صرف گردیده است.

حالا ببینیم که از راه نمایش این سه فیلم چه وجهی عاید صاحبان آن شده است.

هرسه فیلم در طی هفته اول نمایش خود مجموعا شانزده میلیون ریال فروش داشته‌اند که از این مبلغ دوازده میلیون و هشتصد هزار ریال پس از کسر عوارض شهرداری باقی میماند. از مبلغ باقی‌مانده شش میلیون وچهار صد هزار ریال سهم هرسه فیلم است که پس از کسر ۵ درصد مالیات و سایر هزینه‌های‌پیش بینی شده پولی که عاید تهیه کنندگان میگردد پنج میلیون وپانصد هزار ریال است. دوفیلم از این سه فیلم که نمایش آن بهفته دوم کشیده شده است با پورسانتاژی معادل سه درصد خواهد بود که جمعا این دو فیلم اگر چهار میلیون ریال فروش کرده باشد، سهمی که عاید صاحبان فیلم میگردد یك میلیون ریال بیشتر نیست و ۷۰ درصد درآمد فیلم عاید سینماها است و فیلم دیگر که با پورسانتاژ ۵۰ درصد ادامه پیدا کرده است بیش از یك میلیون ریال درآمد نخواهد داشت. در نتیجه از بابت نمایش سه فیلم در مدت دوهفته پولی که بتهیه‌کنندگان بازگشته است بیش از هفت میلیون وپانصد هزار ریال نیست و اگر ۵۰۰ هزار ریال سهم آگهی صاحبان سینماها را محسوب داریم بیش از هشت میلیون ریال نمی‌گردد و بدین‌ترتیب این سه فیلم بیست و دو میلیون ریال کسر خواهند داشت تا بسرمایه اصلی خود برسند که این رقم را بهیچ عنوان سینماهای‌شهرستانها نمی‌توانند تامین کنند . بدین ترتیب حتی تهیه فیلم پرخرج با هنرپیشه پولساز نیز برای‌تهیه کننده صرف نمی‌کند زیرا باآنکه سینمای ایران بازار محدودی در داخل دارد، و سطح فروش فیلمها پائین می‌آید معلوم نیست چرا و بدون علت دستمزدها افزوده می‌شود و مخارج تهیه فیلم اضافه میگردد.

بدی کار اینست که همیشه تهیه کننده دنبال خواست صاحب سینما رفته است و بزعم آنکه فیلمش فروش بدست آورد و یا لااقل از جهت فروش کارش تضمین شده باشد ازهنرپیشه گرانقیمت استفاده کند در حالیکه هنرپیشه گرانقیمت سبب میگردد که هزینه فیلم افزوده شود و فروش زیادتر فیلم نیز تنها دستمزدهای سرسام‌آور را تامین کند.

بدون هیچ تردیدی بایستی در کار فیلمسازی سینمای این‌ملك رفرمی پدید آورد. جلوی تهیه فیلم را بصورت نامتناسبش گرفت واز رقابت‌های بیموردی که جز زیان برای‌همه هنرمندان و تهیه کنندگان ثمره‌ای ندارد جلوگیری کرد، زیرا در غیر اینصورت این راه که فیلمسازان ایران میروند بترکستان‌است.